

اقتصاد

اقتصادی، تحلیلی

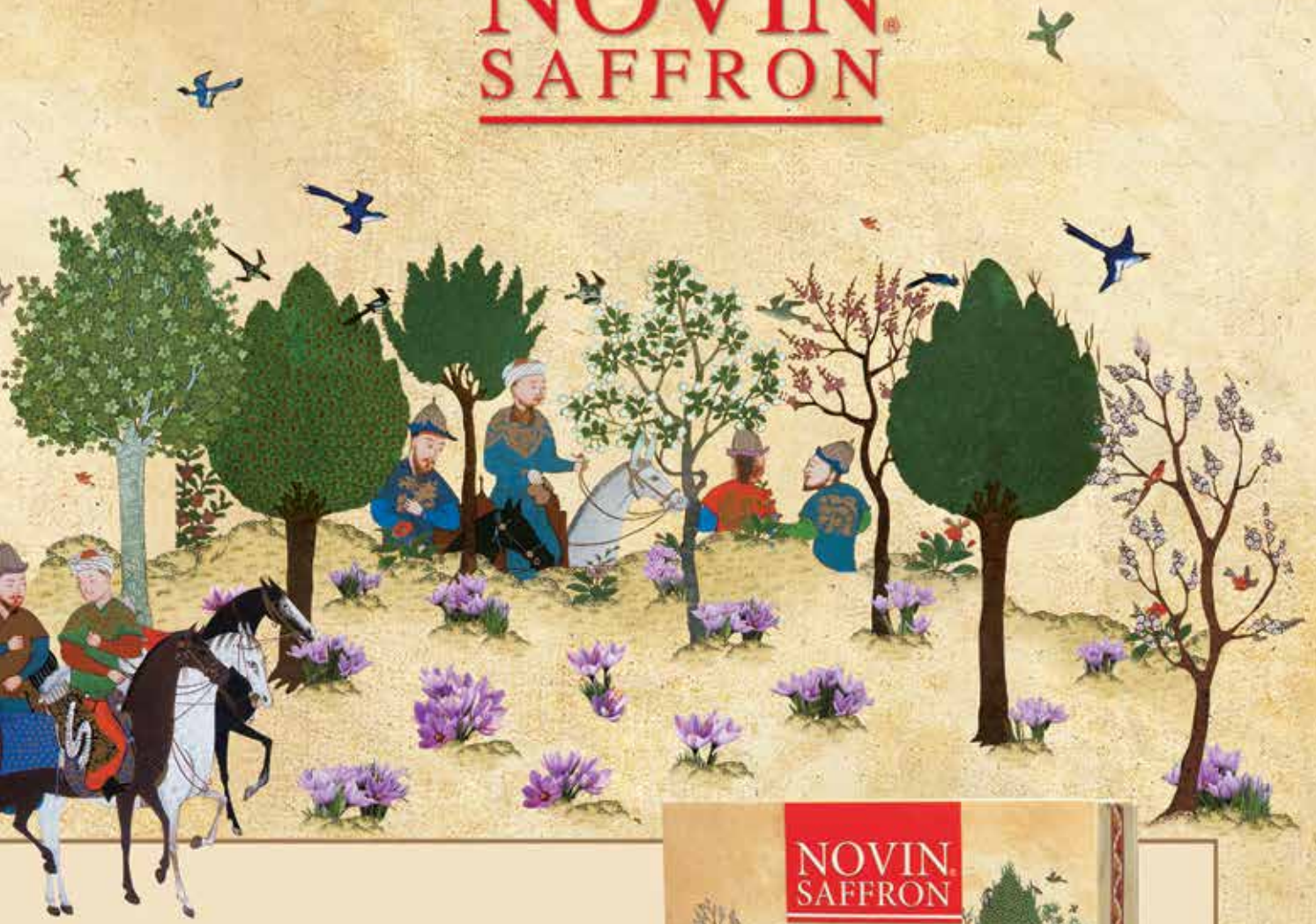
سال سی و یکم - بهمن ۱۴۰۲ قیمت: ۳۰۰۰ تومان

- ◀ چالش‌های سرمایه‌گذاری در ایران از منظر اقتصاد کلان
- ◀ سرنوشت اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۴
- ◀ آینده‌تاریک سرمایه‌گذاری
- ◀ چشم‌انداز تولید صنعتی جهان تا ۲۰۲۶
- ◀ هوش مصنوعی در محل کار
- ◀ بهترین کتاب‌های اقتصادی و کسب و کار ۲۰۲۳

تغییر بازارهای منطقه با تحول دیجیتال



NOVIN SAFFRON



کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۲۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب بلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰





۲	یادداشت / چالش های هوش مصنوعی در ایران
۳	تغییر بازارهای منطقه با تحول دیجیتال
۱۲	هوش مصنوعی در محل کار
۱۴	چشم انداز تولید صنعتی جهان تا ۲۰۲۶
۱۷	سال نااطمینانی ها و فرصت ها
۲۰	سرنوشت اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۴
۲۲	زنجیره های جهانی ارزش: فیلی در اتاق اقتصاد ایران
۲۸	آثار تغییرات اقلیمی بر زنجیره تامین مواد غذایی خاورمیانه و شمال آفریقا
۳۴	تحقق امنیت غذایی با اتکاب تولید داخلی
۴۰	چالش های سرمایه گذاری در ایران از منظر اقتصاد کلان
۴۳	فرش ایرانی از عرش افتاد
۴۶	ثروتمندترین خانواده های جهان ۲۰۲۳
۴۸	فهرست ۲۰ ثروتمند جهان در پایان سال ۲۰۲۳
۵۰	بهترین کتاب های اقتصادی و کسب و کار ۲۰۲۳
۵۲	اهمیت سرمایه گذاری در ICT

صاحب امتیاز و مدیر مسول:

مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

سردبیر:

مهندس حسین کوه زاد

خبرنگار:

جلیل فروتن

گروه ترجمه:

زهرا پزشکی

ویراستار:

احمد حسین زاده

طراحی: هدی امیر

عکس:

حسین نظامی

واحد بازرگانی:

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

نشانی:

نشانی: مشهد - خیابان فلسطین

فلسطین ۱ - ساختمان سروش

طبقه تحتانی

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

تهران - شریعتی - خیابان دستگردی

پلاک ۷۴

طبقه دوم - واحد ۳

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۰۹۶۱

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۰۳۲

www.eghtesadasia.ir
eghtesadeasia@gmail.com

چالش‌های هوش مصنوعی در ایران

سعید امینیان

کارشناس فناوری اطلاعات و ارتباطات

هوش مصنوعی به عنوان یکی از فناوری‌های پیشرفته، در حال تحول و گسترش قابل توجهی در سراسر جهان است، اما در ایران، روند پیشرفت این حوزه با چالش‌های خاصی روبه‌رو است که موجب می‌شود مسیر رشد هوش مصنوعی در این کشور متفاوت باشد.

در این یادداشت، به بررسی چالش‌های مهم هوش مصنوعی در ایران می‌پردازیم.

۱- نبود زیرساخت‌های لازم: یکی از چالش‌های اصلی هوش مصنوعی در ایران، کمبود زیرساخت‌های لازم برای پشتیبانی از پروژه‌ها و تحقیقات در این زمینه است. عدم وجود ابزارهای پیشرفته، داده‌های کافی و شبکه‌های ارتباطی به‌روز، ممکن است رشد هوش مصنوعی را محدود کند.

۲- محدودیت در دسترسی به داده: دسترسی محدود به داده‌ها، یکی از مسائل مهم در پیشرفت هوش مصنوعی در ایران است. این محدودیت ممکن است از رشد الگوریتم‌ها و مدل‌های مبتنی بر داده خودکفا در این کشور جلوگیری کند.

۳- نیروی انسانی متخصص: بحران کمبود نیروی انسانی متخصص در حوزه هوش مصنوعی وجود دارد و ایران نیاز به توسعه مهارت‌های تخصصی در این زمینه دارد. آموزش کارشناسان و محققان با توجه به، به‌روزرسانی‌های فناورانه امری ضروری است.

۴- مسائل حقوقی و اخلاقی هوش مصنوعی همواره با چالش‌های حقوقی و اخلاقی مواجه است. در ایران، تدوین قوانین و استانداردهای مرتبط با حقوق و اخلاق هوش مصنوعی، برای جلوگیری از مشکلات احتمالی ضروری است.

۵- ارتباط با صنعت تعامل بیشتر بین علم و صنعت در زمینه هوش مصنوعی می‌تواند به رشد این فناوری در ایران کمک کند. ایجاد پلتفرم‌هایی برای اشتراک اطلاعات و همکاری بین دانشگاه‌ها و صنعت، یکی از راه‌های تسریع در این حوزه خواهد بود. با توجه به این چالش‌ها، ایران نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، سرمایه‌گذاری موثر و همکاری بین حوزه‌های مختلف است تا بتواند در مسیر پیشرفت هوش مصنوعی تأثیرگذار باشد.

راهکارها برای چالش‌های هوش مصنوعی در ایران

تقویت زیرساخت‌ها: ارتقای زیرساخت‌های فنی و فناوری، شامل شبکه‌های ارتباطی پیشرفته و ابزارهای مورد نیاز برای تحقیقات هوش مصنوعی، می‌تواند راهکاری موثر باشد. توسعه دسترسی به داده: تشویق به ایجاد منابع داده عمومی و ارائه تسهیلات برای دسترسی به آنها، به‌طور مستقیم تأثیرگذار بر پیشرفت الگوریتم‌ها و مدل‌های هوش مصنوعی خواهد بود. توسعه نیروی انسانی متخصص: افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش و ارتقای مهارت‌های تخصصی در زمینه هوش مصنوعی، به جذب نیروی انسانی متخصص کمک خواهد کرد. تدوین قوانین حقوقی و اخلاقی: تدوین و اجرای قوانین و استانداردهای حقوقی و اخلاقی مرتبط با هوش مصنوعی، مسائل مربوط به حریم خصوصی و استفاده اخلاقی از این فناوری را حل خواهد کرد. تعامل بین علم و صنعت: ارتقای همکاری بین دانشگاه‌ها و صنعت با ایجاد پلتفرم‌های تبادل دانش و فناوری، می‌تواند تسریع در فرآیند انتقال تحقیقات به صنعت را فراهم آورد. تشویق به کارآفرینی: ایجاد برنامه‌ها و تسهیلاتی برای حمایت از کارآفرینان و شرکت‌های نوپا در حوزه هوش مصنوعی، می‌تواند اشتغال و رشد اقتصادی را ترویج دهد. هماهنگی بین ادارات: برقراری هماهنگی بین ادارات مختلف دولت و سازمان‌ها برای اجرای یک راهبرد جامع در حوزه هوش مصنوعی، اهمیت بسیاری دارد. انعطاف‌پذیری در سیاست‌گذاری: تدوین سیاست‌های انعطاف‌پذیر با توجه به پیشرفت‌های سریع در هوش مصنوعی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند با چالش‌های متغیر مواجه شود. این راهکارها، اگر به شکل هماهنگ و همراه با تعهدات مالی و اجتماعی اجرا شوند، می‌توانند به تسریع در پیشرفت هوش مصنوعی در ایران کمک کنند.

تغییر بازارهای منطقه با تحول دیجیتال

خلیل پیری

سرپرست تیم پلتفرم‌های دیجیتال صنعتی هیبریدی

همراه سه پارادایم انقلاب چهارم صنعتی، که تأثیرات حیاتی بر کشور خواهند داشت، تشریح خواهیم کرد.

تولید و تجارت مدرن، ارتقای بعدی جهانی شدن

سهم بخش خصوصی ایران در موج جدید جهانی سازی، که در آن کشورهای در حال توسعه به عنوان جهانی سازان جدید، بازارهای جدید، مصرف کنندگان جدید، همکاری‌های جدید، شیوه‌های جدید تولید و تجارت، رهبران صنعت و فناوری جدید در اختیار دارند. موج بعدی جهانی شدن چه تاثیری بر بخش خصوصی ایران خواهد داشت؟ جهانی شدن به دلیل تاثیری که در فرآیندها و شیوه‌های مدیریت عملیات ایجاد کرده است، پرکاربردترین کلمه در زمینه کسب و کار امروزی است. این نتیجه ادغام جوامع و اقتصادهاست که توسط فناوری‌های جدید، سیاست‌های ملی منطقه‌ای و بین‌المللی و روابط اقتصادی جدید هدایت می‌شود. در تعریفی کلی، موج بعدی جهانی شدن به عنوان یکپارچگی و وابستگی متقابل شهروندان فراتر از مرزهای ملی، بر اساس تعاملات فرامرزی ملی مبادله کالا، خدمات، سرمایه، ایده‌ها، فرهنگ و ارزش‌ها تعریف می‌شود، سیلی غیرقابل کنترل. زمینه اقتصاد دیجیتال جهانی در دو دیدگاه مفهومی عمده تحلیل می‌شود: اول به عواملی مانند فناوری، سرمایه‌گذاری، تجارت، جریان اطلاعات، ارتباطات و تولید فرامرزی (مثل کشت فرامرزی) مربوط می‌شود، دوم بر یکسان‌سازی سیاست‌گذاری اقتصادی، صنعتی و نهادها متمرکز است.

از سال ۱۹۸۰ که موج سوم جهانی سازی به شکل اولیه آغاز شد بسیاری از کشورهای در حال توسعه به عنوان جهانی سازان جدید برای تولید کالا و خدمات تولید و بازارهای جهانی شده‌اند. سهم تولید در صادرات کشورهای در حال توسعه افزایش چشمگیری داشته است؛ از حدود ۲۵ درصد در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۸۰ درصد در سال ۲۰۲۰ رسیده است. افزایش قابل توجهی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود داشته است. این یک تغییر مهم را نشان می‌دهد، برای اولین بار در تاریخ بشر، کشورهای در حال توسعه فرصت رقابت با کشورهای توسعه یافته را پیدا کرده‌اند. ادغام اقتصاد جهانی تحت فرآیندی از دهه‌ها پیش از طریق تجارت، مهاجرت و جریان سرمایه شکل گرفت ولی نه اینجوری که مرزهای ملی کم‌رنگ و بازارهای منطقه‌ای ذیل یکپارچگی اقتصادی جهانی رخ دهد.

تحول دیجیتال پتانسیل تغییر بازارهای منطقه به نفع تولید و تجارت ایران را دارد. اقتصاد دیجیتال ضمن افزایش بهره‌وری و کارایی، هزینه‌ها را نیز کاهش خواهد داد، امکان مشارکت صنایع کوچک و حتی مشاغل خانگی در فرآیند ارزآوری، کارآفرینی دیجیتال و مشاغل پایدار با هزینه‌های کمتر از طریق هایپراتوماسیون امکان مشارکت همه ظرفیت‌های موجود را در خلق ارزش ممکن کرده، زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای را متحول می‌کند و بستر جهش از صنعت دو به صنعت چهار را پایه‌ریزی خواهد کرد.

راهکارهای نوین مبتنی بر ساختارهای اقتصاد دیجیتال، صنعت چهارم، کارخانه و تولید هوشمند امکان تحول در تولید و تجارت کشور در منطقه (ویژه کشورهای در حال توسعه) که امکان همسو شدن ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای را محقق می‌کند، در ادامه موج جدید جهانی شدن و تأثیرات اقتصادی، اجتماعی آن، نقش اقتصاد دیجیتال، کارخانه هوشمند و پلتفرم‌های دیجیتال صنعتی هیبریدی بین‌المللی مبتنی بر صنعت خرده‌فروشی، صنعت ساختمان، صنعت سلامت، ماشین‌آلات صنعتی و تجهیزات کشاورزی، بخش خدمات به

شبکه‌های آفلاین (فیزیکی) و آنلاین (دیجیتال)

انقلاب دوم صنعتی باعث برق‌رسانی انبوه شد، سومین انقلاب صنعتی اختراع ترانزیستورها را نشان داد که باعث افزایش سرعت و کوچک شدن پردازنده و توسعه کامپیوترها و اختراع اینترنت شد. رشد فناوری در ادامه به حدی شد که هر شهروند یک کامپیوتر (گوشی هوشمند) برای انتقال پیام‌ها و اطلاعات به همراه دارد که این مساله امکان ایجاد شبکه‌های به هم متصل میلیارد نفری را فراهم کرد. در گامی دیگر شبکه‌های عظیم رایانه‌ای امکان اتصال بادیگر دستگاه‌ها (اینترنت اشیا) را یافتند. این موج تغییرات در جهانی شدن تجارت آنلاین را به اوج رساند و مفاهیم تجارت دیجیتال را توسعه داد. پلتفرم‌های دیجیتال صنعتی به کالا و خدمات امکان تبادل با چند کلیک به صورت آنلاین را فراهم می‌کنند، در نتیجه هزینه‌های جست‌وجو، واسطه و... کاهش می‌یابند، بهره‌وری افزایش می‌یابد و امکان خلق ارزش‌های جدید ایجاد می‌شود. تجارت دیجیتال امروزی (الکترونیک سابق) از سال ۱۹۶۰، با تبادل الکترونیکی داده‌ها EDI برای به اشتراک گذاری پیام، تبلیغات و اسناد به صورت الکترونیکی اختراع شد و تا امروز به طور قابل توجهی جهش داشته است. رشد تصاعدی تجارت دیجیتال موج عظیمی از پویایی‌های جدیدی در کسب و کارها ایجاد کرده است. این مساله زمانی مشخص شد که فروشگاه‌های فیزیکی چه به طور جزئی یا کامل جای خود را به فروشگاه‌های دیجیتال خواهند داد.

تجربه خرید از فروشگاه‌های فیزیکی به خرید دیجیتال تبدیل شده است که در آن مشتریان با الگوریتم‌های هوش مصنوعی تعامل دارند. فروشگاه‌های آنلاین مانند آمازون و علی‌بابا تحولات مهمی بودند. امروزه شهروندان از طریق بانکداری آنلاین پول پرداخت می‌کنند که با یک کلیک ساده انجام می‌شود. با این قابلیت‌های آنلاین، مردم مجبور نیستند به صورت فیزیکی رفت و آمد کنند یا از فروشگاه‌های فیزیکی بازدید کنند. آنها می‌توانند به صورت مجازی با الگوریتم‌های هوش مصنوعی تعامل کنند

و حتی لذت خرید فیزیکی را نیز داشته باشند، مضاف بر اینکه در تعامل دیجیتال مشتریان فراتر از تامین کالا/خدمات با کیفیت‌تر، قیمت رقابتی‌تر، امکان خلق ارزش نیز خواهند داشت؛ (هم‌آفرینی ارزش). دستیابی تولیدکننده ایرانی به این نقطه به معنای سقف رقابت‌پذیری، صادرات و توسعه بین‌الملل است. شبکه‌های چند میلیونی از شهروندان و دستگاه‌ها تحت اینترنت اشیا تحولی عظیم در تولید و تجارت ایجاد کرده است.

انواع شبکه‌ها و اهمیت آن در اقتصاد دیجیتال، تجارت جهانی و جهانی شدن تجارت

اقتصاد دیجیتال اغلب به نوع شبکه ارتباطات مرتبط است، انواع مختلفی از شبکه‌های ارتباطی موجودند که هر کدام روش ارزش‌گذاری خاص خود را دارند. این شبکه‌ها با قوانینی که ارزش‌گذاری آنها را توصیف می‌کنند نامگذاری می‌شوند. قانون شبکه سارنوف، قانون شبکه متکالیف و قانون شبکه رید به عنوان بالاترین سطح ارزش آفرینی است.

ساده‌ترین قانون شبکه مدل سارنوف یک به چند مانند شبکه‌های پخش یا تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها که در آنها محتوا توسط تلویزیون، شبکه پخش و... محتوا (مواد غذایی، برنامه تلویزیونی) عرضه و توسط متقاضی مصرف می‌شود. در این شبکه خلق ارزش یکطرفه است، مثلاً تلویزیون با آگهی بازرگانی درآمدهای بزرگی دارد، اما ارزش یا درآمدی به متقاضی یا مصرف‌کننده (بیننده) نمی‌رسد. قانون سارنوف بیان می‌کند که ارزش یک شبکه به تعداد بینندگان افزایش می‌یابد. به عنوان مثال، یک شبکه تلویزیونی در حین پخش برنامه نود (فردوسی پور) درآمد آگهی بازرگانی و... بیشتری داشت، چون مخاطبان بیشتری داشت و بنابراین می‌تواند درآمد بیشتری را برای تبلیغات از تبلیغ‌کنندگان دریافت کند.

دومین قانون شبکه مدل متکالیف، تعدادی به چند نوع دوم شبکه‌های از مدل تعدادی به چند استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، همه کاربران شبکه به طور بالقوه می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اما شانس برخی از کاربران بیشتر است، پس فقط بخشی از کاربران منتفع می‌شوند. به عنوان مثال می‌توان به علی‌بابا اشاره کرد، دهه پیش بازرگانان ایرانی برای خرید جنس چینی، پولی هزینه و چند روز زمان صرف می‌کردند تا به چین بروند و نهایتاً ۵ تا ۱۰ کارخانه را بازدید کنند (حق انتخاب محدود) و خرید کرده برگردند، با ظهور علی‌بابا، تاجر بدون نیاز به صرف پول و هزینه، زمان با حق انتخاب بسیار بیشتری (پانصد کارخانه آنلاین) خرید می‌کنند، ذخیره شدن هزینه و زمان، با حق انتخاب بیشتر است. قانون متکالیف ارزش‌گذاری شبکه تعدادی به چند را توصیف می‌کند.

سومین قانون شبکه مدل رید

برخی از شبکه‌ها امکان مبادله دوطرفه و خلق ارزش فراتر از مزایای مبادله را برای همه ذی‌نفعان فراهم می‌کنند، چنین شبکه‌هایی در مقابل توانایی مبادله قابلیت مبادله جمعی مانند هم‌آفرینی ارزش را دارند. یعنی همه مشتریان علاوه بر بهره‌مندی از مزایای مبادله می‌توانند خلق ارزش کنند؛ بنابراین، شبکه‌های رید ارزش متفاوتی نسبت به شبکه‌های دیگر دارند.

در شبکه‌هایی اینترنتی، با امکان میلیون‌ها کاربر و تشکیل گروه‌های مختلف، در ارکستراسیون‌های مختلف صنایع مختلف و زیرگروه‌ها عملاً امکان ایجاد بازار در بازار ممکن می‌شود. تشکیل گروه شبکه‌ها یا خوشه‌های مختلف مارشال/دیجیتال نوع اضافی و بسیار مهم از قابلیت شبکه هستند. تشکیل گروه شبکه‌ها دارای عملکردی است که مستقیماً وابستگی‌ها (مانند گروه‌های مشتریان صنعت خرده‌فروشی و گروه‌های مشتریان صنعت سلامت، جوامع) را در میان زیرمجموعه‌های مشتریان خود فعال و پشتیبانی می‌کند. ابزارها و فناوری‌های گروهی (که ابزارهای جامعه نیز نامیده می‌شوند) برخلاف وجود دانش تئوری شبکه‌ها در همه کشورها، تنها ۲ قطب آمریکا OECD (قانون رید) و چین (قانون متکالیف) توانسته‌اند در سطح بین‌الملل در عمل این دانش تئوریک را در بازارهای بین‌الملل اجرایی کنند. امیدواریم سومین کشور جهان ایران باشد. یکی از مهم‌ترین محرک‌های ساخت شبکه‌ها تحت قانون شبکه‌رید، پروژه پیکربندی مجدد-End-to-End (E2R) با هدف بهره‌گیری از مزایای کامل ارزشمند تنوع در رادیو Eco-Space، متشکل از طیف گسترده‌ای از سیستم‌ها مانند Cellular، Wireless Local Area و Broadcast است. هدف اصلی پروژه E2R ابداع، توسعه و آزمایش طراحی معماری دستگاه‌های قابل تنظیم مجدد و عملکردهای سیستم پشتیبانی برای ارائه مجموعه گسترده‌ای از انتخاب‌های عملیاتی به کاربران، برنامه‌های کاربردی و ارائه‌دهندگان خدمات، اپراتورها، تنظیم‌کننده‌ها در زمینه رادیوی سیار ناهمگن بود. سیستم‌های منطقی در قانون سوم شبکه‌ها (قانون رید) علاوه بر کاربران انسان‌ها-اشیا یا اینترنت اشیا IoT نیز می‌توانند به اشکال مختلف برای سمت عرضه و تقاضا خلق ارزش کنند. این به معنای دستیابی به سقف خلق ارزش آفرینی در دنیای مدرن است.

اهمیت شبکه، اقتصاد دیجیتال علاوه بر سرعت ارتباطات و تغییر ماهیت مصرف، رقابت، خلق ارزش و عملکرد بازارهای به‌هم‌پیوسته (شبکه‌ها)ی بین‌المللی

نقش دارد، شرکت‌ها و شهروندان با استفاده از ابزار فناوری اطلاعات، نوآوری‌ها را تقویت می‌کنند، در نتیجه پویایی بازارها می‌تواند به سرعت تغییر کند. مدل‌های کسب و کار جدیدی برای سازگاری و استفاده از فرصت‌های موجود در دنیای دیجیتال ایجاد می‌شوند (اهمیت انعطاف‌پذیری). تفاوت انقلاب چهارم صنعتی ذات جهانی آن است که برای اولین بار در تاریخ بشر کشورهای عقب‌مانده از فناوری و ثروت می‌توانند با اقتصاد دیجیتال و موج سوم جهانی سازی تولید و تجارت و کشور خود را متحول کنند. اقتصاد دیجیتال شبکه جهانی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است که توسط پلتفرم‌هایی دیجیتال صنعتی با ابزار فناوری اطلاعات، اینترنت، تلفن‌های موبایل و شبکه حسگرها فعال می‌شوند. اندازه‌گیری اقتصاد دیجیتال با مشکلات و بحث‌های زیادی روبه‌رو است.

مشکلات شبکه‌ها در کشورهای در حال توسعه و راهکارهای آن

مادر دوره شبکه‌ها (اقتصاد جدید) زندگی می‌کنیم. نحوه برقراری ارتباط، تبلیغات، برندینگ، روش خرید، نحوه پرداخت، یادگیری، زندگی، کار و تجارت تغییر خواهند کرد. ما با یک انقلاب جدید در اقتصاد روبه‌رو هستیم؛ اقتصاد شبکه، که در آن سفارشی‌سازی هوشمند کالا/خدمات، کیفیت، نوآوری، خلاقیت، تغییر (سریع) و سازگاری، قانون است. با استفاده از این فناوری‌ها و از طریق شبکه‌ها، انجام تجارت، دسترسی به مصرف‌کنندگان، یادگیری محصولات و خدماتی که آنها می‌خواهند و شناخته شدن خود بسیار آسان، بسیار بسیار کم‌هزینه‌تر با بهره‌وری بالاتر است.

همه چیز در مورد اتصال، فناوری‌های جدید، شبکه است. در عصر دیجیتال، مصرف‌کنندگان تبدیل به همکار خواهند شد و دقیقاً به ما می‌گویند که چه می‌خواهند، خدمات سفارشی یا شخصی‌سازی شده را درخواست می‌کنند، مطلع می‌شوند، قوانین بازی کاملاً تغییر کرده است. مشکلات شبکه‌ها در بخش تقاضا در کشورهای در حال توسعه

اینترنت در حال حاضر نقشی ضروری در زندگی روزمره جوامع ایفا می‌کند. با این حال بسیاری از جوامع نسبت به ظرفیت‌های عظیم و جامع این فناوری‌ها کم‌اطلاع هستند، پتانسیل و مزایای اینترنت را می‌توان در این جمله خلاصه کرد، برای اولین بار در تاریخ انسان مدرن، کشورهای در حال توسعه شانس تبدیل شدن به قدرت نوظهور و توسعه یافتگی را در کمترین زمان تجربه شده دارند، اینترنت راه صد ساله را تبدیل به راه ده ساله می‌کند.

بزرگ‌ترین مشکل در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، عدم دانش عمیق نسبت به این ظرفیت‌ها و ناتوانی در تبدیل ظرفیت‌های بالقوه به بالفعل است. فناوری با تغییر اساس شبکه‌ها و اتصال نامحدود به افراد بیشتری امکان می‌دهد تا ایده‌ها و دارایی‌های کوچک خود را آزمایش کنند، هزینه‌ها و خطرات نوآوری و توسعه محصول را در کشورهای در حال توسعه به شکل قابل توجهی کاهش می‌دهد. موفقیت سطح بالا در عصر دیجیتال ارتباط بسیاری به همکاری نزدیک بین بخش دولتی، خصوصی و شهروندان دارد. موفقیت در سطح عالی نیازمند اصلاحات واقعی، ثبات و همکاری دولت-ملت است. ارتباطات و فناوری اطلاعات، New IT ابزارهایی هستند که استفاده بهینه از این ابزارها، می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم در پس زمینه تحول دیجیتال باعث گشایش راه‌های جدیدی برای رشد اقتصادی در چارچوب مفاهیم جدید شود. تاثیر این دنیای جدید در رشد اقتصادی به حدی محسوس و چشمگیر است که اقتصاد متعارف در ایده‌آل‌ترین شرایط نیز دستیابی به رشد حاصل اقتصاد دیجیتال امکان‌پذیر نیست، بنابراین همه کشورهای جهان فناوری‌های دیجیتال را اساس تغییرات اقتصادی، اجتماعی، نهادی قرار دادند، تغییرات ناشی از تحولات دیجیتال در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، ژئوپلیتیک و ژئوآنومیک کشورهای مناطق جغرافیایی مختلف جهان تاثیر خواهد گذاشت.

افزایش تقاضای استفاده از ارتباطات و فناوری اطلاعات ICT نیازمند ایجاد زیرساخت‌های جدید به خصوص در شهرک‌های صنعتی کشور است. تولیدکنندگان باید تمام توانشان بر تقویت اینترنت 5G در شهرک‌های صنعتی معطوف باشد.



تروئیکای (سه‌گانه) جهانی شدن، آزادسازی تجارت و انقلاب، فناوری ICT و شبکه‌ها

کارخانه‌های هوشمند قلب جهان جدید (اقتصاد دیجیتال)، تولید مبتنی بر داده، طراحی و سفارشی‌سازی. سه تغییر پارادایمی که بزرگ‌ترین تأثیرات را بر کشور دارند شامل، اول پایان نفت، دوم پایان تولید انبوه و سوم تغییر آموزش.

براساس آمار گمرک کشور درآمدهای ارزی کشور در سال ۱۴۰۱ بیش از صد میلیارد دلار از محل صادرات نفت و صادرات محصولات غیرنفتی بوده است.

اول پایان نفت. توافق جامعه جهانی در پاریس ۲۰۱۵، تالانوا، سانتیاگو و... کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت را متعهد به عدم تولید و مصرف نفت کرد؛ برنامه‌ای تدریجی جهت حذف ۶۰ درصد تقاضای جهانی تا سال ۲۰۴۰ و به پایان رساندن کامل آن تا ۲۰۵۰ به عنوان زنگ خطری برای درآمدهای ارزی کشور از محل فروش نفت است.

دوم پایان یا تغییرات اساسی در ساختارهای تولید انبوه است. از سال ۱۹۷۰ دنیا دچار جهش‌های بزرگ فناورانه شده است. فناوری تأثیرات بزرگی بر شیوه‌های تولید، مدل‌های کسب و کار، الگوهای پرداخت و تبادلات مالی و مهم‌تر از همه تغییر ساختار بازارها و شکل‌گیری بازارهای جامع و یکپارچه‌ای که در آن خلق ارزش (ثروت) تغییر کرده دارد.

تولید انبوه، سرمایه‌بر، انرژی‌بر، آب‌بر (بخش کشاورزی، صنعت) مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی است که دیگر پاسخگوی بازارها نیست، به‌خصوص در اقتصاد ایران، تولید انبوه دیگر نه مناسب تولیدکننده است، نه مناسب مصرف‌کننده است، نه دولت توانایی حمایت هزینه‌بری، انرژی و آب‌بری آن را دارد و نه این مدل تولید توانایی ایجاد مزیت رقابتی دارد.

در عصر دیجیتال، شکل امروزی تولید انبوه، منسوخ خواهد شد. ادامه روندهای مدیریتی در صنعت تولید و تجارت، قویا تقویت‌کننده این نظریه است که احتمالاً طی یک دهه آتی ایران به واردکننده کالا و

خدماتی تبدیل خواهد شد که امروز به صورت حداقلی به بازارهای عراق و افغانستان صادر می‌کند. تولید انبوه باریسک‌های بزرگ تجاری در اقتصاد ملی نیز همراه است، تولید انبوه با انعطاف‌پذیری کم، ماشین‌آلات تک منظوره و تأکید صرف بر صرفه‌جویی در مقیاس یا حجم به عنوان تنها مزیت فعال است. از آنجایی که ویژگی‌های رکود تورمی اقتصاد کشور با کاهش تقاضا در بازار داخلی و عدم دسترسی به بازارهای صادراتی قابل تشخیص است، هزینه به عامل تعیین‌کننده‌ای برای بقای تولیدکنندگان تبدیل شده است، شرایطی که تنها شرکت‌های بزرگ می‌توانند دوام بیاورند، عواقب حذف شرکت‌های کوچک‌تر، بیکاری و انحصار تولید شرکت‌های بزرگ است و عواقب میان‌مدت خطر حذف شدن شرکت‌های بزرگ به واسطه رقابتی منطقه‌ای طی یک دهه آینده است.

سوم تغییر شیوه‌های آموزش، اشتغال و کارآفرینی است. سال‌ها از تغییر ساختار دانشگاه‌های جهان از فارغ‌التحصیل محور به کارآفرین محور می‌گذرد، اما جوانان ما همچنان درگیر کنکور و خدمت مقدس هستند که به گره‌های عدم انعطاف‌پذیری سیستم آموزش تبدیل شده است. کارآفرینی نوآورانه، کارآفرینی دیجیتال به یک اولویت اول سیاست‌گذاران به ویژه در کشورهای در حال توسعه منطقه تبدیل شده است.

کارآفرینی دیجیتال، اشکال نوین مشاغل که از الزامات فیزیکی به مهارت‌های نرم مانند مدیریت، نوشتن، کدنویسی و نوآوری (شغل آینده) تغییر می‌کنند. زمانی که تولید مواد افزودنی AM، جایگزین بسیاری از کارگران در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و خرده‌فروشان خاص شود، احتمالاً بسیار سریع‌تر از تصور پایان کار فیزیکی مشاهده شود. جایی که تولید مواد افزودنی و اتوماسیون‌های دیجیتال و هاپیر اتوماسیون‌ها کارگران را در شرکت‌ها و کارخانه‌ها کاهش خواهند داد تنها با آموزش بهنگام و ارتقا به سطحی بالاتر، مردم باید به فکر نوع شغلی باشند که باید برای انجام آن آماده شوند. بنابراین، نیاز است که به مفهوم کار به طور کلی فکر شود. مشاغل در عصر دیجیتالی شدن، عدم قطعیت و تحول باید دوباره تعریف شوند. بسیار مهم است که بپرسیم آیا صنعت تولید و تجارت کشور ما برای امواج بعدی جهانی شدن آماده هستند یا خیر که اگر تولید و تجارت کشور به سرعت بازیابی و آماده نشود، چشم‌انداز بسیار... است.

موج بعدی جهانی شدن که در اقتصاد دیجیتال ادغام شده است اکوسیستمی است که با انقلاب صنعتی چهارم تقویت خواهد شد. این می‌تواند اقتصاد ایران را با جهش بزرگ همراه کند، ساختار کارخانه‌های هوشمند، پلتفرم‌های دیجیتال صنعتی هیبریدی بهای اتصال، تعامل و عمل دیجیتالی از راه دور از هر کجا و هر زمان بستر تکامل بعدی انسان را تعیین خواهد

کرد. تکامل بعدی که پدیدار شود این است که چگونه می‌توان به آنجا رسید.

تامین منافع همگان و کسب رهبری اقتصاد در منطقه برای ایران

مانشان خواهیم داد که صنعت تولید کشور با توسعه صادرات چگونه می‌تواند سه تغییر پارادایمی را کنترل و به نفع کشور بهینه کند. ایجاد ارزش مشترک (هم‌آفرینی ارزش) باز شدن گره‌های انباشت شده رفع نیازها و چالش‌های اجتماعی با مدل تجاری است.

جریان اصلی بازاریابی طی یک قرن گذشته معمولاً بر این فرض بنا شده که بازارها فضایی خارج از کنترل و از قبل تعریف شده است که شرکت‌ها با هدف کشف فرصت‌ها وارد زمینه‌ای با ساختاری پیچیده و لایه‌ای از پیش تعیین شده می‌شوند تا بر اساس الزامات محیط تجاری، واکنش نشان دهند.

ساختارهای فناورانه دنیای جدید، دیدگاه نئوکلاسیکی از بازارها، یعنی اینکه بازارها زمینه‌های از پیش موجود هستند را زیر سوال می‌برد و با تعریف جدید، بازارها را به عنوان موجودیت‌هایی معرفی می‌کند که توسط بازیگران مختلف کارپردازی و بازنمایی می‌شوند.

تغییرات از بازارهای متعارف به بازارهای دیجیتال (پلتفرم‌های اقتصاد اشتراک‌گذاری، پلتفرم‌های دیجیتال و اقتصاد دایره‌ای و...) مبتنی بر مدل‌های جدید کسب و کار که با توصیف نقش کاربران و عملکرد پلتفرم دیجیتال ارائه می‌شوند مبنایی برای توسعه مدل‌های جدید خلق ارزش که نسبت به مدل کسب و کار متعارف خلق ارزش در آن بسیار متفاوت است. مدل‌های کسب و کار بازار دیجیتال و بلوک‌های سازنده آن برای مدل‌سازی بازارهای دیجیتال هزینه‌های تولیدکنندگان را به شکل قابل توجهی کاهش خواهد داد، بهره‌وری و کارایی را افزایش خواهد کرد و برای تولیدکنندگان و مشتریان علاوه بر تامین کالا/خدمات با کیفیت و مقرون به صرفه‌تر نسبت به رقبا امکان خلق هم‌آفرینی ارزش را فراهم می‌کند.

ایجاد ارزش مشترک به یک فرآیند استراتژیک اشاره دارد که از طریق آن شرکت‌ها (صنایع) می‌توانند با کمک جوامع (مشتریان، مصرف‌کنندگان، شهروندان)

مشکلات اجتماعی را به فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی تبدیل کنند. رویکرد استراتژیک ایجاد ارزش مشترک CSV در حل مشکلات اجتماعی و رابطه نزدیک آن با مسوولیت‌های اجتماعی استراتژیک شرکت‌ها CSR همزمان با خلق ارزش، مزیت‌های رقابتی و هم‌آفرینی ارزش است. به زبان ساده‌تر تولیدکنندگان در ضمن ایجاد مزیت‌های رقابتی، تولید کالای با کیفیت‌تر و ایجاد ارزش (سود) بیشتر با شهروندان مشکلات انباشت شده اقتصادی، اجتماعی را گره‌گشایی می‌کنند.

در برنامه هفتم توسعه بر افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید تاکید شده است، در حالی که می‌توان بر اساس بهره‌وری کل عوامل بسیار بیشتر از ساختارهای قدیمی مبتنی بر اقتصاد دیجیتال به رشد پایدار امیدوار بود.

۱- هدف کلی و اولویت اصلی برنامه هفتم با رعایت سیاست‌های کلی مصوب، پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت با نرخ رشد اقتصادی متوسط ۸ درصد در طول برنامه تعیین می‌شود با تاکید بر افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید (منابع انسانی، سرمایه، فناوری و مدیریت) در برنامه کلان ملی به بهره‌وری کل عوامل TFP هیچ اشاره‌ای نشده است.

در حالی که بر اساس توانمندی‌ها و ظرفیت‌های در حال استهلاک صنعت تولید کشور، نیروی انسانی انباشت شده، شهروندان، سرمایه‌های راکد و سرگردان، نوآوری‌ها و... بر اساس فناوری‌های پلتفرم‌های دیجیتال موجود در کشور با برنامه‌ریزی و استفاده از فناوری‌های نوآوری به بهره‌وری کل عوامل TFP دست یافت، این به عنوان راهکار نجات اقتصاد

توسعه پارادایمی‌های تولید، از جمله تولید انبوه، سفارشی‌سازی هوشمند و مشارکت اصول علمی، فناوری‌های تولید و عملیات سیستم‌ها و نحوه ادغام آنها با یکدیگر برای دستیابی به کیفیت، بهره‌وری و پاسخگویی در تولید مبتنی بر پلتفرم‌های دیجیتال صنعتی هیبریدی ما همچنین نقش مصرف‌کنندگان را در پارادایمی‌ها در نظر گرفته ایم.

بهره‌وری کل عوامل این استدلال را تقویت می‌کند که تفاوت در سرمایه فیزیکی و نامشهود می‌تواند دلیل تفاوت‌های بزرگ از درآمدهای تجارت (توسعه صادرات) و بین‌المللی شدن صنایع باشد که مشخصه اقتصاد جهانی امروز است. یافته این است که آنها نمی‌توانند تفاوت نرخ پس‌انداز اهمیت کمی برخوردار است. آنچه بسیار مهم است بهره‌وری کل عوامل TFP است. علاوه بر این ما شواهد صنعتی را ارائه می‌کنیم که نشان می‌دهد TFP‌ها در کشورها و زمان‌ها مختلف به دلایلی غیر از تفاوت‌ها در موجودی دانش فنی در دسترس عموم متفاوت هستند. این یافته‌ها مرا به این نتیجه می‌رساند که نظریه TFP مورد نیاز است. این نظریه باید تفاوت‌هایی را در TFP که به دلایلی غیر از رشد موجودی دانش فنی به وجود می‌آیند، توضیح دهد.

مبنای مقایسه بهره‌وری تولید

معنی تولید تابعی از سازمان است که با تبدیل طیف گسترده‌ای از ورودی‌ها (سرمایه، نیروی انسانی، کارخانه و...) با هدف دستیابی به خروجی مطلوب همراه است. بهره‌وری معیاری است از ترکیب و استفاده کارآمد منابع در شرکت برای دستیابی به نتیجه مطلوب. مقایسه دو شرکت با ورودی همسان (مواد اولیه، نیروی انسانی، خطوط تولید، سرمایه در گردش) هر دو کارخانه محصولی را با قیمت تمام شده ۱۰۰ تومان تولید می‌کنند، اولی به دلیل برندینگ قوی، یا اعمال نوآوری محصول را با قیمت ۲۰۰ تومان به بازار عرضه می‌کند و دومی با قیمت ۱۵۰ تومان می‌فروشد.

اقتصاددانان موافق هستند که تجارت بین‌المللی برای رشد اقتصادی مفید است. با این حال، در سطح شرکت‌ها، تنوع وجود دارد. هدف انجام تحلیل‌های اقتصادی روی داده‌های سطح شرکت و بررسی اثرات بهره‌وری تجارت بود. با داده‌های جامع تیم و داده‌های نظرسنجی‌های بانک جهانی، ابتدا الگوهای تجارت در میان شرکت‌های مختلف بررسی شد، سپس صنعت، اندازه شرکت و وضعیت قانونی شرکت‌ها را کنترل کردیم. سپس برای شناسایی ویژگی‌های شرکت‌هایی که در تجارت شرکت می‌کنند، تحلیل رگرسیون را انجام دادیم و



در نهایت، ما از رگرسیون متغیر ابزاری برای مطالعه چرخه فضیلت بین بهره‌وری شرکت و مشارکت آن در تجارت استفاده کردیم. معجزه رشد یک پدیده قرن اخیر است و فقط در کشورهایی رخ می‌دهد که بدواً از کشورهای پیشرو صنعتی عقب هستند. به طور کلی، زمانی که کشورها وارد رشد اقتصادی مدرن می‌شوند، برای مدتی بانرخه نزدیک به کشورهای صنعتی غنی و تراز اول رشد می‌کنند.

تعریف بهره‌وری کل عوامل TFP بدین شرح است، بهره‌وری کل عوامل بخشی از خروجی است که با مقدار نهاده‌های استفاده‌شده در تولید توضیح داده نمی‌شود. به این ترتیب، سطح آن با میزان کارآمدی و شدت استفاده از نهاده‌ها در تولید تعیین می‌شود.

به زبان بسیار ساده عوامل کل تولید یعنی کارخانه‌ها، نیروی کار و سرمایه، اما بهره‌وری کل عوامل یعنی همه شهروندان که به بلوغ عقلی رسیده‌اند، همه سرمایه‌ها حتی خرد، همه عقل‌ها و نوآوری‌ها در چارچوب ظرفیت‌های موجود امکان خلق ارزش را در پیوندی همسو با کارخانه‌های هوشمند به‌خصوص جهت توسعه صادرات خواهند داشت. پلتفرم‌های دیجیتال صنعتی امکان تبدیل ظرفیت‌های فردی به توانایی سازمانی و امکان تبدیل توانایی سازمان و به ظرفیت سیستمی را دارند،

نرخ رشد کل عوامل تولید شامل نرخ رشد کل سرمایه، نرخ رشد کل کار و آلفاست که سهم سرمایه رانشان می‌دهد. زنده یاد سولو به طور دقیق رشد TFP را اندازه‌گیری می‌کند. اگر (الف) تابع تولید Cobb-Douglas باشد، (ب) رقابت کامل در بازارهای عامل وجود داشته باشد و (ج) نرخ رشد تولید و ورودی‌ها به طور دقیق اندازه‌گیری شوند. TFP نقش مهمی در نوسانات اقتصادی، رشد اقتصادی و تفاوت درآمد سرانه بین کشورها ایفا می‌کند، لذا می‌توان تشخیص داد در اقتصاد دیجیتال در جهت‌گیری‌های احتمالی آینده بخش بزرگی از رشد TFP ناشی از تصمیمات نوآورانه درون‌زا است.

برای دستیابی به این منافع اقتصادی به اقتصاد دیجیتال نیاز است. این کلیات انقلاب

چهارم صنعتی است. کارخانه‌های هوشمند، قلب انقلاب چهارم صنعتی هستند. سفارشی‌سازی هوشمند امکان متعادل کردن موانع و چالش‌های پیشرو تولید و تجارت کشور را دارد. مزایا و عملکرد سفارشی‌سازی هوشمند مبتنی بر حجم انبوهی از داده است. (داده‌ها را نفت قرن جدید نامیده‌اند) کلان‌داده که به واسطه فناوری‌های New IT یعنی ابر، هوش مصنوعی، دفتر کل توزیع شده و... به دست می‌آید، امکان مقابله با تمامی چالش‌ها و موانع انباشت شده هفت دهه اقتصادی رانتهی و مشکلات تولید و تجارت کشور را دارد.

این می‌تواند منجر به فرصت‌های جدیدی برای تولید و تجارت کشور تحت سفارشی‌سازی هوشمند باشد. روش‌های جدید سفارشی‌سازی هوشمند به تولیدکنندگان امکان عرضه طیفی از خانواده محصول و به مشتریان فرصت خرید محصولات سفارشی‌سازی شده بر اساس نیازهای منحصر به فردشان با همان قیمت معمول را می‌دهد (مزیت‌های رقابتی منحصر به فرد دست‌نیافتنی شود که در ادامه تشریح خواهد شد). طراحی کارخانه هوشمند متناسب شرایط اقتصادی، اجتماعی، فناوری و... ایران و منطقه ضروری است.

اهمیت شبکه‌ها در اقتصاد دیجیتال مدیریت شبکه‌های فیزیکی - دیجیتال CPS در پلتفرم‌های دیجیتال

اقتصاد دیجیتال با چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری همراه است به‌خصوص برای تولید و تجارت کشور که موانع و مشکلات بسیار بیشتر از دیگر کشورهاست. موفقیت در این فرآیندها نیازمند همسوس کردن شبکه‌های آنلاین (شبکه کارخانه‌های سنتی، فروش سنتی، شبکه حمل و نقل و...) آنلاین (شبکه ICT، شبکه برق، آموزش، شبکه مالی) است. توسعه صادرات ضرورت نجات اقتصاد صادرات بدون حضور، بدون استراتژی چرخه‌های پیشرو و فراگیر شدن فناوری توسط دیربازان صنعتی امکان‌پذیر است. صد و ده سال پیش تورستین ویلن، اقتصاددان نروژی - آمریکایی، در باب عقب‌ماندگی اقتصادی (در قرن هجدهم) به اقتصاد صنعتی پیشرو اشاره داشته است.

هنر بازاریابی اقتصادی، موانع، مسیرهای انحرافی و جهش در سیستم‌های نوآوری پرسش اینکه آیا انقلاب چهارم صنعتی می‌تواند پنجره فرصتی برای ایران باشد تا بتواند با ایجاد مزیت‌های رقابتی در صنعت تولید و فرآیندهای نوین در تجارت به عنوان یک دیرباز عمل کند. پاسخ به این پرسش مستلزم بررسی واکنش کشور/شرکت‌ها شرایط بازار داخلی، زیرساخت‌های تولید و... است.

ایران می‌تواند با استفاده از تبدیل کارخانه‌های سنتی به کارخانه‌های هوشمند و پلتفرم‌های دیجیتال صنعتی، در شرایطی که کشورهای منطقه در مراحل آماده‌سازی انقلاب چهارم صنعتی هستند با استفاده صحیح از ترکیب مناسب زیرساخت‌های تولیدی رو به استهلاک، نیروی انسانی انباشت شده، نوآوری انبوه، کارآفرینی دیجیتال، انرژی و ژئوپلیتیک مناسب را تبدیل به فرصت جهش (تولید و تجارت) اقتصادی کشور کند؛ مزایایی که تنها چند سال پیش رو مزیت محسوب خواهند شد. جهش از صنعت ۲ (تولید انبوه) به صنعت ۴ (سفارشی‌سازی

انبوه-هوشمند) با طراحی اختصاصی کارخانه‌های هوشمند ویژه کشور و منطقه مراحل صنعت ۳ دور زده خواهند شد.

دوم پنجره فرصت تقاضا در بازارهای منطقه‌ای MENAP-CCA-EAC، ۴۵ کشور حوزه خاورمیانه، شمال آفریقا، آسیای میانه، دیواره شرقی آفریقا، افغانستان، پاکستان، در موارد معاوضه هند، چین، ترکیه (بازارهای منطقه) محسوب می‌شوند، طبقه‌بندی کشورها، سطح توسعه‌یافتگی، سطح درآمد در چهار دسته اصلی است.

شکاف فناوری متاثر از انقلاب چهارم صنعتی - فرصتی برای ایران

در بازارهای منطقه، شکاف فناوری، کشورهای توسعه‌یافته در رقابت با کشورهای نوظهور که حول ارتقای فناوری‌های صنعت چهارم در محصولات نسل جدید سازماندهی شده‌اند، شکافی را در تولیدات صنعتی این کشورها ایجاد کرده است. در نتیجه محصولاتشان به دلایلی همچون قیمت‌های بالا و عدم تطابق با زیرساخت‌های کشورهای منطقه، طی تحقیقات میدانی در کشورهای منطقه این شکاف‌های فناورانه در بازارهای منطقه به خوبی نمایان است.

شکافی که پیوسته در حال بزرگ شدن است براساس تحقیقات میدانی و مطالعات انجام‌شده در کشورهای منطقه با جمعیت تقریبی یک میلیارد و پانصد میلیون نفر، تخمین حداقل ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار بازار به دلیل شکاف اشاره شده وجود دارد که می‌توان با استفاده از نوآوری مقرون به صرفه، در این بخش‌های بازار که رقبای توسعه‌یافته حضور ندارند، بخش دیگر بازارها مربوط به نوآوری‌های زیر رادار است. در این بخش نیز حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار بازار با کمترین سطح رقابت‌پذیری (برخی کشورهای نوظهور، هند، آفریقای جنوبی و...) که با فعال شدن پلتفرم‌های دیجیتال، عرضه تولیدات ماژول‌مزیت‌های نسبی و دست‌بالایی نسبت به سایر رقبای منطقه‌ای خواهند داشت. ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار نوآوری‌های محلی و میزان قابل توجهی نوآوری خدمات محور در کشورهای منطقه

وجود دارد. به علاوه اکوسیستم دیجیتال اقتصاد اسلامی و صنعت حلال که فرصت‌های رشد جذابی در سطح منطقه (منهای اندونزی، مالزی و شرق آسیای شرقی) دارند. مسلمانان جهان بالغ بر ۲ میلیارد نفر جمعیت. اکوسیستم دیجیتال اقتصاد اسلامی و صنعت حلال فرصت‌های بسیاری را ایجاد خواهند کرد.

پنجره فرصت تغییرات نهادی دولت کارپسند - دولت رانت‌پسند

دو گانه اقتصاد رانتی، ناکارآمدی نهادی، اقتصاد کشور را در چرخه رکود گرفتار کرده است. کسری بودجه دولت پیوسته در حال افزایش است. درآمدهای نفتی چشم‌انداز مناسبی رانسان نمی‌دهند.

پلتفرم‌های دیجیتال امکان تعادل بخشیدن به روابط و ارتقای کیفیت و رضایت همزمان سه عامل تاثیرگذار در رشد اقتصادی در بخش تولید و تجارت کشور را دارند، دولت (به معنای کابینه و اعضای که با انتخابات ریاست جمهوری مستقر می‌شوند، عموماً تا سطح معاون وزیر و... است) کسب و کارها، کارآفرینان، سرمایه‌گذاران (شامل تولیدکنندگان، شرکت‌های مختلف بخش خدمات) نهادها (به معنای پرسنل و کارمندان دولت که عموماً به صورت ۳۰ ساله یا دیگر اشکال خدمت می‌کنند) این باور که دولت‌ها جهت ارائه خدمات مناسب تلاش می‌کنند، واقعیتی است که تحت تاثیر انباشتی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و نهادی قرار دارد، ویژگی اقتصادهای رانتی فعالیت‌های دلالتی، واسطه‌گری مخرب، افزایش غیرعقلانی قیمت املاک، گروه‌های رانتجو، کاهش سهم تولید، کاهش سرمایه‌گذاری واقعی در کارخانجات و تجهیزات، افزایش کسری تجاری، کاهش اشتغال و دستمزد واقعی است. پلتفرم دیجیتال با هدف اطمینان از روان بودن فرآیندهای افزایشی تولید و تجارت، کارآفرینی، نوآوری و... با سرعت قابل توجه و تجربه نشده، پیشنهادی جهت متعادل شدن روابط میان مالیات، رانت، رشد اقتصادی و کاهش کسری بودجه عملکردها به گونه‌ای خواهد بود که کسب و کارها، جهت تضمین روان بودن شرایط تولید و تجارت، پرداخت مالیات کیفی با رضایت کامل خواهد بود، کارمندان درگیر فرآیندهای تولید و تجارت نهایت تلاش جهت تضمین روان ماندن فرآیندهای تولید و تجارت، دریافتی بیشتری خواهند رسید. دولت امکان کاهش بودجه کارمندان و تعدیل کسری بودجه خواهد داشت، کارمندان نیز به دریافتی بیشتری خواهند رسید.

فرآیندی سه مرحله‌ای، یک مدل رشد درون‌زا برای تجزیه و تحلیل چگونگی تاثیر فساد و عملکرد دولت بر رابطه بین مالیات و رشد ایجاد خواهد شد. کسب و کارها، در فرآیند افزایش تولید و تجارت، مبادلات نوآوری انبوه، توسعه صادرات به زیرساخت‌ها و خدمات عمومی وابسته هستند. پرداخت مالیات و سود حاصل از آن به دلیل کارآمدی بوروکراسی و روان بودن جریانات تولید و تجارت، می‌تواند ابزار مبادله میان مثلث کسب و کارها، کارآفرینان، پرسنل دولتی و دولت جهت دریافت خدمات عمومی بهنگام و مناسبی باشد که هر سه ضلع مثلث منتفع خواهند شد و حمایت خواهند کرد، گرچه دولت‌ها در سطوح عملکرد اقتصادی متفاوت هستند، اما رابطه معکوس رابطه را بدین شکل نشان می‌دهد، افزایش مودیان با کیفیت و میزان مالیات در نتیجه روان شدن و افزایش تولید و تجارت، که رشد را قابل پیش‌بینی می‌کند، این تعاملی است میان مالیات و کاهش ناکارآمدی و سبک شدن بوروکراسی‌ها، در نهایت مبلغی از مالیات پرداختی یا به دیگر اشکال به کارکنانی پرداخت خواهد شد که در موفقیت، رضایت و رشد کسب و کارها نقش داشتند. براساس محاسبات مجموعه در یافتی کارکنان درگیر فرآیند بسیار بیشتر از حقوق دریافتی ماهیانه است، بنابراین دولت می‌تواند حقوق این کارمندان را در کف پرداخت کند. در این شرایط هم کسب و کارها از جریان روان تولید و تجارت سودمند شده‌اند، هم کارمندان به دریافتی بیشتری می‌رسند، هم دولت می‌تواند حقوق کارمندان که در این فرآیندها به مبالغ بیشتری از حقوق سالانه رسیدند را در حد کف پرداخت کند. در نتیجه در تعدیل بودجه می‌تواند گام‌هایی بردارد. از طرفی تعداد کسب و کارها به عنوان مودیان مالیات کامل با رضایت و کیفی پرداخت خواهند کرد، درآمدهای دولت نیز افزایش خواهد یافت (فرآیندها و تضامین استمرار، سلامت و... دیده شده است).



طراحی و تولید صنعت ساختمان و لوازم خانگی ایرانی در بازارهای صادراتی، ماهانه از ۱۵ تا ۴۰ هزینه‌های خانوار صرفه‌جویی داشته‌باشند

پلتفرم‌های دیجیتال صنعتی هیبریدی، صنعت خرده‌فروشی متحول شدن الگوهای تغذیه‌ای (قدرت همگرایی، یکپارچگی و ادغام صنایع غذایی، دارویی VS، لوازم خانگی IoT)

صنعت گسترده ساختمان، لوازم خانگی و...، تجهیزات مرتبط با صادرات صنعت ساختمان

سفارشی‌سازی هوشمند به عنوان چشم‌انداز همگرا برای تحول دیجیتالی توسعه لوازم خانگی و صنعت ساختمان

قابلیت‌های تحول دیجیتال مدیریت پیچیدگی و انعطاف‌پذیری را در صنایع تولیدی و ساختمانی افزایش می‌دهد. این قابلیت‌های پیشرفته را به سمت پذیرش مشترک روش سفارشی‌سازی هوشمند به عنوان رویکرد صنعتی کارآمد برای بخش معماری، مهندسی و ساخت‌وساز هدایت می‌کنند. تحول دیجیتال در تولید و صنایع ساختمانی می‌تواند بادی‌گام سفارشی‌سازی هوشمند و فعالیت‌های مشترک ادغام شود.

ترکیبی نوآورانه از سیستم‌های تولید پیشرفته، طراحی محاسباتی و تکنیک‌های ساخت دیجیتال برنامه‌های سفارشی‌سازی هوشمند را در تولید خارج از محل یا در محل اجزا و عناصر ساختمانی مانند نما باز می‌کند.

مدل‌سازی اطلاعات ساختمان BIM طراحی تکنیک‌های دیجیتال و از ارکان اصلی انقلاب چهارم صنعتی است. ادغام BIM در فرآیندهای طراحی، ساخت و بهره‌برداری ساختمان، با هدف پایداری مدیریت چرخه عمر ساختمان و... امکانات و شرایط ایده‌آلی برای صادرات صنعت ساختمان کشور فراهم می‌کند.

حرکت از تولید انبوه به سفارشی‌سازی هوشمند

بازار AEC-FM با کشش و تقاضای بالا در کشورهای منطقه در حال تغییر بزرگی است. صنعت کشور در صورت سازگار

شدن و درک ساختار سازی جدید جهت تحول در صنعت ساختمان به عنوان گسترده‌ترین حوزه تولیدی کشور و دیگر صنایع می‌تواند بخش بزرگی از بازارهای منطقه را تسخیر کند. صنعت ساختمان در حال تغییر شکل از مدل کسب و کار محلی به مدل‌های تجاری ارائه خدمات یکپارچه ملی و بین‌المللی است، به گونه‌ای که نیازهای مشتریان به صورت یکپارچه در مقیاس ملی، منطقه‌ای، حتی جهانی تامین می‌شوند.

فاصله سنج لیزری ۴۲۴D اندازه‌گیری کاملی از ویژگی‌های پیچیده، دوربین مادون قرمز PRO Ti ۴۸۰- دوربین حرارتی بالنز مادون قرمز استاندارد. دما و رطوبت پایه و اساس کیفیت هوای داخل ساختمان IAQ مجموعه‌ای از تجهیزات که صادرات صنعت ساختمان را بدون حضور و بدون ارتباط صفر تا صد ممکن می‌سازد. رطوبت سنج، دماسنج و...

استاندارد ISO ۱۹۶۵۰ استاندارد بین‌المللی مدیریت اطلاعات در کل چرخه عمر دارایی ساخته شده با استفاده از مدل BIM یا مدل‌سازی اطلاعات ساختمان است. شامل تمام اصول و الزامات سطح بالا BIM انگلستان است.

استفاده از انواع اسکنر از جمله اسکنرهای لیزری زمینی TLS پس از ثبت ابر نقطه از طریق یک فلش و رایانه، می‌توان داده‌ها را به نرم‌افزار مدل‌سازی تولیدکننده در ایران ارسال کرد، استفاده از داده‌های ابر نقطه و دانش ساخت تولیدکننده امکان مشارکت مشتری در طراحی آغاز محتوای مدل ساختنی است. نقشه رنگی ۳ بعدی سازه ISO 19650 به همه ذی‌نفعانی که در پروژه ساختمانی مشارکت دارند، شامل، تولیدکننده درب و پنجره، شیرآلات ساختمان، گرمایش، سرمایش، مواد افزودنی، کاشی و سرامیک، تجهیزات آشپزخانه و مبلمان و... ارسال خواهد شد.

در فرآیند Scan to BIM، اسکنر لیزری برای ثبت اسکن سه بعدی دقیق از شرایط دنیای واقعی در پروژه استفاده می‌شود. سپس داده‌های اسکن به ایران جهت مدل‌سازی سه بعدی ارسال می‌شود تا مدل‌های دقیقی که مشتری از راه دور امکان مشارکت در طراحی را دارد ایجاد کنند یا به طراحی با شرایط دنیای واقعی انطباق دهند. یک تیم محلی در کشور هدف صادراتی، امکان اسکن و مستندسازی را انجام می‌دهد، مزایای آن اول میزان زیادی از خطای انسانی از فرآیندهای مستندسازی سنتی حذف می‌شود، دوم داده‌ها در مدت زمان بسیار کوتاهی جمع‌آوری می‌شوند، سوم اطلاعات را می‌توان سریع‌تر بلافاصله به اشتراک گذاشت، چهارم تیم‌های جمع‌آوری داده‌ها (اسکن محیط) فقط یک بار از سایت بازدید خواهند کرد. پنجم مدل‌های نوآورانه‌ای به کار گرفته خواهند شد.

ساخت نماهای فتو ولتاژیک یکپارچه با چالش‌ها، از فرصت‌ها و ظرفیت‌های نوآورانه قابل توجهی برخوردار است. عناصر به عنوان افزودنی پیشرفته، چه در پیوست خارجی به عنوان نما، چه در سقف، در معماری زیبایی بصری جدیدی ایجاد می‌کنند و بار مکانیکی نصب سیستم PV را از بین می‌برند.

نمای ساختمان در دنیای جدید برای پاسخگویی به نیازهای مختلف به چالش کشیده شده

است. همراه با حفاظت غیر فعال در برابر عوامل جوی، نمایی تواننده عنصر فعال تبدیل شود و به لطف ادغام پنل های خورشیدی فتوولتاییک PV و حرارتی، انرژی تجدیدپذیر در محل تولید کند. این به نوبه خود می تواند یکی از فناوری های توانمند برای دستیابی به اهداف ساختمانی با انرژی صفر مستقل و کمک بزرگی به توسعه صنعت ساختمان و لوازم خانگی کشور باشد. در دنیا استفاده از فناوری های خورشیدی به عنوان بخشی از پوشش ساختمان بیشتر شناخته شده است، اگر بخواهیم توسعه صادرات و بین الملل شدن صنایع کشور را با اهداف انرژی های تجدیدپذیر که توسط کشورهای مختلف تعریف شده است همراستا کنیم، به استقرار گسترده نیاز مندیم. با وجود پتانسیل شناخته شده و بحث گسترده پیرامون PV های یکپارچه ساختمان، چرا این فناوری هنوز به طور گسترده مورد استفاده قرار نمی گیرد؟ چالش های اصلی که نماهای خورشیدی همچنان با آن مواجه هستند چیست؟ و نوآوری های تحول ساز چگونه می توانند راه گشا باشند.

تعبیه های هوشمندانه برای کنترل تطبیقی پوشش های ساختمانی

سیستم پنل های خورشیدی متصل به شبکه برق ملی کشورهای منطقه عمدتاً شامل پنل های خورشیدی، اینورتر شبکه و... است. پنل های خورشیدی برق DC را به واسطه اینورتر به برق AC تبدیل می کنند. سپس این برق AC می تواند در لوازم خانگی خانوار استفاده شود یا از طریق کنتور برق به شبکه برق ملی یا از طریق پلنفرم به همسایگان فروخته شود. تشریح پروسه تولید و صادرات صنعت ساختمانی به کشورهای منطقه بدون حضور، بدون ارتباط است.

در برخی صنایع همچون صنایع غذایی، دارویی تعادلی ویژه، همزمان میان سفارشی سازی هوشمند و تکنیک های تولید انبوه وجود دارد که امکان صرفه جویی در مقیاس سمت تقاضا و صرفه جویی در مقیاس سمت عرضه با درجه ای از نسبیّت به دست می آید. دلیل این امر ذات برخی بازارها همچون صنایع غذایی با مشتریان چند صد میلیونی است، (صنایع غذایی حلال) کشورهای اسلامی یا بازارهای داخلی. الگوهای تغذیه ای تنها در ۲ کشور منطقه وجود دارد که بدلانی هم چون اول عدم توجه به توصیه های عمومی = بهداشت یا تغذیه که برای افراد از نظر شخصی بی ارتباط تلقی می شود، دوم عدم پایبندی به توصیه های عمومی که توسط اکثریت جمعیت منعکس نمی شود شکست خوردند.

گزارش یونیسف، تلاش این نهاد را برای اطمینان از اینکه سوء تغذیه تا پایان دهه از بین می رود، شکست خورده تلقی کرد. تغذیه ناکافی در مواردی همچون تغذیه دوران بارداری مادران، یا دوران رشد نوزاد برای تکامل مغز ضروری است. این موضوع پایه و اساس رشد مهارت های شناختی، حرکتی و اجتماعی و... انسان ها است.

اهمیت سیستم های تغذیه خانوار (نوزاد، کودک، جوان، میانسال و...)

غذاهای کمکی در اوایل کودکی (کیفیت و تنوع رژیم غذایی) شیوه تغذیه دوران کودکی، نوجوانی و کنترل وزن افراد میانسال با هدف جلوگیری از اضافه وزن و... دستیار هوشمند صوتی در صنعت خرده فروشی سوپرمارکت ها، هایپرمارکت ها، داورخانه ها، بوتیک و...

دستیار هوشمند صوتی به عنوان نرم افزار مبتنی بر، ابر در فروشگاه های خرده فروشی، سفارش مشتریان را با احراز هویت (صوت) کدینگ می کند، سپس بر اساس الگوریتم هایی (سلیقه، قدرت خرید و سایر جزئیات) تجربه مشتریان را به عنوان داده شناسایی می کند، نصب نرم افزار در هزاران فروشگاه خرده فروشی و جمع آوری داده های مشتریان از طریق توپولوژی شبکه های دیجیتال منطقه ای (جزئیات شبکه ها در ادامه) آنالیز داده های خام بر اساس جمعیت شناسی، امکان شناسایی نیازهای شخص، خانواده، محله، شهر، استان و کشور صادراتی را ممکن می سازد. به علاوه نرم افزار امکان تشخیص مشتریان محلی به عنوان مشتریان دائمی فروشگاه از مشتریان رهگذر را دارد، با شناسایی موارد تغذیه ای مشتریان بستر تعاملات عرضه و تقاضا افزایش می یابد، ارائه مشاوره پوست و مو، مشاوره رژیم غذایی و

تغذیه و انواع مشاوره و فرصت های جدید به مشتریان و... مبتنی بر هوش مصنوعی ارائه خواهد شد.

همکاری صنایع غذایی، دارویی جهت غنی سازی محصولات موجود یا تولید محصولات جدید مطابق با نیازهای گروهی شهروندان (غذاهای بسته بندی شده، لبنیات، کنسروجات، فرآورده های گوشتی و...)

بهبود سواد غذایی و دسترسی به صنایع غذایی غنی شده، کمکی به تغذیه مناسب خانوار برای غلبه بر چالش هایی همچون سوء تغذیه، ناامنی غذایی در شکل ملی و منطقه ای که اساس تشخیص داده شده است. نقش تولیدکنندگان کشور و پلنفرم های دیجیتال صنعتی هیبریدی برای هدایت نوآوری ها، ابتکارات، ارزیابی سواد غذایی و کمک به تغذیه مناسب خانوار مهم تلقی می شود. تعبیه یک دستگاه قدسنج و توزین دیجیتال (ترازو) در مبلمان یا

یخچال مبتنی بر اینترنت اشیا IoT امکانی به خانوار است تا مسائل تغذیه ای، سلامت، اضافه وزن، تناسب اندام اعضای خانواده را کنترل کند و با دریافت مشاوره تغذیه مبتنی بر هوش مصنوعی به سلامت خانواده پیشگیری را اساس قرار دهند. طراحی لوازم خانگی هوشمند مبتنی بر اینترنت اشیا در سطوح مختلف، جهت دسترسی اکثریت خانواده ها با مدل های مطالعه شده ضروری است. محصولات هوشمند مبتنی بر اینترنت اشیا به منبع درآمدزایی مستمر تولیدکننده تبدیل خواهند شد. تنها راهکار رشد تولید و تجارت کشور تبدیل دارایی های دیجیتال و نامشهود و تسریع در نقدشوندگی است.

استفاده از تکنیک های انجمنی و زنجیره ای، جامعه شناسی اینترنت اشیا IoT امکان ایجاد شبکه ای از دستگاه های متصل (مبل، یخچال، شیرآلات ساختمان، درب و پنجره، سیستم گرمایشی، سرمایشی و...) حسگرها متصل به هم ایجاد خواهد شد که از طریق نرم افزارها نظارت و بهینه سازی می شوند، اینترنت اشیا، اینترنت صنعتی اشیا، اینترنت کشاورزی، اینترنت رسانه، اینترنت انسان نقش مهمی در خلق ارزش در شبکه های چند کاناله دارند، به علاوه اساس

ادامه در صفحه ۲۷

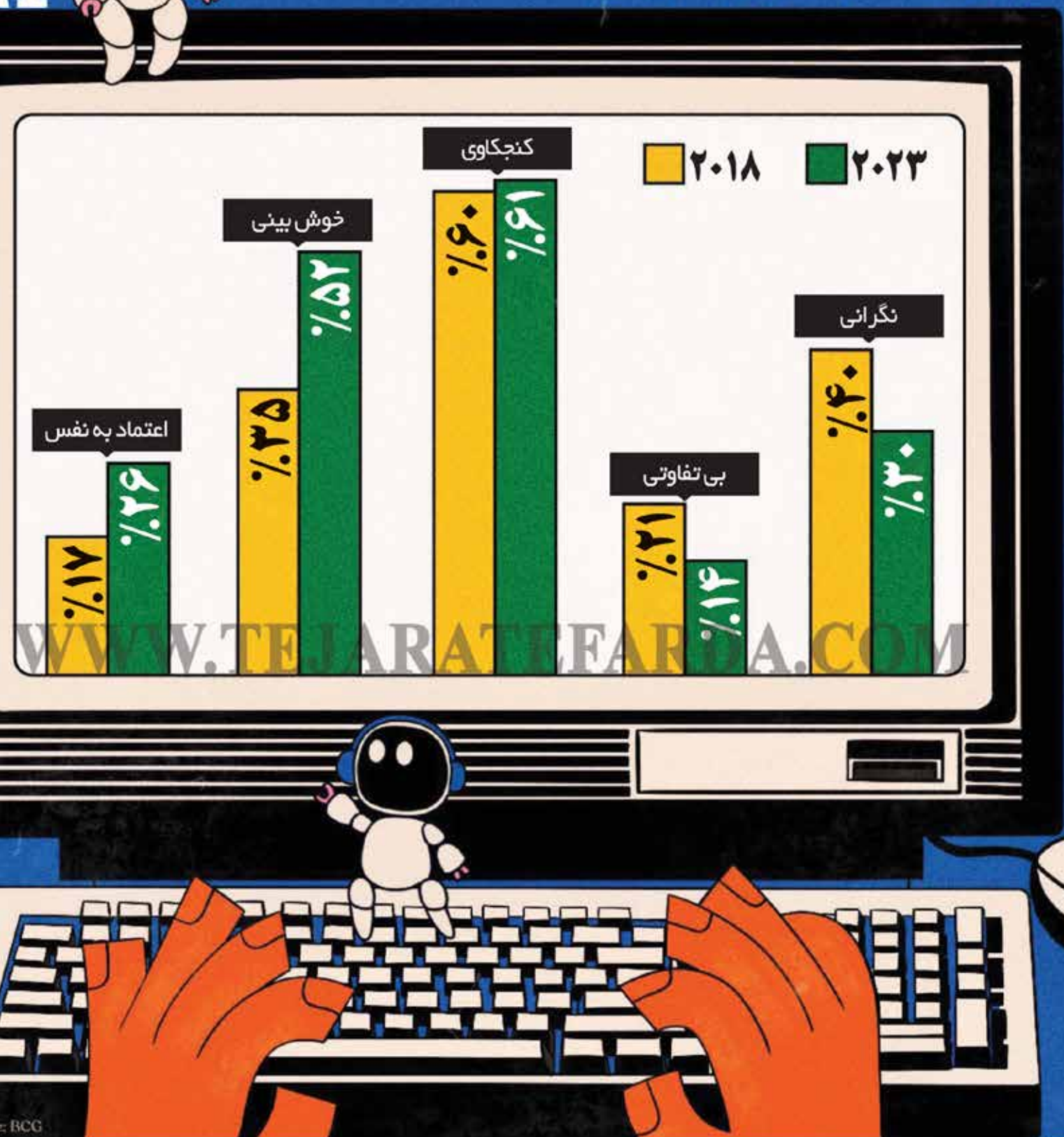
مردم چه احساسی در مقابل هوش مصنوعی دارند؟

هوش مصنوعی در محل کار

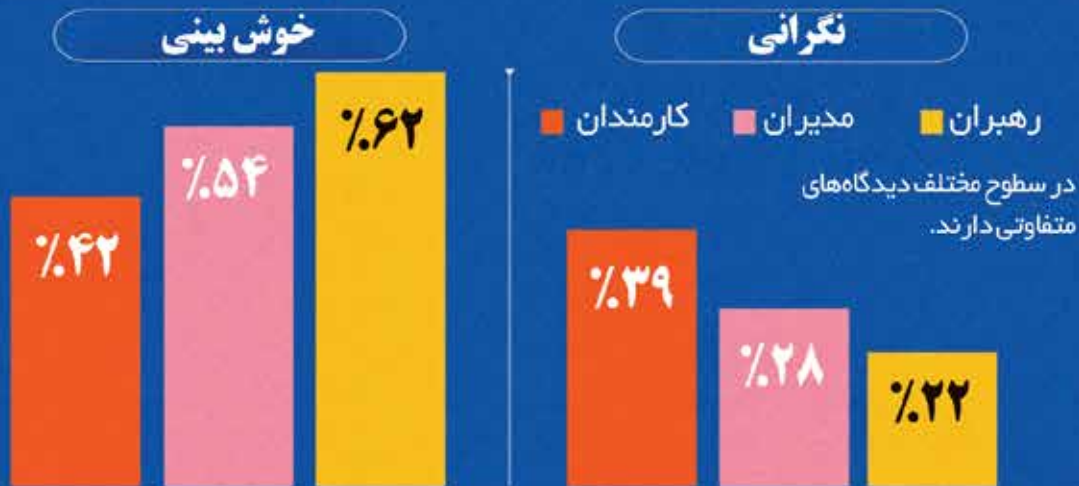
در طول سال گذشته، ابزارهای هوش مصنوعی مولد مانند ChatGPT جهان را تحت تاثیر قرار داده است. میلیون‌ها شغل را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در اینجا نشان می‌دهد که چگونه احساسات کارکنان در محل کار در طول پنج سال گذشته در خصوص هوش مصنوعی تغییر کرده است.



I



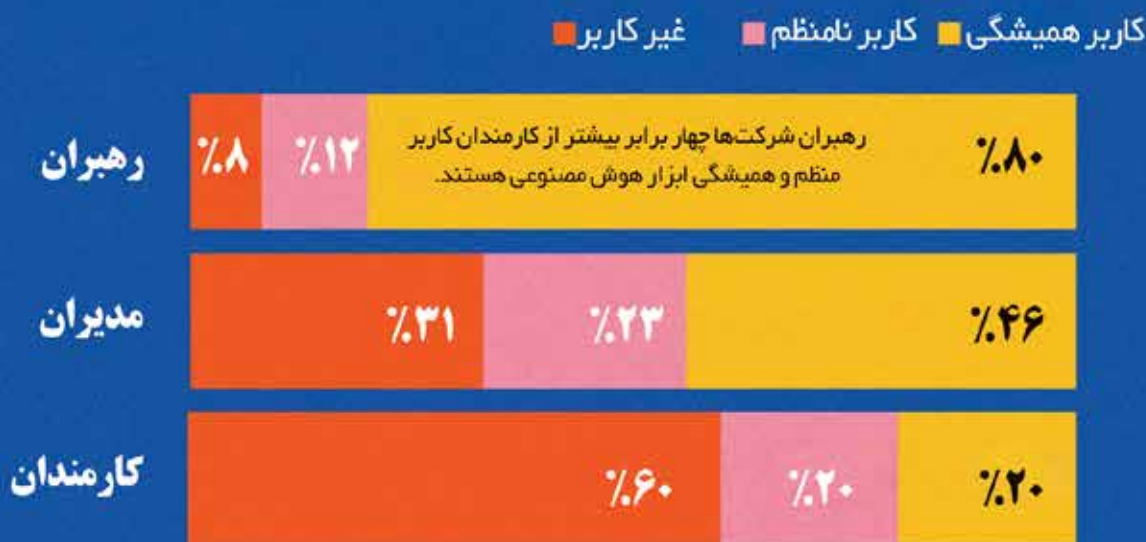
رهبران خوش‌بین، کارمندان محتاط



احساس خطر اشتغال بعد از گسترش هوش مصنوعی



درصد استفاده از هوش مصنوعی در محیط کار بر اساس سلسله مراتب



خوش‌بینی

نگرانی

احساس بر اساسی

فراوانی استفاده از ابزار هوش مصنوعی

۳۶٪

۵۵٪

۶۲٪

۴۲٪

۲۷٪

۲۲٪

چشم انداز تولید صنعتی جهان تا ۲۰۲۶



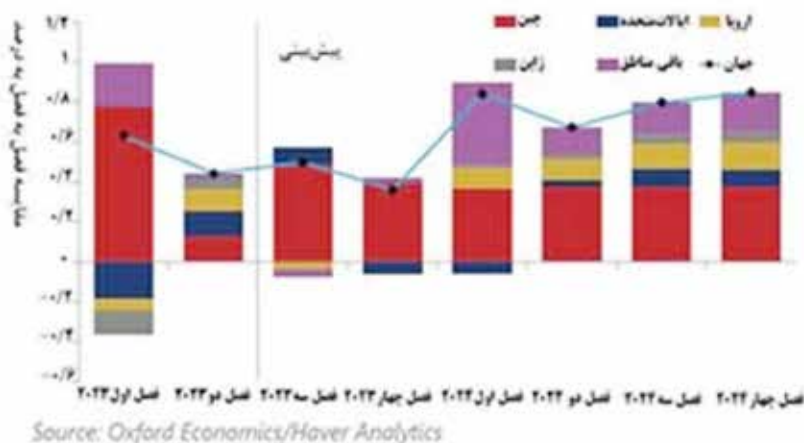
ایران بگشایند.

بر این اساس همه آنچه در آخرین گزارش موسسه اقتصادی آکسفورد آمده گویای کاهش نرخ رشد تولید صنعتی در جهان است. پس از بحران ناامیدکننده کرونا و همه گیری این بیماری، فضای تولید به وضعیت قبلی بازنگشت. با اینکه نرخ های رشد قابل توجه در بسیاری از رشته فعالیت های صنعتی در دو سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ تا حدی توانست در احیای سطح تولید جهان و بازگشت به وضعیت پیش از همه گیری کرونا اثر بخش باشد با این حال ترس از ظهور مجدد این قسم از مشکلات در کنار افزایش سطح تنش های امنیتی در جای جای جهان موجب شد تا ایده گسست زنجیره تامین جهانی و کاهش ریسک ادغام اقتصادها روی میز بسیاری از کشورها قرار گیرد و صنایع نیز ناگزیر از هماهنگ سازی خود و فرآیند تولید خود با این وضعیت جدید و برونزا هستند. به وضوح مشخص است که زنجیره های تامین جهانی تحت فشار هستند و هر روز وضعیتی پیچیده تر می شوند. از آنجایی که تولید کنندگان برای یافتن زمان جهت جبران هزینه ها در تلاشند، باید باز زنجیره تامین پراکنده و پیچیده به ادامه رقابت پردازند. با افزایش سرعت تغییرات، تولید کنندگان به یک استراتژی برای مدیریت زنجیره تامین پیچیده نیاز دارند که انعطاف پذیر، سریع و قابل اعتماد باشد.

زنجیره های تامین در هسته مرکزی خود، در مورد ارتباط تامین کنندگان با مشتریان خود و

چشم انداز بخش صنعت طی سالیان پیش رو از مسیرهای مختلفی تحت الشعاع عوامل برونزا قرار گرفته است. اگر تا پیش از این بخش صنعت به دلایلی نظیر افت بهره وری، کمبود سرمایه گذاری یا کمبود نیروی کار ماهر روبه رو بود و مجموعه ای از عوامل اقتصادی زمینه ساز رکود صنعتی در قاره های مختلف و جهان می شدند امروز بحران های برونزا منبعت از فضای امنیتی - سیاسی جهان زمینه ساز کوتاه شدن افق بخش صنعت شده است. در گزارش های مختلف مسائلی مانند تنش های ژئوپلیتیکی، گسست زنجیره تامین، جدال بر سر فناوری های مرزی، تورم و موج حمایت گرایی و بازگشت به اقتصاد ملی موجب شده تا صرفه های مقیاس در اقتصادها به دلیل کاهش میل به همکاری کم رنگ شود. تصویری که اخیرا موسسه اقتصادی آکسفورد از چشم انداز ۵ سال آتی بخش صنعت به تفکیک رشته فعالیت ها ارائه داده است، گویای چیرگی فضای امنیتی بر همکاری در سالیان آتی به ویژه در سال ۲۰۲۴ است؛ موضوعی که اثر عمیقی بر تحولات اقتصادی جهان خواهد داشت. گزارش حاضر سعی دارد تصویری روشن از آینده بخش تولید صنعتی جهان ارائه کند؛ به این امید که صنعتگران داخلی بتوانند با درک دقیق از موقعیت های جدید، چشم انداز روشنی پیش روی خود و اقتصاد

چشم انداز تولید جهان به همراه مشارکت کنندگان در رشد





برای مدیریت زنجیره‌های تامین دارد که یکپارچه‌تر، انعطاف‌پذیرتر و ناب‌تر باشند. دستیابی به چنین وضعیتی ناگزیر است، اما این هدف برای صنایع تا زمان تحقق و عملیاتی شدن، هزینه بسیاری در پی خواهد داشت. گزارش اقتصادی موسسه آکسفورد سعی دارد با همین نگرش به ارائه تصویری از آینده بخش صنعتی جهان پردازد.

آینده تولید در عصر گسستگی

تصویری که با لحاظ همه مسائل برای بخش صنعت در سالیان آتی قابل ترسیم است، مثبت و تاحدی رو به رشد به نظر می‌رسد. موسسه اقتصادی آکسفورد در گزارشی که در سپتامبر ۲۰۲۳ منتشر کرده تاکید دارد نرخ رشد بخش صنعت در سال ۲۰۲۳ حدود ۱/۵ درصد خواهد بود که از پیش‌بینی‌های قبلی نهادهای مرجع اقتصاد جهان تاحدی بالاتر است. چین همچنان موتور رشد تولید صنعتی جهان خواهد بود، اما وضعیت حتی در چین هم چندان مناسب نیست و به رغم تداوم رشد مثبت، به نظر می‌رسد وقایع اخیر روی پتانسیل این کشور برای افزایش سهم از نرخ رشد تولید جهان اثر می‌گذارد، به طوری که دست کم در میان مدت قدرت صنعتی این کشور رو به ضعف خواهد رفت. آمریکا نیز به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان شرایط چندان مناسبی را دست کم در طول سه فصل آینده تجربه نخواهد کرد؛ گرچه گزارش تاکید دارد در نیمه دوم ۲۰۲۴ وضعیت صنایع در این کشور اندکی بهبود خواهد یافت. بازیگر مهم دیگری که شرایط خوبی را طی سه فصل پیش رو تجربه نخواهد کرد، ژاپن است. اروپا نیز گرچه در طول برخی فصول آتی احتمالاً شرایط تولید چندان پررونقی نداشته باشد، اما طبق برآوردهای این موسسه در نیمه دوم ۲۰۲۴ شرایط بهتری را تجربه خواهد کرد.

کشورهای در حال توسعه و نوظهور به عنوان بازیگر مهم اقتصاد جهان، در این گزارش شرایط مناسبی دارند. سهم این کشورها از رشد تولید جهان گرچه تا پایان فصل نخست ۲۰۲۴ رو به ضعف خواهد رفت، اما در نیمه دوم ۲۰۲۴ شرایط خوبی پیدامی‌کند.

طبق برآورد موسسه آکسفورد انتظار می‌رود که در اواخر سال جاری شاهد رکود صنعتی کم عمق در ایالات متحده و اروپا باشیم گرچه بهبودی اندک تولید در سال ۲۰۲۴ دور از انتظار نیست. همچنین انتظار می‌رود که جهان در نیمه دوم سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ شاهد بهبود فعالیت‌های صنعتی چین باشد، اما تاثیر سیاست‌های انقباضی، تنگنای اعتباری شرکت‌ها و خریداران در کنار تورم بالا (که رو به تعدیل است) محیط را برای رشد مداوم صنعت جهان

دریافت اطلاعات صحیح از تامین کنندگان برای کاهش تعداد واسطه‌های بزرگ و کوچک نیازمند مدیریت هستند.

زنجیره تامین پراکنده، زنجیره‌های است که تولیدکننده با بسیاری از تامین کنندگان کوچک، یا ترکیبی از تامین کنندگان بزرگ و کوچک، که اغلب به هم مرتبط نیستند، مرتبط می‌شود. یک زنجیره تامین تکه‌تکه که معمولاً درجه بالایی از تکه‌تکه شدن در شبکه تامین کنندگان را تجربه می‌کند، کمتر یکپارچه است و نسبت پایینی از اتصال این تامین کنندگان وجود دارد. همچنین یک شبکه تامین گسسته دارای درجه بالایی از پراکندگی در تامین و توزیع کالا و درجه پایینی از اتصال صنعتگران به یکدیگر است. در چنین وضعیتی، یک محصول معین ممکن است یک یا چند منشأ داشته باشد.

گاهی ممکن است این محصول از یک مکان تهیه شود، در حالی که در برخی مواقع ممکن است از نقاط مختلف یا حتی کشورهای مختلف تهیه شود. مدیریت زنجیره‌های تامین دشوار است، اما یکی از مشکلاتی که به ویژه برای تولیدکنندگان قابل توجه است، پیچیدگی زنجیره تامین آنهاست.

زنجیره تامین تکه‌تکه نیاز به یک استراتژی

چشم‌انداز بخش صنعت به تفکیک رشته‌فعالیت‌ها تا ۲۰۲۶

رشته‌فعالیت	درصد از GDP	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲۴	۲۰۲۵	۲۰۲۶
تولید ناخالص داخلی	۱۰۰	۹۲	۱۰۱	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۱	۱۰۱
کل تولید صنعتی	۲۲/۸	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
تولید کارخانه‌ای	۱۸/۱	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸
کالاهای مصرفی	۵/۵	۶	۶	۶	۶	۶	۶
غذا، نوشیدنی و تنباکو	۲/۵	۲	۲	۲	۲	۲	۲
منسوجات، چرم و پنبه	۰/۷	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸
دارو	۰/۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱
صابون، بولیش و شوینده	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲
جواهر، موسیقی و تئاتر	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵
صنعت‌میلان	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳
کالاهای سرمایه‌ای	۵/۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
محصولات مهندسی و مکانیکی	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۷
فرآورده‌های فلزات نسبی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
صنعت خودرو و قطعه	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۱/۲
صنعت هوابی و فضایی	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲
صنایع کشتی، قطار و موتورسیکلت	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳
صنایع ابزار دقیق و نوری	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
کالاهای واسطه‌ای	۷	۶	۶	۶	۶	۶	۶
مواد و محصولات شیمیایی	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
فلزات نسبی	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱	۱/۱
سخت	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷
لاستیک و پلاستیک	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷
چوب و مصنوعات چوبی	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳

منبع: مجمع کارآفرینان ایران

نیمه‌هادی کمرنگ شده و به پایین‌ترین حد خود از زمان کمبود تراشه رسیده است. زنجیره‌های تامین تا حد زیادی عادی شده و وضعیت قبلی خود را باز یافته‌اند. موضوعی که به بهبود تولید در بخش‌های متأثر از رکود، از جمله دو بخش هوافضا و خودرو کمک می‌کند. با این حال، رشد بخش خودرو در حال کاهش است؛ زیرا شکاف میان‌دوره فعلی و دوره فراگیری کرونا شروع به از بین رفتن کرده و نرخ‌های بهره بالا نیز بر سطح تقاضا برای خودرو در جهان تاثیر می‌گذارد.

در گزارش موسسه آکسفورد چشم‌انداز رشته‌فعالیت‌های صنعتی تا سال ۲۰۲۶ نیز به تفکیک ارائه شده است:

سخت کرده است.

به‌طور کلی نیز، این موسسه پیش‌بینی خود برای رشد تولید صنعتی جهان در سال ۲۰۲۴ را در محدوده ۲/۶ درصد اعلام کرده است، در حالی که بازنگری دوباره داده‌ها منجر به کاهش پیش‌بینی‌های امیدبخش برای سال ۲۰۲۳ از ۱/۶ درصد به ۱/۴ درصد حکایت دارد. مهم‌ترین نکات درباره آینده تولید در جهان در مناطق مختلف به این شرح است: در اروپا امکان انقباض تولید صنعتی در نیمه دوم ۲۰۲۳ قابل پیش‌بینی است. تشدید سیاست پولی بر تقاضا تاثیر گذاشته است. در عین حال که تغییر مسیر شدید در سطح موجودی کالاهای صنعتی پس از همه‌گیری، زمینه‌ساز کاهش تولید کالاهای واسطه شده است.

به‌علاوه، قیمت‌های بالای انرژی باعث شده که تولید در بخش‌های تولیدی بالادست که انرژی بر هستند به میزان قابل توجهی پایین‌تر از سطح سال گذشته باشد. اساساً دلیل ورود شرکت‌ها به واردات نهاده‌های واسطه‌ای ارزان‌تر همین موضوع است.

اقتصاد ایالات متحده در ابتدای سه ماهه سوم ۲۰۲۳ با ثبات باقی خواهد ماند. با وجود این، پیش‌بینی موسسه آکسفورد این است که رکود صنعتی در سه ماهه چهارم سال ۲۰۲۳ آغاز شود. این موضوع به دلیل کاهش مخارج مصرفی، پس‌اندازهای اضافی، تقاضای ضعیف جهانی و افزایش قدرت دلار رخ خواهد داد.

در چین، تولید صنعتی در بحبوحه تقاضای ضعیف صادراتی، کاهش هزینه‌های مصرفی خانوارها، اصلاح شدیدتر از حد انتظار در بخش املاک و کاهش ذخایر صنعتی، وضعیتی کم‌رونق خواهد داشت.

با وجود این، اقدامات سیاستی دولت چین احتمالاً به بهبود متوالی فعالیت در نیمه دوم سال منجر شود. بخش‌های تولید پیشرفته و فناوری پیشرفته که هدف اقدامات حمایتی قرار گرفته‌اند، ممکن است از روندهای صنعتی فعلی دور شده و دوباره رونق بگیرند.

با وجود ضعف کوتاه‌مدت بخش تولید، نقاط روشنی در آتیه بخش صنعت وجود دارد. به نظر می‌رسد رکود در صنایع

مرکز مطالعات استراتژیک کار آفرینی چشم‌انداز ۲۰۲۴ را پیش‌بینی کرد

سال نااطمینانی‌ها و فرصت‌ها

حتی میانگین قیمت نفت خام نیز با افزایش شدید روبه‌رو شده است. قیمت نفت خام برنت به ۹۰ دلار در هر بشکه رسیده، در حالی که نفت خام وست‌تگزاس اینترمدیت آمریکا تا ۸۶ دلار در هر بشکه افزایش راثبت کرده است. این جنگ همچنین بازارهای سهام در سراسر جهان را با تغییر جهت‌گیری سرمایه‌گذاران به سمت «دارایی‌های امن»، تحت تاثیر قرار داده است.

اقتصاد جهانی که هنوز از همه‌گیری کرونا و تهاجم روسیه به اوکراین دچار بی‌ثباتی است، با چشم‌اندازی تاریک و نامطمئن روبه‌رو است. افزون بر این، تورم بالاتر از حد انتظار، به ویژه در ایالات متحده و اقتصادهای بزرگ اروپایی، باعث تشدید شرایط مالی نامساعد جهانی شده است. چین هنوز از همه‌گیری کرونا بهبود نیافته و به دلیل تداوم جنگ بین روسیه و اوکراین تاثیرات منفی بیشتری بر این کشور وارد شده است. همه اینها در نهایت به «رکود تجارت جهانی» منجر شده است. شاهد آن که نرخ رشد سالانه حجم واردات جهانی در سال ۲۰۲۳ منفی شده است.

کاهش رشد، مطمئناً فضای خصمانه‌تری را برای تجارت ایجاد می‌کند. شایان ذکر است محیط تقاضای جهانی نیز دچار افول کیفی شده است. آخرین باری که جهان، دو سال متوالی رشد زیر ۲/۵ درصدی را تجربه کرد، در پی بحران مالی بود. دلیل دیگری که یادآور می‌شود چرا خوش‌بین بودن در مورد تجارت، آسان نیست این است که در جهانی

سال ۲۰۲۳ روزهای پایانی خود را طی کرد و تحلیل روند پرتلاطم این سال در تداوم پیامدهای کرونا، تجاوز نظامی روسیه به اوکراین و در آخرین تحول، وقوع درگیری بین اسرائیل و حماس در نوار غزه، همه چیز را با شدتی بیشتر تحت تاثیر قرار داده است. گزارش پیش‌رو، تحلیلی است که توسط «لجستیکس اند اس.سی.ام.» تهیه شده و در آن با تاکید بر ضرورت هرچه بیشتر «تقویت انعطاف‌پذیری زنجیره‌های تامین» در راستای کنترل تبعات اقتصادی متاثر از نااطمینانی‌های بین‌المللی، تمرکز بر «توسعه زیرساخت‌ها» و «پذیرش فناوری» را مهم‌ترین راهکار در این مسیر می‌داند. این گزارش همچنین با بررسی اهمیت لجستیک دریایی تلاش می‌کند الگوی هند را به عنوان نمونه‌ای موفق و در حال توسعه، تشریح کند و توضیح می‌دهد که این کشور به چه شکل، چشم‌انداز توسعه بلندمدت خود را تعریف و اجرایی کند.

اقتصاد جهانی در تلاطم

در چند سال اخیر، اقتصاد جهانی چیزی جز یک روند پرفراز و نشیب را تجربه نکرده است و چشم‌انداز اقتصادی در سراسر جهان هر سال به تدریج بدتر می‌شود. پس از رکودی قابل توجه که از سال ۲۰۲۰ و با شروع همه‌گیری کرونا آغاز شد، اختلالات به وجود آمده، هیچ نشانه‌ای از فروکش کردن نشان نمی‌دهد.

سال ۲۰۲۳ نیز تشابه کمتری نسبت به خط سیر یک‌ترن‌هوایی آشوب‌ناک نداشت. از یک طرف، چندین اقتصاد با شبح «کندی بالقوه» و «تشدید تورم» دست و پنجه نرم کردند، در حالی که از سوی دیگر، درگیری مداوم بین روسیه و اوکراین، همراه با تشدید جنگ بین اسرائیل و حماس، تنش‌های تجاری جهانی را تشدید کرد که این روند به بروز اختلالات بی‌سابقه در زنجیره‌های عرضه جهانی منجر شد. با این وجود، سال ۲۰۲۳ شاهد پیشرفت‌های مهمی در بخش حمل و نقل و لجستیک بود که پیش‌بینی می‌شود سناریوی جهانی را دستخوش تحولات جدی کند.

ظهور نااطمینانی‌های کلان اقتصادی

درگیری‌های جاری بین غزه و اسرائیل رنج‌های انسانی قابل توجهی را به جهان تحمیل کرده است. فراتر از تاثیرات فوری این ستیز، این درگیری‌ها پیامدهایی را برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در پی خواهد داشت که بر جمعیت و اقتصاد این منطقه تاثیر می‌گذارد. این نوسانات بزرگ در شرایطی آشکارتر می‌شود که پیش‌تر پیش‌بینی می‌شد فعالیت‌های اقتصادی منطقه‌ای از ۵/۶ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۲ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد.

زیست می‌کنیم که در شرایطی فراتر از «اوج جهانی سازی» است و در حال حاضر، بیش از یک دهه است که همین وضعیت به فشار نزولی بر رشد تجارت جهانی منجر شده است.

به گفته «کریستین رولوف» مدیر عامل «کانتینر اکس‌چنج»، نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی در سال ۲۰۲۳، از جمله درگیری‌ها در اوکراین، تایوان و اسرائیل، به طور قابل توجهی بر صنعت کشتیرانی تأثیر گذاشته است. انتظار می‌رود این اثرات در سال ۲۰۲۴ ادامه یابد و پیامدهای بالقوه‌ای برای مسیرهای تجاری داشته باشد. درگیری روسیه و اوکراین به بسته شدن بندر دریای سیاه منجر شده و ازدحام و تاخیر در حمل و نقل کالاها در این مسیر را رقم زده است.

درگیری‌های احتمالی در تنگه تایوان و منطقه اسرائیل-فلسطین خطراتی را برای مسیرهای کشتیرانی کلیدی ایجاد می‌کند و بر تجارت در سال ۲۰۲۴ و پس از آن تأثیر خواهد گذاشت. رولوف معتقد است که گسترش اعضای کشورهای عضو «بریکس» پویایی‌های جدیدی را ایجاد خواهد کرد، مسیرهای تجاری را متنوع‌تر می‌کند و سامانه‌های پرداخت جایگزین جدیدتری را خلق خواهد کرد. او افزود: «همکاری در حوزه انرژی و رقابت منابع ممکن است پویایی کشتیرانی را تغییر دهد و فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای بخش کشتیرانی ایجاد کند»

«پذیرش فناوری» در راستای «تقویت تاب‌آوری»

در سال ۲۰۲۳، چشم‌انداز اقتصاد جهانی دوره‌ای از دگرگونی را از سر گذراند و فرصت‌هایی برای افزایش انعطاف‌پذیری و سازگاری ارائه کرد. در حالی که چالش‌های اقتصاد کلان که بر «تجارت» تأثیر می‌گذاشت، بیشتر نمایان می‌شد، همزمان پاسخ‌های نوآورانه‌ای نیز ظهور می‌کرد که موجب تقویت بنیان‌های تجارت بین‌المللی می‌شد. این دوره از تکامل اقتصادی باعث ارزیابی مجدد راهبردهای زنجیره تامین شد و کشورهای کسب و کارها را به سرمایه‌گذاری در سازوکارهای قدرتمندتر و انعطاف‌پذیر

تشویق کرد. برای پیشبرد این سناریو، حوزه صنعت با پذیرش اقدامات راهبردی، از جمله «متنوع‌سازی زنجیره تامین»، «نزدیک‌سازی» و تمرکز بیشتر بر مساله «پایداری» در این مسیر گام نهاده است.

پذیرش فناوری‌های پیشرفته مانند خودکار سازی (اتوماسیون)، هوش مصنوعی، بلاکچین، اینترنت اشیا و واقعیت افزوده/مجازی، به عنوان راهبردهای محوری برای افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و رسیدگی به تقاضاهای در حال تحول مشتریان بروز پیدا کرده است. «دیجیتال سازی» واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در سال آینده بسیاری از مشاغل و عملکردها برای شرکت‌های لجستیک به امری زائد تبدیل خواهد شد، اما اگر شرکت‌ها به موقع به مساله نوآوری مبادرت بورزند و فرآیندهای خود را دیجیتالی کنند، همچنان در وضعیت مناسب باقی خواهند ماند. هوش مصنوعی و فناوری بلاکچین می‌تواند بر بسیاری از شرکت‌هایی که بانوسازی و نوآوری پیش نمی‌روند، ضربه بزند.

با دیجیتالی شدن دنیای حمل و نقل و لجستیک، امنیت سایبری بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا می‌کند. در سال ۲۰۲۴، احتمالاً صنعت حمل و نقل در کل و همچنین شرکای مرتبط با آنها، در حوزه امنیت سایبری برای محافظت از داده‌های حساس، سرعت محموله‌های دریایی و جلوگیری از حملات سایبری سرمایه‌گذاری زیادی انجام دهند. «آشوبنی جاخار»، موسس و مدیر عامل «پروژو»، در مورد استقبال روزافزون از تجارت الکترونیک و سکوهای آنلاین پس از همه‌گیری کرونا گفت: «پس از همه‌گیری کرونا، پذیرش تجارت الکترونیک شتابان‌تر می‌شود و مشتریان بیشتری به آن عادت می‌کنند». پیشرفت فناوری و استفاده روزافزون از آن در مدیریت زنجیره تامین، اتوماسیون انبارها و افزایش تمایل به انبارداری بر اساس تقاضا به عنوان یک موهبت عمل کرده و به طور گسترده توسط همه مشاغل، اعم از کسب و کارهای کوچک و متوسط، «فروش مستقیم به مصرف‌کننده» (D2C) یا شرکت‌ها پذیرفته شده است. تلاش دولت برای حمایت از زیرساخت‌ها و سیاست‌های بهتر نیز تفاوت مثبتی ایجاد کرده است و به طور کلی، چشم‌انداز سال آینده امیدوارکننده به نظر می‌رسد.

بهبود جایگاه هند

در سال ۲۰۲۳، هند ریاست گروه ۲۰ را بر عهده گرفت. موضوع اصلی انتخاب شده برای این دوره از رهبری موثر هند، با عنوان «یک زمین، یک خانواده، یک آینده» در نظر گرفته شده است. هند در نقش خود به عنوان رییس گروه ۲۰ این فرصت را داشت که بحث‌ها و ابتکارات متمرکز بر «تقویت انعطاف‌پذیری اقتصاد جهانی»، «فراگیر بودن» و «پایداری محیط‌زیست» را هدایت کند. یکی از نتایج مهم اجلاس سران گروه ۲۰، تأیید ایجاد کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا بود. نخست‌وزیر هند «نارندرا مودی» طرحی بلندپروازانه برای این کریدور در طول اجلاس معرفی کرد و بر تعهد هند به گسترش اتصال در سراسر مرزهای بین‌المللی تأکید کرد.

در حالی که این پروژه بلندپروازانه از یک سو به دنبال «تسهیل تجارت پیشرفته» بین کشورهای شرکت‌کننده، به ویژه در حوزه محصولات انرژی است، از سوی دیگر، به عنوان یک «اقدام متقابل» در برابر برنامه گسترده زیرساختی چین، به ویژه پروژه «ابتکار کمربند و جاده» که در تلاش برای ایجاد ارتباطات اقتصادی جهانی است، معرفی می‌شود. یک پیشکسوت حوزه صنعت بر این باور است که «هند حضور جهانی خود را به طور غیرقابل انکاری تقویت کرده است و به شکل متمایزی، بزرگ‌ترین بازار مصرف جهان و بهره‌بردار از مزیت جمعیتی قابل توجه، موقعیتی محوری را به خود اختصاص داده و از نفوذ فوق‌العاده‌ای برخوردار شده است. در شرایط کنونی، برای هند بسیار مهم است که از این موقعیت سودمند استفاده و تلاش کند تا خود را به مقام یک ابر قدرت جهانی برساند».

تمرکز بر ایجاد زیرساخت

دولت هند با تمرکز کامل بر «بهبود زیرساخت‌ها»، کاهش هزینه‌های لجستیک و «رقابتی کردن محصولات هندی» در سطح جهانی، چندین پروژه زیرساختی مهم حمل و نقل را

اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۳ به دلیل «عدم قطعیت‌های ژئوپلیتیکی»، درگیری‌ها و پیامدهای همه‌گیری کرونا با چالش‌های مهمی روبه‌رو است. با این حال، فرصت‌هایی برای انعطاف‌پذیری و سازگاری با تمرکز قابل توجه بر پذیرش فناوری، توسعه زیرساخت‌ها و ابتکارات سبز وجود دارد. ابتکارات راهبردی هند، از جمله کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا و چشم‌انداز ۲۰۴۷، نشان‌دهنده تلاش برای تقویت موقعیت جهانی این کشور است. علاوه بر این، تاکید بر مساله «پایداری» و «گذار سبز» موید گرایش به تغییر به سمت توجه بیشتر به محیط‌زیست در سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی است.



تحولات اقتصادی جهان به دلایل ژئوپلیتیکی و بلاای طبیعی، به غیرقابل پیش‌بینی شدن و بروز چالش‌های بزرگ برای شرکت‌های لجستیکی منجر خواهد شد. با اجرای مقررات جدید، روش‌هایی مانند «تحویل خودکار» توسط ابزارهایی چون «کامیون‌های خودران»، «تحویل از طریق پهپادها» و... از سال ۲۰۲۴ وارد دنیای واقعی خواهد شد. «آخرین بخش تحویل» (یعنی زمانی که نماینده تحویل محصول، آن را از آخرین هاب تحویل می‌گیرد و سپس آن را در منزل مشتری به او تحویل می‌دهد، فرآیندی حیاتی و پیچیده برای کل زنجیره تامین و مدیریت لجستیک است) همچنان یک بخش چالش‌برانگیز از لجستیک است. شرکت‌ها در حال تجدیدنظر در راهبردهای زنجیره تامین خود برای افزایش انعطاف‌پذیری و مدیریت ریسک هستند. این فرآیند شامل «تنوع بخشیدن به تامین‌کنندگان»، «تغییر نحوه تامین کالا» و برای برخی شرکت‌ها، «داشتن یک برنامه پشتیبان» است. فائق آمدن بر چالش‌های آینده

برای اتصال آخرین راه‌های دسترسی به بنادر و حمل و نقل زغال سنگ، فولاد، کود و... اعلام کرده است. بودجه ۲۰۲۴-۲۰۲۳ افزایش ۳۳ درصدی هزینه سرمایه را پیشنهاد کرده است که برابر با ۳/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی خواهد بود. این بودجه که به عنوان «طرح اولیه برای چشم‌انداز توسعه هند» با نام «آمریت کال» معرفی می‌شود، هفت اولویت اصلی شامل «توسعه فراگیر»، «رسیدن به آخرین مایل»، «زیرساخت و سرمایه‌گذاری»، «آزادسازی پتانسیل رشد»، «رشد سبز»، «قدرت جوانان» و «بخش مالی» را فهرست کرده است. برای بهبود زیرساخت‌های ریلی، دولت ۲/۴ میلیون روپیه برای راه‌آهن هزینه کرده که بالاترین هزینه‌ای است که تاکنون در این حوزه صرف شده و حدود ۹ برابر هزینه‌ای است که در سال‌های ۱۴-۲۰۱۳ انجام شده بود. طرح‌های توسعه اخیر در هند به طور قابل توجهی اتصال جاده‌ها و بندرها را بهبود بخشیده، بهره‌وری جابجایی کالا را بیشتر کرده و هزینه‌های حمل و نقل را به میزان چشمگیری کاهش داده است.

با این حال، چالش‌ها همچنان ادامه دارند و با شدت گرفتن تحولات ژئوپلیتیکی جهان و بروز اختلالات در حوزه زنجیره تامین، نیاز به زنجیره‌های تامین انعطاف‌پذیر بیش از پیش احساس می‌شود.

توسعه اقتصاد آب پایه

به منظور مهار توانمندی‌های دریایی هند، نخست‌وزیر این کشور از «چشم‌انداز دریایی آمریتکال ۲۰۴۷» در اجلاس جهانی دریانوردی که در اکتبر سال جاری برگزار شد، رونمایی کرد. این طرح ابتکارهای راهبردی با هدف «افزایش امکانات بندری»، «ترویج شیوه‌های پایدار» و «تسهیل همکاری‌های بین‌المللی» تدوین شده است. بر این اساس، دولت در نظر دارد ظرفیت بندرها را تا سال ۲۰۴۷ به ۱۰ هزار میلیون تن در سال (چهار برابر میزان کنونی) برساند و این کار را عمدتاً از طریق «مشارکت بخش خصوصی» پیش خواهد برد.

چشم‌انداز توسعه هند سرمایه‌گذاری ۸۰ تریلیون روپیه‌ای را هدف گذاری کرده است که عمدتاً توسط بخش خصوصی، (هم از طرف ذی‌نفعان داخلی و هم از طرف ذی‌نفعان دریایی بین‌المللی) تامین خواهد شد. هدف برنامه توسعه دریایی هند، تحقق ۱۰۰ درصدی شراکت عمومی - خصوصی (PPP) برای ۱۲ بندر اصلی این کشور است. علاوه بر این، بر افزایش قابلیت‌های کشتی‌سازی و تعمیر کشتی هند نیز تاکید شده است.

در مسیر پیش‌رو



سرنوشت اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۴

اقتصاددانان و کارشناسان حوزه‌های مختلف اقتصادی باور دارند سرنوشت نرخ بهره در آمریکا، قیمت نفت جهانی و سرانجام اقتصاد چین تعیین کننده سرنوشت اقتصاد جهانی در سال آینده خواهند بود.

اقتصاد جهانی در ابتدای سال ۲۰۲۳ بیش از آنچه بسیاری از تحلیلگران پیش بینی می کردند از خود انعطاف پذیری نشان داده است. به ویژه تورم جهانی بدون افزایش بیکاری تا حد زیادی کاهش یافته است، اما سیاستگذارانی که از مهندسی «فرود نرم» ناامید شده‌اند، هنوز از سرانجام کار اطمینان ندارند.

بر اساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، تولید جهانی در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت، زیرا نرخ‌های بالای بهره، تورم پایدار را سرکوب کرده و در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی را خنثی خواهد کرد. این سازمان انتظار ندارد رشد اقتصادی تا سال ۲۰۲۵ افزایش یابد؛ یعنی زمانی که بانک‌های مرکزی پیشرو هزینه‌های استقراض را به شدت کاهش خواهند داد. تا آن زمان، پیش بینی می شود تولید ناخالص داخلی جهانی (GDP) در سال آینده ۲/۷ درصد افزایش یابد که اندکی نسبت به ۲/۹ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش خواهد یافت.

به گزارش اتاق ایران آنلاین، چشم انداز OECD به یک خماری مالی طولانی در جهان از زمان آغاز همه گیری کرونا و به دنبال آن افزایش قیمت انرژی پس از حمله روسیه به اوکراین اشاره دارد. علاوه بر این، حتی اگر سیاست پولی در سال آینده شروع به ساده تر شدن کند، نرخ بهره جهانی بر اساس استانداردهای اخیر بالا باقی خواهد ماند. با این حال، پیش بینی اقتصادی یک علم غیر دقیق است.

یک سال پیش، پیش بینی رکود اقتصادی آمریکا بسیار رایج بود. در جاهای دیگر، متصدیان بازار اطمینان دادند که هزینه‌های بدهی بالا باعث ایجاد موجی عظیم از نکول‌های دولتی در سراسر جهان در حال توسعه می شود، اما هیچ کدام از این موارد تاکنون رخ نداده‌اند.

علی رغم تنش‌های اخیر میان اسرائیل و فلسطین، اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۳ به آرامی رشد خود را با سرعت قابل کنترلی ادامه داد. با نگاهی به سال آینده، سه متغیر کلان اقتصادی و نحوه ارتباط آنها به یکدیگر، برای دستیابی به سرنخ‌هایی در مورد جهت گیری تولید جهانی به دقت رصد خواهند شد.

نرخ بهره در آمریکا

در تلاش برای کاهش تورم، فدرال رزرو آمریکا نرخ بهره معیار خود را از نزدیک به صفر در مارس سال گذشته به ۵/۲۵ تا ۵/۵ درصد افزایش داد. تجربه نشان داد که اقتصاد آمریکا، بزرگ ترین اقتصاد جهان، می تواند هزینه‌های بالای استقراض را تحمل کند. در عین حال، حتی

با کاهش تورم، بیکاری به پایین ترین حد در چند دهه اخیر رسیده است. نتیجه این است که تولید آمریکا، تا حدودی شگفت آور، با سرعت سالانه ۲ درصد افزایش یافته است. این امر بسیاری از تحلیلگران را متقاعد کرده که از ناامیدی معمول ابتدای سال خود دست بکشند

رافائل اولزینا مارزیس اقتصاددان بین المللی معتقد است که فدرال رزرو در مسیر جلوگیری از رکود و دستیابی به کاهش تورمی خوش خیم است و فرود نرمی را رقم خواهد زد. نشانه‌های این فرود نرم به آرامی در حال ظهور هستند. بیکاری به آرامی در حال افزایش است و مصرف کنندگان پس انداز کمتری نسبت به دوران بیماری همه گیری دارند. این امر نیاز به استقراض را از جمله در سطح شرکت‌ها بالا برده و در نتیجه ریسک‌های تامین مالی ناشی از نرخ‌های بهره بالاتر را افزایش داده است. به گفته مارزیس، اگرچه کاهش تورم عامل مهمی در تعیین سیاست پولی فدرال رزرو خواهد بود، اما تضعیف رشد تقریباً به طور قطع تعیین کننده زمان چرخش سیاست‌های فدرال رزرو خواهد بود.

قراردادهای آتی صندوق‌های فدرال معیاری ساده برای تعیین زمانی است که احتمال تغییر نرخ بهره آمریکا وجود دارد. بر اساس پیش بینی CME FedWatch، ابزاری که احتمال تغییرات نرخ فدرال رزرو را ردیابی می کند، احتمال کاهش نرخ بهره در

ماه مارس سال آینده ۷۶ درصد است.

همچنین مارزیس معتقد است، وقوع نوعی از ضعف اقتصادی، یعنی رکود که کاهش نرخ را تسریع خواهد کرد، تنها در نیمه دوم سال ۲۰۲۴ محتمل خواهد بود. به گفته این اقتصاددان، کاهش یک درصدی نرخ بهره در سال آینده، پس از ماه ژوئن، عمدتاً در راستای تقویت رشد داخلی خواهد بود، اما کاهش نرخ‌ها همزمان سرمایه‌گذاری در بازارهای نوظهور که نرخ بازدهی نسبتاً بالاتری را ارائه می‌دهند را بهبود خواهد بخشید. به این ترتیب احتمالاً یک درصد کاهش در نرخ بهره فدرال رزرو باعث افزایش یک درصدی تولید ناخالص داخلی جهانی شود. این اقتصاددان همچنین معتقد است که ثابت نگه داشتن نرخ‌ها نتیجه معکوس خواهد داشت. یک شوک خارجی، مانند یک جهش غیرمنتظره در قیمت نفت، می‌تواند تورم را دوباره بالا ببرد و فدرال رزرو را وادار و نرخ‌ها را تثبیت کند، یا حتی آنها را بالا ببرد. این امر رشد آمریکا و حتی رشد جهانی را تضعیف خواهد کرد.

نفت خام برنت

اندکی پس از آغاز جنگ میان حماس و اسرائیل در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، بانک جهانی از چشم‌انداز بازار کالای خود استفاده کرد تا هشدار دهد که اگر تولیدکنندگان در منطقه به درگیری گسترده‌تری وارد شوند، قیمت نفت خام برنت که معیار بین‌المللی است، ممکن است افزایش یابد.

در بدترین سناریو، این بانک تخمین زد که عرضه جهانی نفت می‌تواند بین ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز کاهش یابد که این روند قیمت‌ها را به بین ۱۴۰ تا ۱۵۷ دلار در هر بشکه خواهد رساند. به گفته این بانک، در صورت بروز یک اختلال کوچک‌تر، قیمت‌ها همچنان می‌تواند به ۱۰۲ تا ۱۲۱ دلار در هر بشکه برسند.

در حال حاضر، به نظر می‌رسد بازارهای نفت از تاثیرات تنش‌های خاورمیانه‌شانه خالی کرده‌اند. حتی با توجه به حملات اخیر شورشیان حوثی به کشتی‌ها در دریای سرخ، نفت خام برنت کمتر از ۷۹ دلار در هر بشکه معامله می‌شود که نسبت به ۹۲/۴ دلار در اواسط اکتبر کاهش یافته است. دلایل متعددی برای این امر وجود دارد؛ اول اینکه، اقتصاد جهانی نسبت به دوران تحریم نفتی ۱۹۷۳ که قیمت‌ها را چهار برابر کرد، موقعیت بهتری برای مقاومت در برابر شوک عرضه دارد. امروز، خاورمیانه ۳۰ درصد از نیاز جهانی را تامین می‌کند که نسبت به ۳۷ درصد ۵۰ سال پیش کاهش یافته است. علاوه بر این، منابع انرژی آمریکا در دهه‌های اخیر افزایش یافته است. در عین حال، فعالیت‌های اقتصادی در مصرف سوخت کارآمدتر شده در حالی که انرژی‌های تجدیدپذیر هم‌قابلیت دسترس‌تر شده‌اند.

جان بافس رییس واحد کالاهای بانک جهانی و نویسنده اصلی گزارش چشم‌انداز بازارهای کالا اعتقاد دارد که معامله‌گران در حال حاضر از احتمال تشدید درگیری‌های نظامی در پیش‌بینی قیمت‌های خود کاسته‌اند.

بافس می‌گوید: تجار زیادی سال گذشته اشتباه کرده و میزان اختلالات در عرضه نفت پس از حمله روسیه به اوکراین را بیش از حد برآورد کردند؛ بنابراین، آنها می‌خواهند قبل از شروع قیمت‌گذاری، خطرات مادی ناشی از درگیری‌های خاورمیانه را ببینند. به گفته او، حتی اگر قیمت نفت برنت به دلیل مشکلات عرضه خاورمیانه ۲۰ دلار افزایش پیدا کند، بعید است بر رشد جهانی تاثیر مادی چندانی داشته باشد.

رشد اعتبار چین

اقتصاددانان به دلیل اندازه و ارتباط عمیق چین با اقتصاد جهانی، از نزدیک وضعیت چین را تحت نظر گرفته‌اند. فعالیت در این کشور اثرات موجی بر تجارت جهانی، زنجیره‌های تامین بین‌المللی و قیمت کالاها دارد. پس از ۳ سال کنترل سختگیرانه موسوم به «کووید صفر»، انتظار می‌رفت چین، دومین اقتصاد بزرگ جهان، زمانی که به‌طور ناگهانی در دسامبر گذشته اقتصاد خود را بازگشایی کرد، به حالت اولیه بازگردد، اما رشد از آن زمان شکننده بوده و تولید

اقتصادی این کشور به دلیل کندی بخش املاک محدود شده است.

در سال ۲۰۲۰، پکن شروع به محدود کردن استفاده توسعه‌دهندگان املاک از دریافت وام کرد. بخش املاک و مستغلات که ۲۳ درصد از تولید ناخالص داخلی چین را تشکیل می‌دهد، از آن زمان در بحبوحه کاهش قیمت مسکن و نکول توسعه‌دهندگان دچار رکود شده است.

شینا یوئه اقتصاددان چینی در کپیتال اکونومیکس می‌گوید که بخش املاک بر بهبود اقتصاد چین تاثیر می‌گذارد. مصرف‌کنندگان همچنان به این بخش بدبین هستند. پس از سرکوب ستون‌های اصلی این بخش، بسیاری از خانه‌های پیش‌خرید شده هرگز ساخته نشدند.

آژانس رتبه‌بندی اعتباری مودیز در اوایل ماه جاری چشم‌انداز خود در مورد رتبه A۱ بدهی چین را از «پایدار» به «منفی» کاهش داد و دلیل آن را «افزایش خطرات ناشی از کاهش رشد میان‌مدت و کاهش مداوم رشد در بخش املاک» دانست. بازار املاک چین همچنین پیوند نزدیکی با منابع مالی دولت‌های محلی دارد که در سال‌های اخیر تحت فشار قرار گرفته‌اند.

پس از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، دولت‌های محلی سرمایه‌گذاری زیرساختی مبتنی بر اعتبار را برای تقویت رشد پذیرفتند. با این حال، تقاضا پس از چندین دهه شهرنشینی سریع کاهش یافته است. همراه با هزینه‌های مرتبط با همه‌گیری، کاهش درآمدهای فروش زمین که منبع اصلی درآمد دولت‌های محلی است، باعث کاهش بودجه شده و برخی دولت‌های محلی را وادار کرده تا برای پرداخت صورتحساب‌های خود به پکن اتکا کنند.

در واقع، پکن در ماه‌های اخیر در دسترس بودن اعتبار را تحت کنترل خود گرفته است. رشد گسترده اعتبار که میزان وام‌دهی در سراسر نظام مالی داخلی را اندازه می‌گیرد، در ماه نوامبر نسبت به سال قبل ۹/۴ درصد افزایش یافت. فروش اوراق قرضه دولتی نیمی از میزان را تشکیل داده است.

ادامه در صفحه ۲۷



کاظم بیابانی خامنه

دانش آموخته دکتری علوم اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس و کارشناس ریسک بانک تجارت

دو چرخه تخصص یابند، نیازی نیست به دنبال آن باشند که در تولید و صادرات دو چرخه مزیت نسبی پیدا کنند، بلکه کافی است تنها در برشی از زنجیره ارزش دو چرخه (یکی از قطعات دو چرخه) مزیت نسبی داشته باشند تا بتوانند از منافع تجارت بین الملل و مشارکت در سازمان تولید جهانی بهره‌مند شوند.

به عبارت دیگر در عصر ظهور GVCs، دیگر ایجاد سازمان تولید سنتی مبتنی بر تکمیل زنجیره ارزش در داخل مرزهای یک کشور و تخصص یافتن و کسب مزیت نسبی در تولید یک کالای نهایی، به سرعت در حال تبدیل شدن به مقوله‌ای غیر اقتصادی و ناکاراست؛ علت نیز مشخص است: GVCs بهره‌مندی حداکثری از منافع حاصل از تقسیم کار و تخصص، فراتر از مرزهای جغرافیایی را ممکن می‌کند. بنابراین یکی از ویژگی‌های اصلی GVCs بعد چندملیتی سازمان تولید است، به طوری که بنگاه‌ها فرآیندهای مختلف تولید را به کشورهای مختلف منتقل می‌کنند و هر فرآیند (برش) در منطقه‌ای که در آن فرآیند (برش) خاص مزیت نسبی دارد، انجام می‌شود. نهایتاً کالاها بر حسب «Made in The World» رامی‌گیرند و دیگر محصول یک کشور خاص نیستند؛ حتی اگر کالای نهایی مونتاژ یک کشور خاص باشد.

از این رو GVCs حالتی جدید از تخصص در تجارت بین الملل را شکل داده است: قطعات و اجزا در کشورهای متخصص هر برش (Slice) زنجیره، تولید شده و

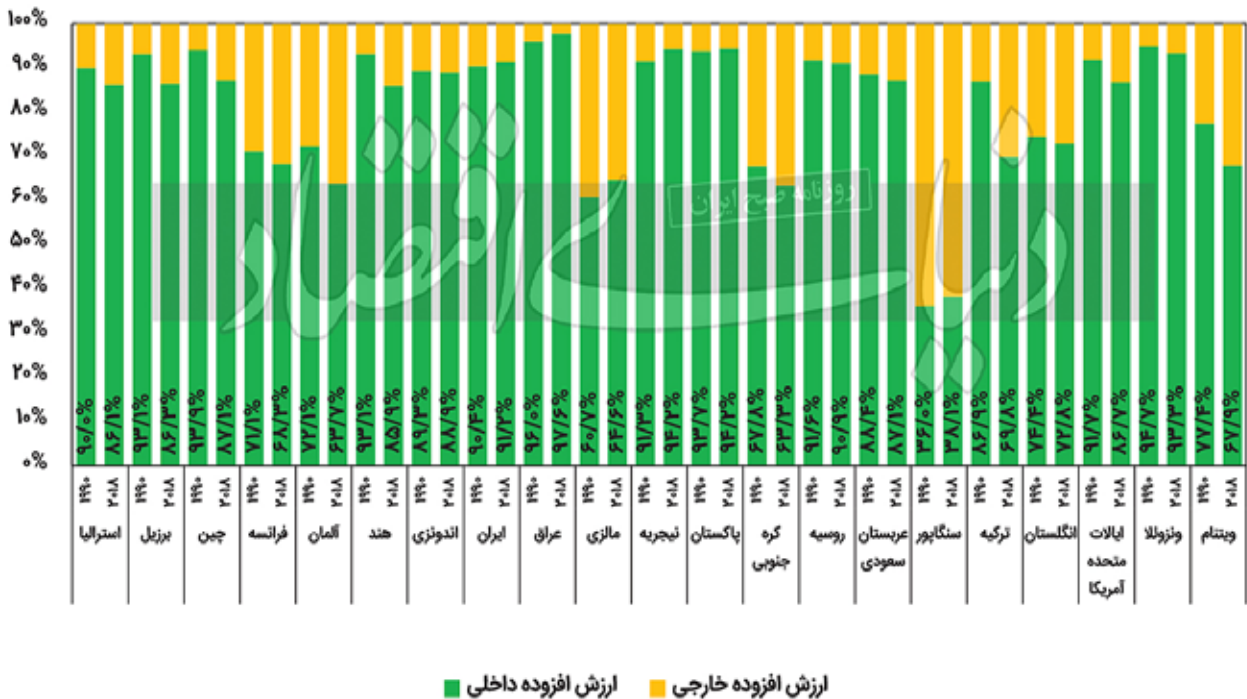
۱. مقدمه: برآورد سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد ۵۵ تا ۷۰ درصد تجارت جهانی اکنون در بستر زنجیره‌های جهانی ارزش (از این پس GVCs) انجام می‌شود و سهم تجارت سنتی به طور خوش بینانه به ۳۰ تا ۴۵ درصد رسیده است که آن هم چشم‌اندازی نزولی دارد. در حالی اغلب کشورها، حتی کشورهای در حال توسعه، در تکاپوی بهره‌برداری از ظرفیت‌های GVCs هستند که اهمیت GVCs در اقتصاد ایران آن‌طور که باید درک نشده و اغلب سیاست‌ها، مطالعات و فعالیت‌های اقتصادی همچنان بر تولید و تجارت سنتی متمرکز هستند و در سیاست‌گذاری‌ها نیز همچنان به دنبال تکمیل زنجیره ارزش داخلی (حتی در کالاها/خدمات غیر استراتژیک) هستیم. در این نوشتار تلاش می‌شود ضمن ارائه مفاهیم اصلی GVCs، تصویری از وضعیت اقتصاد ایران در این سازمان نوین تولید و شکل جدید تجارت بین الملل ترسیم شود تا کمی درباره فیلی که در اتاق اقتصاد ایران ایستاده است، صحبت کنیم

۲. مفهوم زنجیره‌های جهانی ارزش (GVCs)

پورت (۱۹۸۵) مفهوم زنجیره ارزش را به عنوان یک سازمان تولید و سیستمی ساخته شده از زیرسیستم‌هایی (Subsystems) با نهاده‌ها و فرآیندهای تبدیل اختصاصی مطرح کرد. این سازمان تولید از «طراحی و ایده»، «مالکیت و مصرف منابع»، «مدیریت و اجرا» تا حصول نتیجه یا همان محصول نهایی را شامل می‌شود که هر زیرسیستم سهمی مشخص در محصول نهایی خواهد داشت. بنابراین زنجیره ارزش یک کالا/خدمت، شامل مجموعه فعالیت‌های اقتصادی است که نهایتاً یک کالا/خدمت را به دست تقاضاکننده می‌رساند. به عبارت دیگر زنجیره ارزش از ایده‌پردازی، طراحی و تولید تا خدمات پس از فروش را شامل می‌شود. اکنون فرض کنیم که زنجیره ارزش و مشارکت در زیرسیستم‌های سازمان تولید یک کالا/خدمت، به فراتر از مرزهای جغرافیایی و چند کشور گسترش یابد؛ اینجاست که مفهوم «زنجیره جهانی ارزش» مطرح می‌شود. مثلاً یک دو چرخه فرضی را در نظر بگیریم. چرخ‌های آن ساخت ایتالیاست، پدال و تسمه را ژاپن می‌سازد، زین را چین تولید می‌کند، تنه و دوشاخ را ویتنام می‌سازد و نهایتاً مونتاژ تمام قطعات در چین انجام می‌شود و چین دو چرخه‌ای کامل را به چند کشور از جمله همان ایتالیا، ژاپن و ویتنام صادر می‌کند تا به دست مصرف‌کننده برسد. در این مثال، زنجیره ارزش دو چرخه جهانی شده و هیچ‌یک از کشورهای که در سازمان تولید دو چرخه مشارکت دارند، به دنبال آن نبوده‌اند که کل زنجیره ارزش دو چرخه را در داخل مرزهای خود داشته باشند.

آنها به جای دنبال کردن این ایده که در تولید کالای دو چرخه خود کفا شوند یا مزیت نسبی پیدا کنند، تخصص یافتن و دستیابی به مزیت نسبی در تولید یکی از اجزای دو چرخه را ترجیح داده‌اند. به این صورت دیگر نیازی نیست که کشورها در تمام برش‌های زنجیره ارزش

نمودار ۱- سهم ارزش افزوده داخلی و ارزش افزوده خارجی در صادرات ایران و دیگر کشورها (سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸)



برای صنعت دو چرخه‌سازی ایتالیا ختم می‌شود و چه بسا بعید نیست نسبت به زمانی که ایتالیا تنها چرخ تولید می‌کرد، حالا هم ارزش افزوده کمتر و هم اشتغال کمتری برای اقتصاد ایتالیا حاصل شود (به‌طور مثال ناشی از کاهش تقاضا و مقیاس تولید). از طرف دیگر نیز منابعی که می‌توانست به تولید کالای دیگری که ایتالیا در آن تخصص و مزیت نسبی دارد اختصاص یابد، دیگر به تولید صفر تا صد دو چرخه‌ای اختصاص داده شده که ایتالیا در زنجیره ارزش صفر تا صد آن فاقد تخصص و مزیت نسبی است.

۳. وضعیت اقتصاد ایران و کشورهای دیگر در GVCs

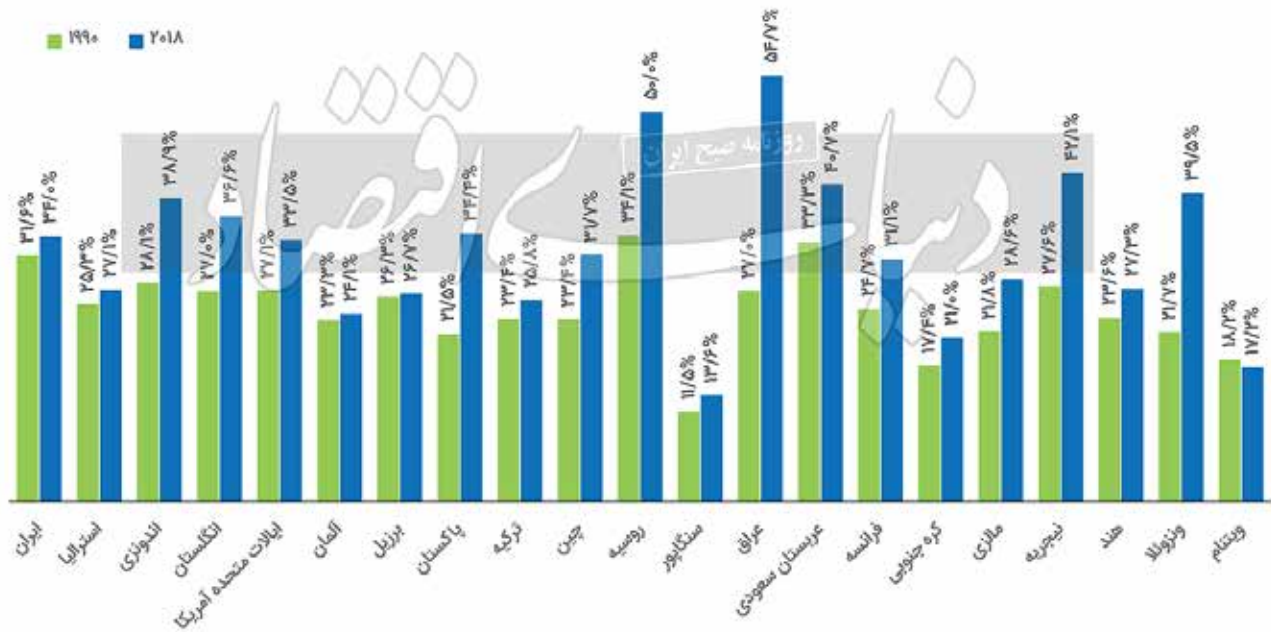
در عصر GVCs، کالاهای واسطه‌ای و نیمه‌نهایی، چندبار از مرزهای جغرافیایی عبور کرده و هر بار در جریان تجارت ناخالص (Gross Trade) کشورها به حساب می‌آیند. در نتیجه اگر بخواهیم آمار گمرکی صادرات و واردات (حتی آمارهای کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای) را برای تحلیل وضعیت کشورها در GVCs ملاک بگیریم، برآوردهای نادرستی خواهیم داشت. به همین خاطر محققان تجزیه صادرات ناخالص یک کشور به ارزش افزوده خارجی (Foreign Value-Added) و ارزش افزوده داخلی (Domestic Value-Added) را پیشنهاد می‌کنند. برای اینکه تجزیه مطلوب انجام شود، علاوه بر آمارهای گمرکی، به جداول داده-ستانده جهانی نیاز است که در این نوشتار از پایگاه داده UNCTAD-EORA استفاده شده است (استفاده از روش‌های حسابداری و روش‌های تحلیل متفاوت جدول داده-ستانده می‌تواند نتایج را تغییر دهد. برآوردهای ارائه‌شده در این نوشتار همان برآوردهای محققان طراحی‌کننده پایگاه داده UNCTAD-EORA است).

در نمودار «یک» نتیجه تجزیه صادرات ایران و برخی کشورهای دیگر به اجزای ارزش افزوده داخلی و خارجی نمایش داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال ۱۹۹۰ حدود ۹۰٫۶ درصد از صادرات ایران، ارزش افزوده تولیدشده در داخل و ۹٫۴ درصد از صادرات، ارزش افزوده خارجی بوده است. در سال ۲۰۱۸ نیز حدود ۸٫۸ واحد درصد به سهم ارزش افزوده داخلی از صادرات ایران افزوده و از سهم ارزش افزوده خارجی در صادرات کاسته شده است. اما عملکرد کشورهای دیگر چگونه است؟ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در اغلب کشورهای نمودار «یک» سهم ارزش افزوده خارجی از صادرات آنها افزایش یافته است؛ حتی در عربستان سعودی یا ونزوئلا صادرکننده نفت.

سپس به صورت متوالی در طول زنجیره (فرآیند تولید ماری شکل) یا در یک مکان نهایی (فرآیند تولید عنکبوتی) مونتاژ شده و به دست متقاضی می‌رسد (ممکن است ترکیبی از فرآیندهای ماری یا عنکبوتی شکل نیز وجود داشته باشد). این پراکندگی فرآیندها به کشورها اجازه می‌دهد به جای تخصص داشتن در صنعت و ساخت کامل یک زنجیره عرضه داخلی از صفر تا صد، در برشی از زنجیره ارزش جهانی شده آن صنعت از مزیت نسبی خود بهره‌برداری کنند و در وظیفه‌ای خاص از زنجیره ارزش به‌عنوان مقاطعه‌کاران (Subcontractors) تخصص یابند. به عبارت دیگر در عصر GVCs، کشورها نه در کالاهای نهایی، بلکه در فرآیندهای تولید با یکدیگر رقابت می‌کنند.

حال به همان مثال دو چرخه برگردیم. ایتالیا اگر نخواهد در زنجیره جهانی ارزش دو چرخه مشارکت کند و بخواهد تمام دو چرخه را در داخل تولید کند (با فرض حفظ همان سطح کیفیت بین‌المللی)، احتمالاً با هزینه‌های نسبی بالایی می‌تواند این کار را انجام دهد. نتیجه آن نیز افزایش قیمت دو چرخه در داخل ایتالیا و فقدان مزیت نسبی در تجارت جهانی خواهد بود که در نهایت به تقاضای کمتر داخلی و خارجی

نمودار ۳- شاخص مشارکت پسین اقتصاد ایران و دیگر کشورها (سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۸)



بزرگ‌تری دارد، بخش بزرگ‌تری از فرآیندهای تولید به خارج از مرزهای جغرافیایی کشور اختصاص دارد و احتمالاً این کشور به مصرف‌کننده نهایی نزدیک‌ترین خواهد بود. در نمودار «۲» شاخص مشارکت پیشین در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۸ برای ایران و کشورهای منتخب گزارش شده است. نتایج برای ایران حاکی از کاهش مشارکت پیشین در فاصله دو سال مذکور است، در مقابل نیز اغلب کشورهای مشارکت پیشین خود را افزایش داده‌اند. به عبارت دیگر اغلب کشورهای استفاده از نهاده‌های وارداتی در تولید صادراتی خود را افزایش داده‌اند.

نوع دیگر مشارکت در GVCs، مشارکت پسین (Forward Participation) است که با تجزیه به ارزش افزوده داخلی صادر شده کشورها قابل محاسبه خواهد بود. بخشی از ارزش افزوده داخلی صادر شده به کشورهای دیگر که به عنوان نهاده در صادرات آنها استفاده می‌شود، ارزش افزوده غیر مستقیم (Indirect Value-Added) نامیده می‌شود. بنابراین ارزش افزوده غیر مستقیم، بخشی از ارزش افزوده تولیدی داخل است که در برش‌های بعدی در GVCs در تولید و صادرات کشورهای دیگر به کار برده می‌شود. اگر ارزش افزوده غیر مستقیم را بر صادرات کشورها تقسیم کنیم، شاخص مشارکت پسین به دست می‌آید. هر چه این شاخص بزرگ‌تر باشد، مشارکت کشور در برش‌های بالادستی GVCs بیشتر است و احتمالاً به طور کلی فاصله با مصرف‌کننده نهایی نیز بیشتر خواهد بود.

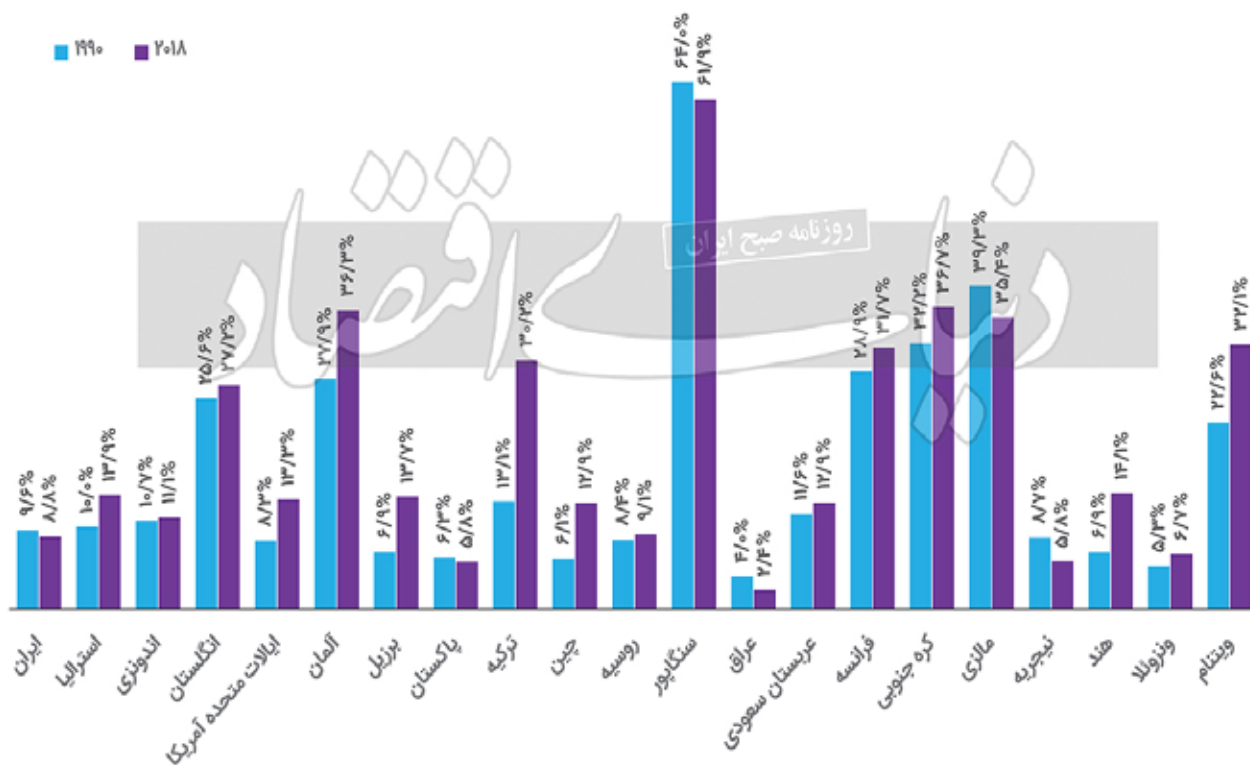
نمودار «۳» شاخص مشارکت پسین را در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۸ نمایش می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود شاخص مشارکت پسین اقتصاد ایران از ۳۱٫۶ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۳۴ درصد در سال ۲۰۱۸ رسیده؛ به این معنا که تنها ۲ واحد درصد مشارکت پسین افزایش یافته است. همچنین نتیجه دیگر آن است که در سال ۲۰۱۸ تنها ۳۴ درصد از ارزش افزوده صادراتی ایران در GVCs حضور داشته است. نکته حائز اهمیت آن است که توجه کنیم بیشترین سهم از صادرات ایران متعلق به نفت خام، فرآورده‌های نفتی، شیمیایی، معدن و محصولات کشاورزی است و عمده همین نوع صادرات نیز در GVCs حضور ندارد و به شکل تجارت سنتی انجام می‌شود. در دیگر سوبه‌ویژه کشورهای در حال توسعه و کشورهای نفتی نظیر عراق، ونزوئلا، نیجریه و عربستان سعودی گام بلندی در جهت مشارکت در GVCs برداشته‌اند.

ذکر یک نکته مهم نیز ضروری است. در محاسبات نمودار «۳» اگر چه مشارکت پسین (سهم ارزش افزوده غیر مستقیم از صادرات) برخی کشورها نظیر آلمان یا فرانسه از کشورهای نفتی

زمانی که سهم ارزش افزوده داخلی از صادرات یک کشور افزایش می‌یابد، می‌توان استنباط کرد که آن کشور تصمیم گرفته است برش‌های بیشتری از زنجیره‌های ارزش را در داخل اقتصاد خود تکمیل کند و فرآیندهای مرتبط با آنها را نیز در داخل انجام دهد و از برون‌سپاری آن فرآیندها به خارج از مرزهای جغرافیایی خود بکاهد. در مقابل، ارزش افزوده خارجی آن بخشی از ارزش صادرات است که از کشورهای دیگر وارد شده و در واقع همان نهاده‌های تولید شده در کشورهای دیگر است، در نتیجه تولید ناخالص داخلی یک کشور نیست و سهمی از تولید بوده که خارجی است.

حال اگر بخواهیم بدانیم میزان مشارکت یک کشور در GVCs به چه میزان و از چه نوعی است، نیازمند محاسبه دو شاخص هستیم. شاخص نخست سهم ارزش افزوده خارجی از صادرات کشور است که در نمودار «یک» نیز وجود داشت. این شاخص به عنوان معیاری از میزان مشارکت پیشین (Backward Participation) به کار می‌رود. هر چه مقدار این شاخص بزرگ‌تر باشد منعکس‌کننده آن است که مشارکت کشور در فرآیندهای پایین‌دستی GVCs بیشتر است؛ یعنی در صادرات این کشور، ارزش افزوده تولیدی دیگر کشورها سهم

نمودار ۲- شاخص مشارکت پیشین اقتصاد ایران و دیگر کشورها (سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۸)



Processing In- (Convert path) قرار دارند. این کشورها به سمت صنایع فرآوری (Processing In- dustries) که محتوای وارداتی قابل توجهی دارند حرکت کرده یا ظرفیت‌های مولد خود را در فعالیت‌ها و وظایف شناسایی کرده‌اند که بخشی از GVCs و قسمتی از برش‌های آن هستند.

این مسیر نیز اغلب با ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فزاینده، برقراری روابطی نظیر تولید قراردادی (Contract manufacturing)، برون‌سپاری خدمات (Service out-sourcing)، کشاورزی قراردادی، مجوزدهی و امتیاز (Franchising and licensing) و دیگر روابط با شرکت‌های چندملیتی همراه است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ترکیه، هند، چین و برزیل از جمله این کشورها هستند. از نمودار «۴» همچنین می‌توان استنباط کرد که در میان کشورهای نمونه، ایران کمترین میزان افزایش مشارکت کلی در GVCs (جمع مشارکت پسین و پیشین) را تجربه کرده است.

۴. مشارکت در زنجیره‌های جهانی ارزش مهم است

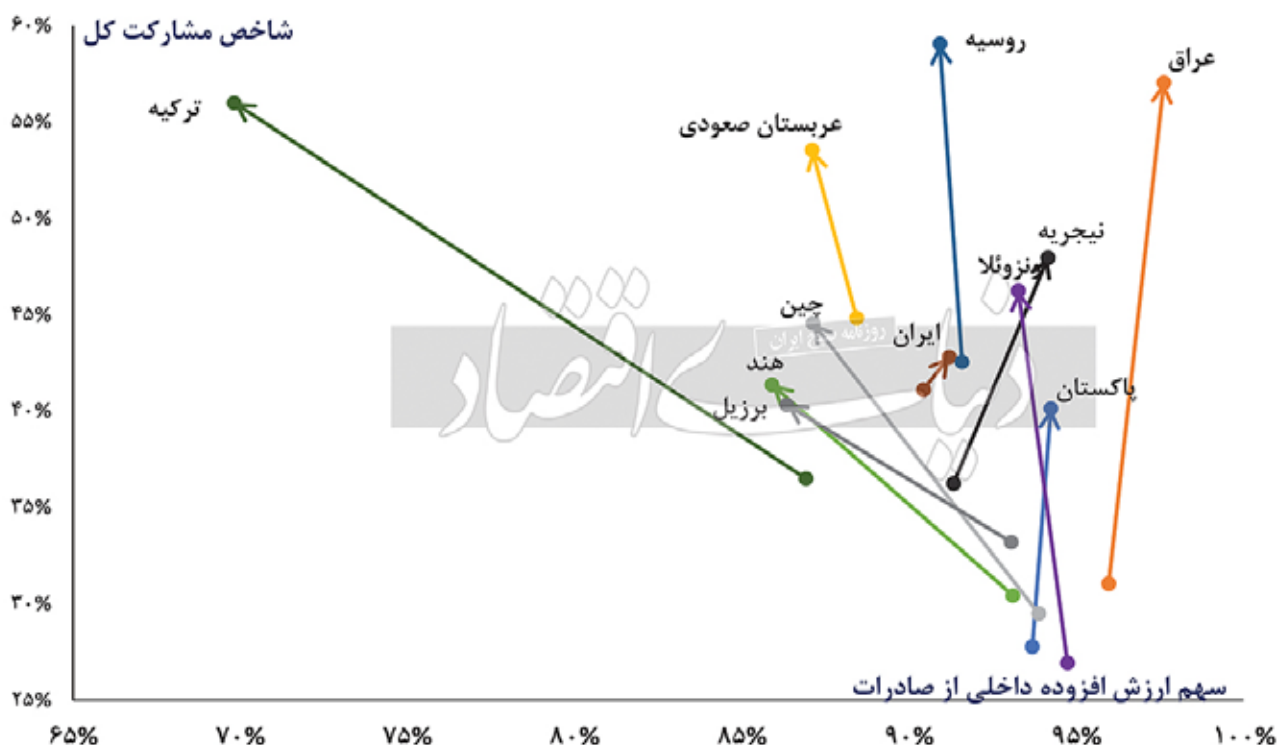
با مشارکت در GVCs کسب مزیت نسبی در وظایف تولیدی برای کشورها ساده می‌شود (مقایسه کنید با حالتی که باید در کل زنجیره ارزش مزیت نسبی ایجاد شود). تحقیقات نشان می‌دهند که درآمد سرانه، سرمایه‌گذاری، بهره‌وری و تولید ارزش افزوده داخلی رشد می‌کند؛ زیرا تنوع دسترسی به نهاده‌ها، مزایای یادگیری ضمن انجام کار، صرفه‌های ناشی از مقیاس، ورود جریان‌های اطلاعاتی، سرریز، نفوذ و پیشرفت تکنولوژیکی و افزایش تقاضای نیروی کار بخشی از پیامدهای بالقوه مشارکت در GVCs خواهد بود. برآوردهای محققان بانک جهانی نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در مشارکت پیشین حدود ۱٫۱ درصد با افزایش GDP سرانه کشورها در بلندمدت همراه بوده و همچنین یک درصد افزایش مشارکت پسین با ۰٫۸ درصد افزایش GDP سرانه همراه می‌شود.

این در حالی است که با یک درصد افزایش در صادرات غیر GVC (تجارت سنتی) تنها ۰٫۲ درصد GDP سرانه بیشتر می‌شود. علاوه بر این شواهد تجربی حاکی از آن است که تجارت محصولات کشاورزی خام و کامودیتی‌ها تقریباً رابطه معناداری با رشد اقتصادی کشورها ندارد. بنابراین با نگاهی به وضعیت فعلی اقتصاد ایران در GVCs و تجارت سنتی،

نیز کمتر است، اما باید توجه کرد که نوع و کیفیت مشارکت پسین کشورها ممکن است کاملاً متفاوت باشد، به گونه‌ای که کشوری مثل آلمان مشارکتی از نوع طراحی و ابداع و کشوری مثل عراق مشارکتی از نوع صادرات نفت خام داشته باشد. چنین تفاوت کیفیتی در مشارکت پسین در نمودار «۳» لحاظ نشده است. در نمودار «۴» شاخص مشارکت کلی (GVCs حاصل جمع شاخص مشارکت پسین و پیشین) و سهم ارزش افزوده داخلی از صادرات کشورها و مسیری که آنها در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۸ طی کرده‌اند نمایش داده شده است. با استفاده از این نمودار می‌توان درباره مسیر توسعه GVCs در این کشورها قضاوت کرد.

کشورهایی نظیر ایران، نیجریه، پاکستان، عراق و روسیه که با افزایش سهم ارزش افزوده داخلی از صادرات یا حفظ آن، مشارکت در GVCs را افزایش داده‌اند به اصطلاح در مسیر رقابت (Competing path) در GVCs با اتکاب بر ظرفیت‌های مولد داخلی هستند (و احتمالاً وابستگی بیشتر به منابع طبیعی و مزیت نسبی ناشی از وفور آنها). در مقابل زمانی که کشورها با کاهش سهم ارزش افزوده داخلی، مشارکت در GVCs را افزایش می‌دهند در مسیر تبدیل

نمودار ۴- تحولات شاخص مشارکت کل GVCs و سهم ارزش افزوده داخلی از صادرات ایران و کشورهای منتخب از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸



کارخانه‌ای محدود (limited manufacturing GVC) یک کشور جزئی از زنجیره جهانی ارزش تولیدات کارخانه‌ای محدود است اگر مجموعه محدودی از محصولات کارخانه‌ای را در کنار صادرات کامودیتی محور، صادر کند و درجه ادغام پیشین متوسطی داشته باشد)، بیشترین افزایش رشد در GDP سرانه را برای ایران ایجاد خواهد کرد. به این منظور لازم است ضمن افزایش سهم تولیدات کارخانه‌ای (که الزاماً بخشی از ارزش افزوده آنها و ارداتی خواهد بود)، فعالیت‌های خدماتی و بخش‌هایی که در پایین دست زنجیره ارزش تولید کالاها و خدمات قرار می‌گیرند سهم بیشتری در سبد صادراتی ایران به دست آورند.

بازنگری در استراتژی جایگزینی واردات، اتخاذ سیاست‌های حمایتی و بهبود فضای کسب و کار برای جذب سرمایه‌گذاری و FDI، دسترسی بهتر به تامین مالی از طریق بانک‌ها به ویژه برای SMEها، کاهش مقررات چسبنده، کاهش تلاطمات ارزی، اصلاح تعرفه‌های گمرکی نهاده‌های تولید، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و فناوری اطلاعات و ارتباطات، بهبود ثبات سیاسی و بهبود نهادهای قانونی از جمله سیاست‌هایی هستند که در مسیر پیش رو لازم است در اولویت قرار گیرند. در این میان البته ایجاد توافق‌نامه‌های تجاری و همکاری‌های منطقه‌ای بسیار حائز اهمیت است. بنابراین در گام‌های نخست لازم است مفهوم GVCs، تجارت در وظایف تولیدی و برون‌سپاری بخشی از فرآیندهای تولید (و اینکه دیگر لازم نیست کشور در کل یک صنعت تخصص یابد و می‌تواند در بخش‌هایی از فرآیند تولید تخصص یابد) به خوبی درک شود.

سپس همکاری‌های منطقه‌ای در قالب توافق‌نامه‌های تجاری به طور درست و موثری با کشورهای منطقه (به ویژه آنهایی که نقش پررنگی در GVCs دارند) توسعه یابند و موانع تجاری به مرور در جهت ادغام تجاری منطقه‌ای به حداقل برسند. اقدام بعدی تسهیل ورود FDI و حمایت از حقوق آنها خواهد بود، زیرا برای ادغام در GVCs به کاتالیستی به نام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیاز خواهد بود. در این مسیر قطعاً بهره‌برداری از تجارب کشورهای در حال توسعه دیگر نظیر هند و کشورهای شرق آسیا بسیار راهگشا خواهد بود. نکته مهم منفی است که GVCs می‌تواند از منظر مقاومت اقتصادی و افزایش اهمیت استراتژیک، برای ایران داشته باشد. هر چه کشور درجه ادغام بالایی در GVCs داشته باشد، به ویژه اینکه در موقعیتی از زنجیره قرار بگیرد که بیشترین پیوندهای پیشین و پسین

نتیجه‌گیری اینکه ایران کمترین بهره ممکن را از GVCs برده و خواهد برد، اشتباه نخواهد بود. صادرات ایران از نوع کامودیتی و مواد خام بوده، بخش بزرگی از ارزش افزوده صادراتی در GVCs حضور ندارد و مشارکت پیشین ایران نیز بسیار اندک است.

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که مسیر رشد قابل اتکا برای کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، اتصال سازمان تولید داخلی به تولید جهانی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های مولد داخلی در برش‌های خاصی از GVCs است. نکته مهم آن است که برخلاف تجارت سنتی که متکی بر رقابت است، GVCs بر ارتباط بلندمدت بنگاه-به-بنگاه تأکید دارد و GVCs شبکه‌ای از بنگاه‌ها با اهداف مشترک است که این خود وسیله‌ای مهم برای انتقال تکنولوژی و یادگیری بوده و از این طریق بهره‌وری داخلی به شدت تقویت و بازارهای هدف بسیار متنوع می‌شود.

۵. مسیر پیش رو

با توجه به وضعیت فعلی اقتصاد ایران تغییر نحوه مشارکت در GVCs به تولیدات

سر نوشت اقتصاد...

به گفته یوئه، اتکا به تامین مالی دولت به عنوان محرک رشد اقتصادی نشان از آن دارد که ساختار اعتبار هنوز نامساعد است. داده‌ها نشان می‌دهند که اقتصاد به لطف کمک‌های دولتی در حال ثبات است. در حالی که بعید است این وضعیت به زودی تغییر کند، اما زمانی که تغییری رخ دهد، خوب نخواهد بود.

اقتصاددانان تقاضای وام را به عنوان یک فشارسنج برای بهبود اقتصادی چین در نظر گرفته‌اند. رشد آهسته اعتبار معمولاً با انقباضات اقتصادی مرتبط است، زیرا مشاغل و مصرف‌کنندگان تمایلی به استقرار ندارند و به جای آن پس‌انداز خود را ذخیره می‌کنند.

«یو» پیش‌بینی می‌کند که سرعت توسعه اعتبار از ۱۰ درصد در سال جاری به ۸ درصد در آینده کاهش خواهد یافت، اما همچنین هشدار می‌دهد که این اشتباه است که فکر کنیم سرعت توسعه اعتبار تاثیر زیادی بر تولید ناخالص داخلی خواهد داشت. تاثیر گسترش اعتبار در چین بر رشد جهانی احتمالاً بسیار محدود خواهد بود.

در حالی که این روندها انتظارات از چشم‌انداز نسبتاً خوش‌خیم رشد جهانی در سال ۲۰۲۴ را تقویت کرده است، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که فرودهای نرم همچنان بعید به نظر می‌آیند؛ یعنی ممکن است مشابه سال ۲۰۲۳، پیش‌بینی‌ها برخلاف واقعیت از آب درآیند. مهر

تغییر بازارهای منطقه با...

تبدیل کارخانه‌های سنتی به کارخانه‌های هوشمند است. جریان اصلی بازاریابی طی یک قرن گذشته معمولاً بر این فرض بنا شده که بازارها فضایی خارج از کنترل و از قبل تعریف شده است که شرکت‌ها با هدف کشف فرصت‌ها وارد زمینه‌ای با ساختاری پیچیده و لایه‌ای از پیش تعیین شده می‌شوند تا بر اساس الزامات محیط تجاری، واکنش نشان دهند.

ساختارهای فناورانه دنیای جدید، دیدگاه نئوکلاسیکی از بازارها، یعنی اینکه بازارها زمینه‌های از پیش موجود هستند را زیر سوال می‌برد و با تعریف جدید، بازارها را به عنوان موجودیت‌هایی معرفی می‌کند که توسط بازیگران مختلف کارپردازی و بازنمایی می‌شوند، جایی که امکان خلق ارزش بسیار

در نتیجه تغییرات از بازارهای متعارف به بازارهای دیجیتال (پلتفرم‌های اقتصاد اشتراک‌گذاری، پلتفرم‌های دیجیتال و اقتصاد دایره‌ای و...) مبتنی بر مدل‌های جدید کسب‌وکار که با توصیف نقش کاربران و عملکرد پلتفرم دیجیتالی ارائه می‌شوند مبنایی برای توسعه مدل‌های جدید خلق ارزش که نسبت به مدل کسب‌وکار متعارف خلق ارزش در آن بسیار متفاوت است. مدل‌های کسب‌وکار بازار دیجیتال و بلوک‌های سازنده آن برای مدل‌سازی بازارهای دیجیتال هزینه‌های تولیدکنندگان را به شکل قابل توجهی کاهش خواهد داد، بهره‌وری و کارایی را افزایش خواهد کرد و برای تولیدکنندگان و مشتریان علاوه بر تامین کالا/خدمات با کیفیت و مقرون به صرفه تر نسبت به رقبا امکان خلق هم‌آفرینی ارزش را فراهم می‌کند. یعنی سمت عرضه و سمت تقاضا علاوه بر ارزش مبادله کالا، خلق ارزش مازاد

را با اقتصادهای مهم (به ویژه در منطقه) برقرار کند، موقعیتی می‌یابد که وضعیت آن، چه از منظر اقتصادی و چه از منظر سیاسی برای کشورهای دیگری که در زنجیره حضور دارند اهمیت استراتژیک خواهد یافت؛ زیرا اکنون شوک‌های وارد بر اقتصاد کشور از طریق شبکه تولید به کشورهای پیشین و پسین نیز منتقل خواهد شد و کشور نقشی مهم و غیر قابل انکار در اقتصاد منطقه و جهان پیدا خواهد کرد. از این رو GVCs می‌تواند ابزاری برای توسعه اقتصادی و سیاسی و ارتقای مقاومت اقتصادی کشور تلقی شود. از سوی دیگر دیر یا زود مزیت نسبی ایران در نفت، مواد معدنی و دیگر منابع طبیعی، چه با تمام منابع و چه از طریق گسترش مقررات زیست‌محیطی بین‌المللی، کاهش می‌یابد و ضروری خواهد بود که الگوی تولید و صادرات کشور برای حفظ مقاومت اقتصادی اصلاح شود. ۱

نکته نهایی اینکه اگرچه توصیه‌ها و پیشنهادها این نوشتار افزایش مشارکت اقتصاد کشور در GVCs و اصلاح سیاست‌های توسعه صنعتی به منظور تخصص یافتن در برش‌های زنجیره ارزش، در عوض تخصص یافتن در صفر تا صد یک زنجیره ارزش است، با این حال بدیهی است که این توصیه‌ها و پیشنهادها در خصوص کالاها و خدماتی است که استراتژیک نبوده و برای امنیت و استقلال کشور حیاتی نیستند. /دنیای اقتصاد

منابعی برای مطالعات بیشتر

- نجارزاده رضا، درگاهی حسن، عاقلی لطفعلی، بیابانی خامنه کاظم. اندازه‌گیری شاخص‌های وضعیت اقتصاد ایران در زنجیره‌های جهانی ارزش و مقایسه با کشورهای منتخب. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ۱۳۹۹؛ ۲۸(۹۴) ۱۰۱-۱۲۹

Baldwin, R.E., 2016. The Great Convergence: Information Technology and the New Globalization. Cambridge, Massachusetts, The Belknap Press of Harvard University Press

World Development Report 2020: - Trading for Development in the Age of Global Value Chains. Washington, DC: World Bank, Washington, DC

<https://worldmrio.com/unctadgvc> -

<https://wits.worldbank.org/gvc/global-value-chains.html>

آثار تغییرات اقلیمی بر زنجیره تامین مواد غذایی خاورمیانه و شمال آفریقا



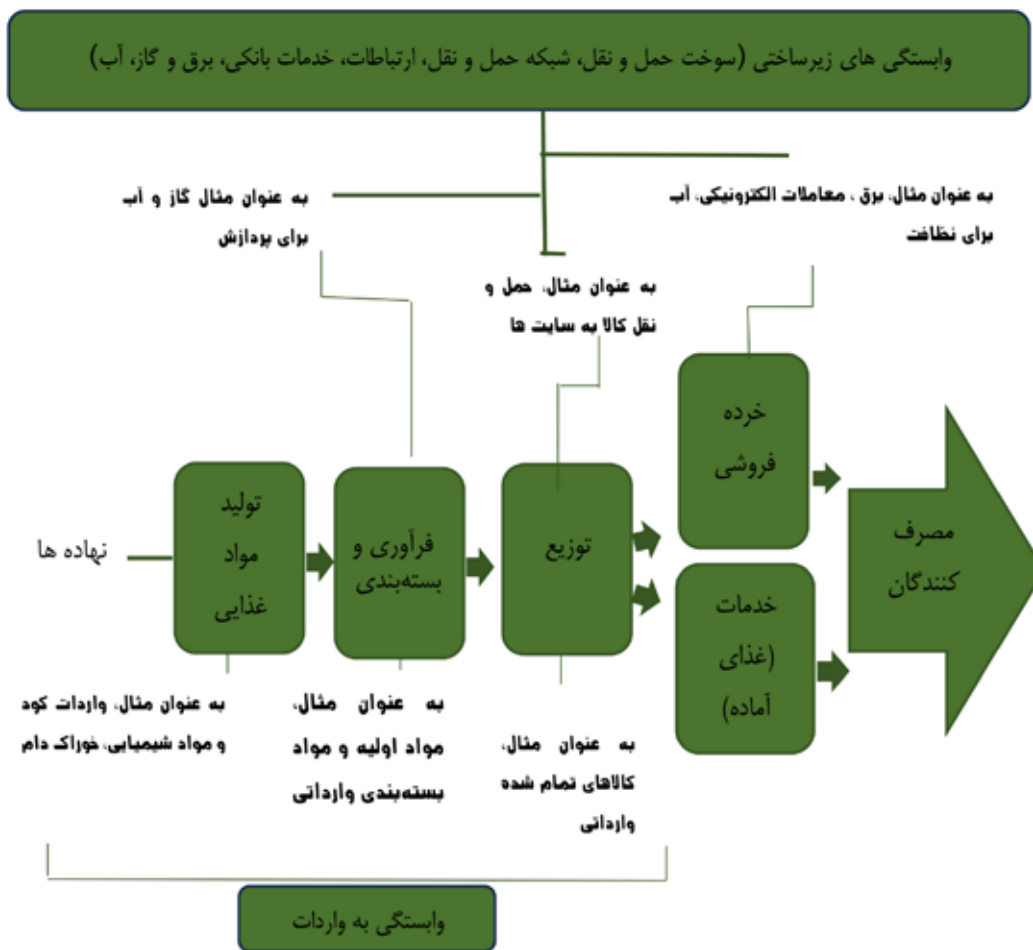
برابر تغییرات دما و بارندگی ناشی از تغییرات آب و هوایی آسیب پذیر است. از سوی دیگر، پیش بینی می شود جمعیت این منطقه تا سال ۲۰۷۰ دو برابر شود و اثر ترکیبی این دو روند می تواند منجر به افزایش وابستگی واردات به مواد غذایی و آسیب پذیری کل منطقه در برابر شوک های جهانی و افزایش مهاجرت در داخل و از کشورهای فقیر منطقه شود.

بر اساس شرایط خاص در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و آسیب پذیری در مقابل رویدادهای آب و هوایی، اقداماتی برای مقابله با خشکسالی، افزایش بهره وری کشاورزی، تنوع بخشیدن به کشاورزی، بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی و ایجاد تغییرات عمده اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی برای ایجاد تاب آوری ضروری به نظر می رسد.

طی دهه های اخیر، انتشار گازهای گلخانه ای با استفاده مداوم و نابرابر انرژی، به کارگیری زمین ها و تغییر کاربری آنها، شیوه های زندگی و الگوهای مصرف و تولید در مناطق مختلف، میان کشورهای درون کشورها افزایش یافته است. متعاقباً تغییرات آب و هوایی ناشی از این فعالیت ها، بر بسیاری از الگوهای دمایی و آب و هوایی در سراسر جهان تاثیر می گذارد؛ این امر منجر به اثرات نامطلوب گسترده ای به خصوص بر زنجیره تامین غذا شده است. در واقع با گرم تر شدن متوسط دمای جهانی، سازگاری زنجیره تامین غذا با آن به طور فزاینده ای دشوارتر و پرهزینه می شود. در کشورهای که دما از قبل بسیار بالا بوده است مانند منطقه منا (منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا)، تاثیر افزایش دما می تواند با سرعت بیشتری باشد.

این تاثیر بر بخش های مختلف زنجیره تامین قابل مشاهده است: در مرحله تامین مواد اولیه، تغییرات آب و هوایی (مانند دما، بارندگی و زمان یخبندان) می تواند فصل رشد را طولانی تر کند و امکان کشت، داشت و برداشت را دشوار کند. در مرحله ذخیره سازی، اگر شرایط آب و هوایی مناسب نباشد، آلودگی باکتریایی و قارچی شایع خواهد بود. همچنین مرحله توزیع و دسترسی به بازار نیز می تواند به طور قابل توجهی تحت تاثیر تغییرات محیطی قرار

طی چند سال گذشته، جهان شاهد افزایش بی سابقه رویدادهای شدید مرتبط با تغییرات آب و هوا بوده که منجر به اختلال در سطوح مختلف زنجیره تامین شده است. در کشورهایی که دما از قبل بسیار بالا بوده است، مانند منطقه منا، افزایش دما می تواند تاثیر فوری تری بر محصولات داشته باشد که تحمل گرمای کمتری دارند. منطقه منا، یک کانون تغییرات اقلیمی است و مدل های اقلیمی، دما را در این منطقه ۲۰ درصد بالاتر از میانگین جهانی پیش بینی می کنند. این منطقه در حال حاضر کم آب ترین منطقه در جهان است و پیش بینی می شود در این منطقه افزایش دما منجر به خشکسالی های شدیدتری شود. بیش از ۶۰ درصد از جمعیت منطقه دسترسی بسیار کمی به آب آشامیدنی دارند و ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی آنها در برابر تنش آبی آسیب پذیر است. همچنین از آنجایی که ۷۰ درصد تولیدات کشاورزی خاورمیانه و شمال آفریقا از طریق دیم انجام می شود، این منطقه به شدت در



Farmers for climate actions, (2022)

از میانگین جهانی پیش بینی می کنند. این منطقه در حال حاضر کم آب ترین منطقه در جهان است و پیش بینی می شود در این منطقه افزایش دما منجر به خشکسالی های شدیدتری شود. بیش از ۶۰ درصد از جمعیت منطقه دسترسی بسیار کمی به آب آشامیدنی دارند و ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی آنها در برابر تنش آبی آسیب پذیر است. همچنین از آنجایی که ۷۰ درصد تولیدات کشاورزی خاورمیانه و شمال آفریقا از طریق دیم انجام می شود، این منطقه به شدت در برابر تغییرات دما و بارندگی ناشی از تغییرات آب و هوایی آسیب پذیر است. از سوی دیگر، پیش بینی می شود جمعیت این منطقه تا سال ۲۰۷۰ دو برابر شود و اثر ترکیبی این دو روند می تواند منجر به دو پیامد شود: ۱- افزایش وابستگی واردات به مواد غذایی و آسیب پذیری کل منطقه در برابر شوک های جهانی و ۲- افزایش مهاجرت در داخل و از کشورهای فقیر منطقه.

منطقه منا از نظر شرایط اقتصادی و اجتماعی بسیار ناهمگون است. در بین کشورهای این منطقه، کشورهای با درآمد کم و متوسط همچون الجزایر، جیبوتی، مصر، ایران، عراق، اردن، لبنان، لیبی، مراکش، سوریه، تونس، یمن، کرانه باختری و غزه، بسیار آسیب پذیر هستند. در واقع به دلیل ترکیب عواملی چون کمبود آب و بارش، رشد بالای جمعیت، تمرکز جغرافیایی جمعیت، بی ثباتی اقتصادی و سیاسی، حکمرانی ضعیف و سرمایه های مالی کم، این منطقه پرتنش ترین منطقه در جهان است.

بر اساس شرایط خاص در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و آسیب پذیری در مقابل رویدادهای آب و هوایی، اقداماتی برای مقابله با خشکسالی، افزایش بهره وری کشاورزی، تنوع بخشیدن به کشاورزی، بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی و ایجاد تغییرات عمده اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی برای ایجاد تاب آوری ضروری به نظر می رسد.

برخی از این اقدامات از جنس سیاستگذاری و برنامه های بلندمدت هستند، مانند بهبود توان اقتصادی، افزایش کارآمدی دولت ها، توسعه زنجیره تامین مواد غذایی با هدف متنوع سازی

گیرد؛ انواع رویدادهای آب و هوایی مانند سیل ها می توانند زیرساخت ها، ارتباطات، جریان انرژی، شبکه های جادهای و تجارت مواد غذایی را مختل کنند که معمولاً منجر به از دست رفتن مواد غذایی می شود. مرحله مصرف نیز به شدت متاثر است؛ نه تنها برای کشاورزان کوچک که معیشت شان مستقیم در گرو رویدادهای آب و هوایی است، بلکه ممکن است با تاثیر بر کمیت و کیفیت غذاهای موجود، جامعه را با ناامنی غذایی مواجه کند.

علاوه بر تاثیر رویدادهای آب و هوایی بر زنجیره تامین مواد غذایی، روشی که امروزه اغلب برای تولید مواد غذایی به کار گرفته می شود، بخش بزرگی از مشکل است. افزایش تولید و مصرف مواد غذایی، تغییرات محیطی جهانی را تسریع می کند به طوری که سیستم غذایی جهانی مسوول حدود یک سوم از انتشار گازهای گلخانه ای است.

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، یک کانون تغییرات اقلیمی است و مدل های اقلیمی، دما را در این منطقه ۲۰ درصد بالاتر

جدول شماره ۱- تاثیرات احتمالی تغییرات آب و هوایی بر زنجیره تامین

زنجیره تامین	تأثیرات	پیامد
نهادهای مزرعه (کود، سوخت، آب، آفت‌کش‌ها)	کمبود آب دوره های خشک طولانی مدت قیمت نهاده های بالاتر	از دست دادن تولید از دست دادن درآمد مزرعه قیمت‌های بالاتر برای مصرف کنندگان
تولیدات مزرعه	استرس گرمایی فصل‌های رشد طولانی‌تر/کوتاه‌تر بروز آفات و بیماری‌ها بیشتر از دست دادن محصولات زراعی یا دام در حوادث شدید آب و هوایی هزینه‌های عملیاتی بالاتر	مختل شدن تولید قیمت‌های بالاتر برای مصرف کنندگان خطر از بین رفتن دام و حیوانات از دست رفتن برخی از اجتماعات کشاورز بخصوص در مناطق نورافتاده
حمل و نقل	رویدادهای آب و هوایی شدید (مانند سیل، آتش‌سوزی) پیوندهای عرضه محصولات را قطع می‌کند هزینه سوخت افزایش می‌یابد استرس گرمایی در حمل و نقل دام مشکلات در خنک‌سازی	کمبود مواد غذایی در فروشگاه‌ها قیمت‌های بالاتر فساد و ضایعات مواد غذایی
فراوری	کمبود مواد اولیه محصولات با کیفیت پایین‌تر در دسترس نبودن کارکنان در زمان‌های کلیدی اضطراری هزینه انرژی بالاتر	کمبود مواد غذایی در فروشگاه‌ها قیمت‌های بالاتر گاهی اوقات، در دسترس نبودن برخی از خطوط غذایی
ذخیره‌سازی	ماندگاری کوتاه‌تر برای برخی از محصولات حساس به گرما آفات	از دست دادن غذا قیمت‌های بالاتر
خرده فروشی	عرضه کمتر قابل پیش‌بینی و قابل اعتماد هزینه‌های اولیه بالاتر تغییر تقاضای مصرف کننده در دسترس نبودن کارکنان در زمان‌های اضطراری	قیمت‌های بالاتر خطر کمبود مواد غذایی کلیدی از دست دادن اعتماد مشتری
خدمات غذایی	تأثیرات مشابهی مانند خرده فروشی برخی از فروشگاه‌ها نسبت به در دسترس نبودن محصولات کلیدی (مانند مرغ) بسیار حساس هستند. خطر کمیو غذا در بیمارستان‌ها و بخش‌های مراقبتی	افزایش احتمالی مرگ و میر در جمعیت‌های وابسته به خدمات غذایی (مانند مراقبت از سالمندان)

Farmers for climate actions. (2022)

از تغییرات آب و هوایی در سراسر جهان تاثیر می‌گذارد؛ این امر منجر به اثرات نامطلوب گسترده‌ای بر امنیت غذا و آب، سلامت انسان و اقتصاد و جامعه و خسارات و زیان به طبیعت و مردم شده است. در واقع تغییرات آب و هوا تهدیدی برای رفاه انسان و سلامت سیاره زمین است و در حال حاضر پنجره فرصت برای کاهش این تهدید و تضمین آینده‌ای پایدار و قابل زندگی برای همه به سرعت در حال بسته شدن است.

این واقعیت در حالی است که جوامع آسیب‌پذیری که در طول تاریخ کمترین سهم را در تغییرات آب و هوایی کنونی داشته‌اند به‌طور نامتناسبی تحت تاثیر قرار می‌گیرند و هم‌اکنون در جهان بین ۳/۳ تا ۳/۶ میلیارد نفر در مناطقی زندگی می‌کنند که در برابر تغییرات آب و هوایی آسیب‌پذیر هستند. بسیاری از این افراد در تولید مواد غذایی به خصوص کشاورزی فعالیت می‌کنند.

در حالی که کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، به ویژه انتشار دی‌اکسید کربن از مهم‌ترین راه‌حل‌ها برای جلوگیری از تغییر آب و هوا و اقلیم است، این هدف در سطح بین‌دولت‌ها به اجماع دست نیافته است. با توجه به گزارش‌های اخیر، باید پذیرفت که سیاست کاهش تغییرات آب و هوا تا حد زیادی شکست خورده است. در نتیجه، تاثیرات تغییر اقلیم به شدت بر اقتصادها و جوامع اثر می‌گذارد. تغییر اقلیم با چندین نگرانی امنیتی مانند امنیت انسانی، امنیت غذایی و امنیت انرژی مرتبط است.

تغییر آب و هوا و اقلیم و زنجیره تامین مواد غذایی

زنجیره تامین مواد غذایی زیرمجموعه‌ای از یک سیستم اجتماعی-اکولوژیکی گسترده‌تر است که می‌توان آن را به عنوان شبکه‌ای از سازمان‌ها تعریف کرد که در فرآیندها و فعالیت‌های مختلف تولید محصولات غذایی که خلق ارزش می‌کنند، درگیر است و شامل فعالیت‌هایی از تولید تا مصرف می‌شود. در واقع تمام فعالیت‌های مربوط به تامین مواد اولیه و تولید و

تولید محصولات، سیاست‌گذاری برای مدیریت زنجیره تامین سبز و اقتصاد چرخشی، به کارگیری مدیریت ریسک آب و هوا در سیستم‌های غذایی، برنامه‌ریزی دولت‌ها برای ایجاد یکپارچگی و هماهنگی در میان بخش‌ها و بین ذی‌نفعان، به کارگیری رویکردهایی مرتبط با افزایش کیفیت معیشت محلی و تاب‌آور کردن جوامع محلی همچون کارآفرینی روستایی، توسعه اجتماعات محلی و توانمندسازی و افزایش آگاهی عمومی.

برخی دیگر از این اقدامات بازنجیره‌تأمین مرتبط هستند، مانند: تامین نهاده‌ها و تولید از طریق سازگار کردن کشاورزی با تغییرات اقلیمی؛ مدیریت تقاضای آب، تغییر الگوی کشت، روش‌های کشاورزی هوشمند و دیجیتال، آموزش و توانمندسازی کشاورزان؛ مرحله تولید و فرآوری: افزایش تاب‌آوری تولیدکنندگان از طریق بیمه‌های اجتماعی، توانمندسازی و حمایت‌های اجتماعی و مالی و تنوع‌بخشی به تولید منابع؛ مرحله ذخیره‌سازی، توزیع و خرده‌فروشی مواد غذایی؛ فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب نگهداری و حمل و نقل؛ مرحله مصرف: تضمین امنیت غذایی مصرف‌کنندگان فقیر از طریق شبکه‌های حمایت اجتماعی، حفظ ذخایر استراتژیک غذایی و بهبود در سیستم‌های ذخیره‌سازی و عرضه مواد غذایی و جلوگیری از هدررفت مواد غذایی

تغییر آب و هوا و اقلیم در جهان امروز

انتشار گازهای گلخانه‌ای، بی‌تردید باعث گرم شدن کره زمین شده است، به طوری که دمای سطح زمین طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۱ به ۱/۱ درجه سانتیگراد بالاتر از متوسط سال‌های ۱۸۵۰-۱۹۰۰ رسیده است. همچنین این احتمال وجود دارد که گرمایش در طول قرن بیست و یکم از ۱/۵ درجه سانتیگراد فراتر رود. انتشار گازهای گلخانه‌ای با استفاده مداوم و نابرابر انرژی، استفاده از زمین و تغییر کاربری آن، شیوه‌های زندگی و الگوهای مصرف و تولید در مناطق مختلف، بین کشورهای درون‌کشورها افزایش یافته است. تغییرات آب و هوایی ناشی از فعالیت‌های انسان بر بسیاری



فرآوری در ابتدای زنجیره تامین مواد غذایی قرار می‌گیرد و توزیع، فروش و مصرف در انتهای زنجیره قرار دارند و در این میان، زیرساخت‌ها و نهادهایی مانند لجستیک، شبکه حمل و نقل، سوخت، اطلاعات و ارتباطات، خدمات بانکی، برق و آب نقش مهمی در به هم پیوستن اجزای این زنجیره دارند.

زنجیره تامین مواد غذایی از مرحله تولید تا مصرف به شدت متأثر از تغییر آب و هوا و اقلیم است. به خصوص در مرحله تامین مواد اولیه و تولید که مرتبط با بخش کشاورزی است، هرگونه بی‌ثباتی می‌تواند کل چرخه را با مشکلات جدی مواجه کند. گرم شدن کره زمین بر الگوهای آب و هوا تأثیر می‌گذارد و باعث موج گرما، بارندگی شدید و خشکسالی می‌شود. تغییرات اقلیمی و رویدادهای شدید ناشی از آن مانند سیل، آتش‌سوزی، خشکسالی و طوفان در ۵۰ سال گذشته پنج برابر شده است. در سال ۲۰۲۰ برنامه جهانی غذای سازمان ملل تخمین زد که ۲۶۵ میلیون نفر به دلیل بالای مرتبط با آب و هوا با کمبود شدید مواد غذایی مواجه خواهند شد. طی چند سال گذشته، جهان شاهد افزایش بی‌سابقه رویدادهای شدید مرتبط با تغییرات آب و هوا بوده است که منجر به اختلال در سطوح مختلف زنجیره تامین شده است. به عنوان مثال، چین در سال ۲۰۲۲ موج گرمای بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد که منجر به کاهش تولید مواد غذایی، افزایش قیمت و کمبود مواد غذایی در زنجیره‌های تامین غذای محلی و جهانی شد. ایتالیا همچنین به خاطر شدیدترین خشکسالی ۷۰ سال گذشته، با کمبود مواد غذایی مواجه بود. علاوه بر این، پاکستان بدترین سیل را در تاریخ خود تجربه کرد که منجر به خسارت حداقل ۱۰ میلیارد دلار آمریکا شد. نمونه‌های دیگر از حوادث شدید و تأثیر بر زنجیره تامین شامل آتش‌سوزی فاجعه‌بار ۲۰۲۱ نیویورک، زمین‌لرزه‌های هائیتی، جاوه شرقی، فوکوشیما و میاگی و سونامی‌های مولوکای و توکیو است.

تایک محدوده دمایی خاص، افزایش دما و دی‌اکسید کربن می‌تواند برای محصولات مفید باشد، اما افزایش دما باعث تسریع تبخیر

و تعرق گیاهان و خاک می‌شود و همچنین باید آب کافی برای رشد محصولات وجود داشته باشد. برای مناطقی از جهان که در حال حاضر محدودیت آب دارند، تغییرات آب و هوا به طور فزاینده‌ای اثرات نامطلوبی بر تولید کشاورزی از طریق کاهش ذخایر آب، افزایش حوادث شدید مانند سیل و طوفان‌های شدید، استرس گرمایی و افزایش شیوع آفات و بیماری‌ها ایجاد می‌کند.

بالاتر از یک نقطه معین از گرم شدن (به ویژه بالاتر از افزایش ۲ درجه سانتیگراد در دمای متوسط جهانی) سازگاری با آن به طور فزاینده‌ای دشوارتر و پرهزینه می‌شود. در کشورهایی که دما از قبل بسیار بالا بوده است، مانند کمربند ساحل آفریقا یا جنوب آسیا، افزایش دما می‌تواند تأثیر فوری تری بر محصولاتی مانند گندم داشته باشد که تحمل گرمای کمتری دارند.

حدود ۸۰ درصد از جمعیت جهان که بیشتر در معرض خطر کم محصولی و گرسنگی ناشی از تغییرات آب و هوایی هستند، در کشورهای جنوب صحرا، آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی زندگی می‌کنند، جایی که خانواده‌های کشاورز به طور نامتناسبی فقیر و آسیب‌پذیر هستند.

خشکسالی شدید ناشی از الگوی آب و هوای ال‌نینو یا تغییرات آب و هوایی می‌تواند میلیون‌ها نفر را به فقر بکشاند، چرا که کشاورزان اغلب در آستانه فقر زندگی می‌کنند و همچنین افزایش قیمت مواد غذایی تأثیر زیادی بر مصرف کنندگان شهری فقیر دارد. در واقع کاهش بازده محصولات غذایی، به ویژه در ناامن‌ترین مناطق جهان افراد بیشتری را به سمت فقر سوق خواهد داد و در نتیجه تخمین زده می‌شود که ۴۳ میلیون نفر در آفریقا به تنهایی تا سال ۲۰۳۰ به زیر خط فقر سقوط کنند.

در حالی که چنین رویدادهایی می‌تواند کسب و کار در صنایع مختلف را مختل کند، رویدادهایی که صنعت غذا را تحت تأثیر قرار می‌دهند، می‌توانند پیامدهای گسترده‌ای داشته باشند. اینها شامل اختلالات مستقیم در عرضه مواد غذایی و کمبود مواد غذایی در مناطق مختلف و همچنین اختلالات غیرمستقیم می‌شود که بر چندین صنعت دیگر مانند داروسازی، نساجی، گردشگری، مواد شیمیایی و نوشیدنی‌ها نیز تأثیر می‌گذارد که این صنایع برای مواد خام به صنایع غذایی متکی هستند. در این میان کشاورزی نسبت به آب و هوا و تغییرات آن بسیار حساس است؛ تغییرات آب و هوایی (مانند دما، بارندگی و زمان یخبندان) می‌تواند فصل رشد را طولانی‌تر کند یا امکان کشت محصولات مختلف را در برخی از مناطق فراهم کند، اما در مناطق دیگر فعالیت‌های کشاورزی را نیز دشوارتر می‌کند.

قرار گرفتن در معرض تغییرات و شوک‌ها به ویژه برای کشاورزی دیم و مالکان خرد (یعنی خانوارهایی با کمتر از ۵ هکتار) که اکثریت تولید غذای جهان (۵۷ درصد) را تشکیل می‌دهند و عمدتاً به منابع طبیعی در دسترس محلی متکی هستند، مشهود است. در برخی موارد (به عنوان مثال بیماری و آفات)، اقلام غذایی فردی ممکن است تحت تأثیر قرار گیرند، در حالی که پدیده‌های دیگر (به عنوان مثال خشکسالی، سیل و بی‌نظمی الگوهای دما و بارش) ممکن است باعث کاهش در کل بخش‌های تولید غذا شود. همچنین در زنجیره تامین مواد غذایی،



تولید، ذخیره‌سازی، فرآوری، توزیع، خرده‌فروشی و مصرف مواد غذایی همگی در معرض انواع گسترده‌ای از تغییرات محیطی هستند. تغییر پذیری و اختلالات محیطی نه تنها به صورت سیل، خشکسالی و گرمای شدید (یعنی تغییر پذیری آب و هوا) بلکه به صورت مخاطرات طبیعی، آفات، بیماری، شکوفه‌های جلبکی، سفید شدن مرجان‌ها و آفات کوسین‌ها آشکار می‌شوند.

در مورد ذخیره‌سازی، کشاورزان معیشتی که فصل‌های رشد محدودی دارند، به محصولات ذخیره‌شده وابسته هستند. اگر شرایط نگهداری به اندازه کافی خشک نباشد، آلودگی باکتریایی و قارچی شایع خواهد بود. به طور کلی، دماهای بالاتر و تغییرات در الگوهای بارندگی می‌تواند باعث افزایش بروز باکتری‌ها، ویروس‌ها، انگل‌ها و قارچ‌ها و بیماری‌های مرتبط با آنها در مواد غذایی ذخیره‌شده شود. سیل و بالا آمدن سطح آب دریاها می‌تواند آلودگی آب را افزایش دهد و منجر به افزایش بیماری‌های ناشی از آب و مواد شیمیایی در منابع غذایی شود.

توزیع و دسترسی به بازار نیز می‌تواند به طور قابل توجهی تحت تاثیر تغییرات محیطی قرار گیرد. انواع رویدادهای آب و هوایی مانند سیل‌ها می‌توانند زیرساخت‌ها، ارتباطات، جریان انرژی، شبکه‌های جاده‌ای و تجارت مواد غذایی را مختل کنند که معمولاً منجر به از دست رفتن مواد غذایی می‌شود. علاوه بر این، رویدادهای شدید آب و هوایی با آسیب رساندن به زیرساخت‌های موجود یا کند کردن حمل و نقل مواد غذایی، توزیع مواد غذایی را مختل می‌کند که می‌تواند خطر آسیب، فساد یا آلودگی مواد غذایی را افزایش دهد.

مصرف ممکن است تحت تاثیر اختلالات محیط زیستی از طریق تغییر دسترسی، مقرون به صرفه بودن و مقبولیت مواد غذایی باشد. برای کشاورزان معیشتی، چنین تغییراتی ممکن است مستقیماً بر کمیت و کیفیت غذاهای موجود برای مصرف خانوار تاثیر بگذارد. کاهش درآمد و قیمت بالاتر مواد غذایی می‌تواند پیامدهای مهمی برای تغذیه داشته باشد، قدرت خرید غذا را محدود کند

و منجر به تغییر در مصرف‌های غذایی به ویژه تغییر به سمت مصرف غذاهای ارزان‌تر و بسیار فرآوری شده شود. اختلالات محیطی می‌تواند توانایی تهیه غذا یا جذب کامل مواد مغذی از غذای مصرف‌شده را محدود کند که اغلب منجر به نتایج تغذیه‌ای خطرناکی خواهد شد (به عنوان مثال، کوتاه‌قندی در دوران کودکی).

اثرات متقابل تغییر آب و هوا و اقلیم و تولید مواد غذایی

گرم شدن کره زمین بر الگوهای آب و هوا تاثیر می‌گذارد و باعث موج گرما، بارندگی شدید و خشکسالی می‌شود. این رویدادها تاثیر مستقیمی روی زنجیره تامین مواد غذایی خواهد داشت. در عین حال، روشی که امروزه اغلب برای تولید مواد غذایی به کار گرفته می‌شود، بخش بزرگی از مشکل است.

اخیراً تخمین زده شده که سیستم غذایی جهانی مسوول حدود یک سوم از انتشار گازهای گلخانه‌ای است. مطالعات تایید می‌کنند که امنیت غذایی جهانی و تغییرات آب و هوایی شبکه‌ای از وابستگی‌های متقابل پیچیده ایجاد می‌کند. از یک سو، تغییرات آب و هوایی پیامدهای جدی برای امنیت غذایی دارد، از سوی دیگر افزایش تولید مواد غذایی، تغییرات محیطی جهانی را تسریع می‌کند. علاوه بر این، سیستم‌های غذایی ملی در برابر بحران‌های جهانی بسیار آسیب‌پذیر هستند. افزایش قیمت نفت هزینه‌های تولید مواد غذایی (مانند کود و حمل و نقل) را افزایش می‌دهد.

میانگین انتشار گازهای گلخانه‌ای به ازای هر کیلو گرم غذا برای محصولات انتخاب شده و در هر مرحله از زنجیره تامین نشان می‌دهد. همان‌طور که این شکل نشان می‌دهد، محصولات در شدت انتشار گازهای گلخانه‌ای تفاوت زیادی دارند؛ شدت انتشار گازهای گلخانه‌ای گوشت گاو به طور قابل توجهی بالاتر از سایر محصولات است.

اثرات تغییر آب و هوا و اقلیم بر زنجیره تامین مواد غذایی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا)

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا یک کانون تغییرات اقلیمی است و مدل‌های اقلیمی، دما را در این منطقه ۲۰ درصد بالاتر از میانگین جهانی پیش‌بینی می‌کنند.

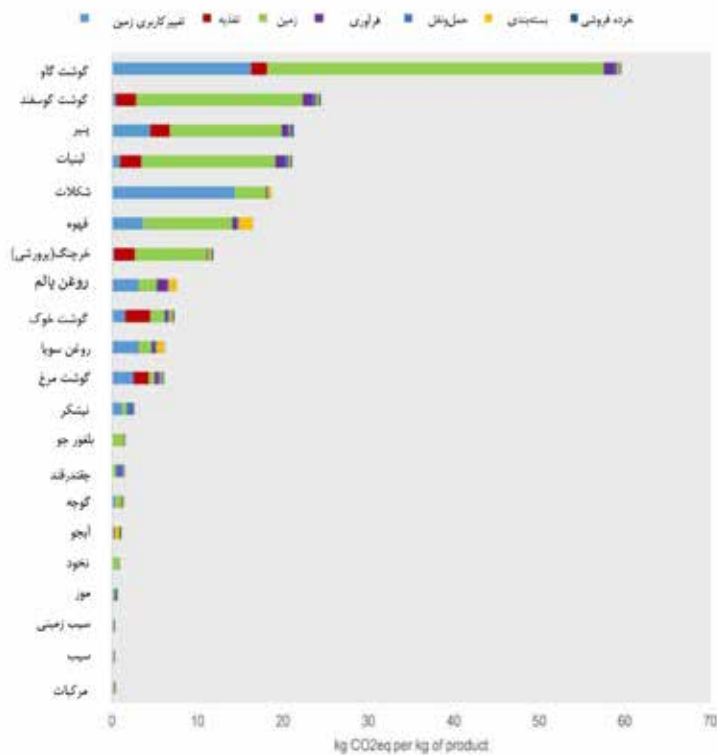
این منطقه در حال حاضر کم‌آب‌ترین منطقه در جهان است و پیش‌بینی می‌شود در این منطقه افزایش دما منجر به خشکسالی‌های شدید و شدیدتر شود.

همچنین بیش از ۶۰ درصد از جمعیت منطقه دسترسی بسیار کمی به آب آشامیدنی دارند و ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی آنها در برابر تنش آبی آسیب‌پذیر است.

از آنجایی که ۷۰ درصد تولیدات کشاورزی خاورمیانه و شمال آفریقا از طریق دیم انجام می‌شود، این منطقه به شدت در برابر تغییرات دما و بارندگی ناشی از تغییرات آب و هوایی آسیب‌پذیر است.

منطقه منا از آغاز تمدن همواره به کشاورزی و شرایط اقلیمی وابسته بوده است. با این حال، روندهای اقلیمی و جمعیتی موجود تردیدهای جدی را در مورد ظرفیت آن برای حفظ جمعیت و اقتصاد محلی در آینده ایجاد می‌کند. از یک سو، تغییرات آب و هوایی احتمالاً تا پایان قرن

نمودار ۱- شدت انتشار گازهای گلخانه‌ای برای محصولات غذایی منتخب (کیلوگرم CO2 تولید شده در هر کیلوگرم محصول)



OECD. (2022). Environmental impacts along food supply chain

افزوده را تولید می‌کند، اما ۲۲ درصد از کل اشتغال را تشکیل می‌دهد، سهمی که در میان زنان به ۳۱ درصد نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این، حدود ۷۰ درصد از فقرا در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. بنابراین کشاورزی قطعاً برای نتایج توسعه گروه‌های جمعیت ضعیف‌تر و فقیرتر، یعنی زنان، کشاورزان کوچک و کارگران کشاورزی، استراتژیک است. نقش کشاورزی برای پایداری زیست‌محیطی، امنیت غذایی، ثبات اجتماعی-سیاسی و مهاجرت نیز حیاتی است.

بر اساس مطالعات، به نظر می‌رسد مقدار بارندگی، الگوهای دما و آب و هوا از مهم‌ترین عوامل در کشاورزی، تولید غذا و امنیت غذایی هستند. علاوه بر این، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که کشورهای تاب‌آورتر در مقابل امنیت غذایی کشورهای هستند که درآمد سرانه بالاتری دارند. بنابراین می‌توان گفت که این موضوع، اهمیت توسعه اقتصادی را نشان می‌دهد. در واقع مشکلات نهادی از جمله رفاه، دموکراسی، آزادی اقتصادی، پاسخگویی دولت، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت نظارتی، حاکمیت قانون و کنترل فساد در این منطقه باعث تشدید اثرات تغییرات آب و هوایی و تغییر اقلیم می‌شود. این دو عامل تغییر اقلیم و مشکلات اقتصادی و نهادی در کنار هم وضعیت ناامنی غذایی در منطقه منارا بسیار پیچیده کرده است؛ به طوری که در سال ۲۰۲۰ سهم منارا ناامنی غذایی حاد در جهان ۲۰ درصد بود (در مقایسه با سهم ۶ درصدی آن از جمعیت) که به طور نامتناسبی بالاست.

پیش‌بینی می‌شود که اقلیم این منطقه که عمدتاً خشک تا بسیار خشک است، در حال تغییر است و این تغییر ادامه خواهد داشت و کمبود آب شیرین به احتمال زیاد حداقل برای یک نسل (یعنی تا سال ۲۰۵۰) در منابقی خواهد ماند. رقابت بین مصارف مختلف آب در حال زیاد شدن است؛ رقابت بخش کشاورزی برای باصنعت و سایر بخش‌ها. امنیت غذایی به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر این تغییرات است. به این دلیل که مواد غذایی وارد شده مکانیسمی برای کاهش مصرف واقعی آب در منطقه مناسب است که می‌تواند منجر به واردات مواد غذایی گسترده شود. با این حال، یک نگرانی غالب، وابستگی زیاد و فزاینده آن به بازارهای بین‌المللی برای محصولات غذایی اصلی است. / اتاق بازرگانی تهران

حاضر بین ۱۵ تا ۴۵ درصد دیگر از ظرفیت آب را کاهش می‌دهد که در حال حاضر به طور چشمگیری کم است.

از سوی دیگر، پیش‌بینی می‌شود جمعیت این منطقه تا سال ۲۰۷۰ دو برابر شود و اثر ترکیبی این دو روند ممکن است دو گونه باشد:

۱- افزایش وابستگی وارداتی به مواد غذایی و آسیب‌پذیری کل منطقه در برابر شوک‌های قیمتی جهانی

۲- افزایش مهاجرت در داخل و از کشورهای فقیر منطقه.

بدیهی است که این پیامدها می‌تواند در کشورهای منا با توجه به سطح درآمد در هر کشور متفاوت باشد. در واقع، منطقه منا از نظر شرایط اقتصادی و اجتماعی بسیار ناهمگون است. در بین کشورهای منطقه منا، کشورهای با درآمد کم و متوسط همچون الجزایر، جیبوتی، مصر، ایران، عراق، اردن، لبنان، لیبی، مراکش، سوریه، تونس، یمن، کرانه باختری و غزه، بسیار آسیب‌پذیر هستند. دلیل این آسیب‌پذیری، توانایی کمتر آنها برای سازگاری با تغییرات پیچیده محیط‌زیستی است؛ عوامل نهادی و اجتماعی-اقتصادی مانند بی‌ثباتی سیاسی، حکمرانی ضعیف، سرمایه‌های مالی کم و تحرک عوامل تولید و غیره. جمعیت این کشورها حدود ۴۴ میلیون نفر در سال ۲۰۱۷ بوده است که ۸۵ درصد از کل جمعیت منطقه و ۹۵ درصد از جمعیت روستایی را تشکیل می‌دهد، یعنی ساکنانی که معیشت آنها بسیار پایین است و به طور کلی، بیشتر متکی به منابع محیطی هستند.

در واقع، به دلیل ترکیب عواملی چون کمبود آب و بارش، رشد بالای جمعیت و تمرکز جغرافیایی جمعیت، این منطقه پرتنش‌ترین منطقه در جهان است.

اثرات مرتبط با تغییرات آب و هوا به ویژه در بخش کشاورزی بسیار چشمگیر است که شامل کاهش بهره‌وری محصولات کشاورزی، بیابان‌زایی، قرار گرفتن در معرض سیل، افزایش کم‌آبی، تامین ناکافی آب و غلات برای تولید دام می‌شود. این در حالی است که در منطقه منا، بخش کشاورزی کمتر از ۱۰ درصد از کل ارزش



مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی منتشر کرد

تحقق امنیت غذایی با اتکا بر تولید داخلی

تولید داخلی را به همراه چارچوب برنامه‌ای مشتمل بر اقدامات اجرایی، اهداف کمی، نتایج مورد انتظار و دستگاه‌های متولی مربوطه ارائه کرده است.

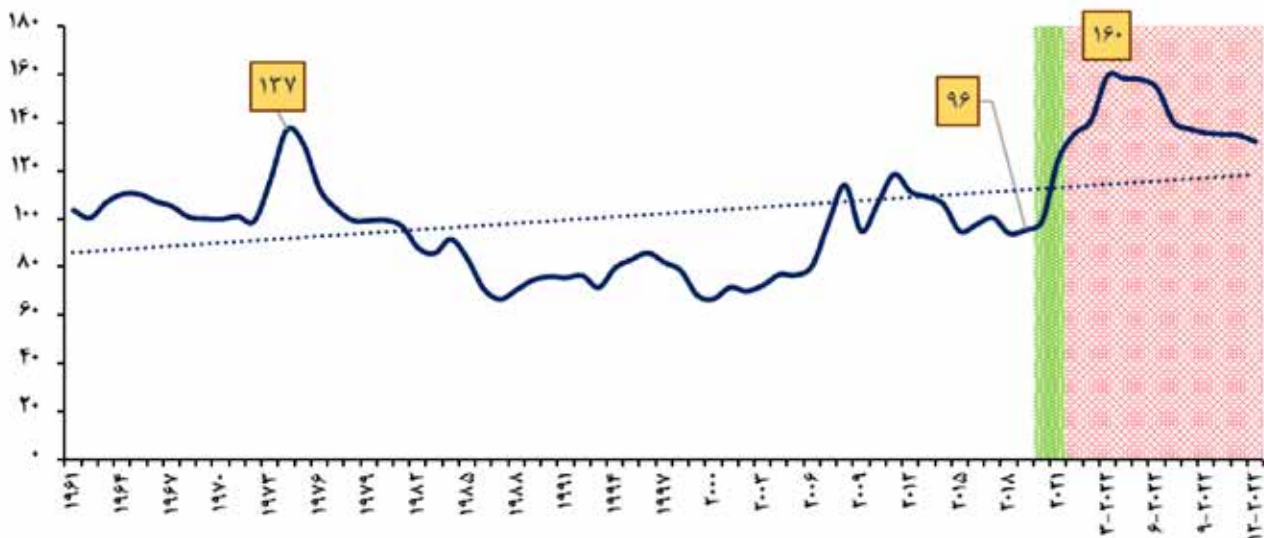
چالش‌های تحقق امنیت غذایی از محل تولید داخلی کشور

با وجود تاکید اسناد بالادستی، دولت‌ها چندان در دستیابی به هدف امنیت غذایی از طریق اتکا به تولید داخلی، موفقیت کافی را نداشته‌اند و واردات نقش مهمی همواره در تامین نیاز داخلی داشته است. تکیه بر واردات محصولات کشاورزی اساسی و راهبردی، علاوه بر اینکه تولید داخلی را با چالش مواجه می‌کند، وابستگی کشور را به خارج افزایش

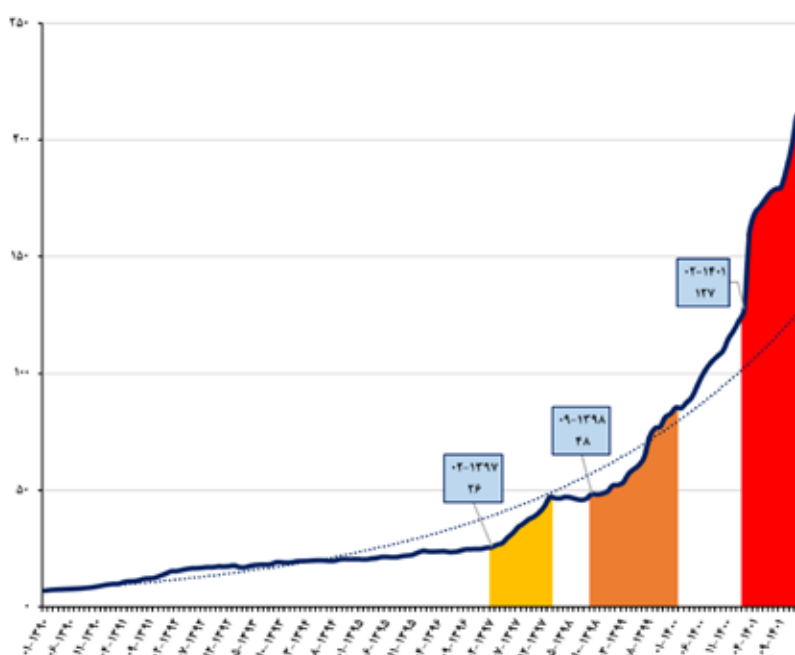
مقوله امنیت غذایی در شرایط کنونی جهان، به عنوان یکی از مولفه‌های امنیت ملی کشورها مطرح است. تحقق امنیت غذایی در ایران در دهه‌های گذشته با چالش‌های متعددی مواجه بوده است که برخی از آنها پس از گذشت سال‌ها، به شکل مزمن تبدیل شده و حتی حالت بحرانی به خود گرفته‌اند. بررسی هانشان می‌دهد، تداوم برخی از این چالش‌ها ناشی از ایرادهای مدیریتی و عدم اهتمام جدی به مقوله خودکفایی در محصولات راهبردی کشاورزی است که خود را در نفوذ پایین دانش و فناوری در کشاورزی و به تبع آن بهره‌وری پایین تولیدات کشاورزی نشان می‌دهد. بررسی‌ها حاکی از آن است در دو سال ابتدایی دولت سیزدهم در بخش کشاورزی نیز اقدامات فراگیر و اثربخشی برای رفع این چالش‌ها انجام نشده است. تشویق خرید اراضی با صدور سند مالکیت رسمی برای اراضی خرد، عدم مدیریت مناسب تبعات ناشی از حذف ارز ترجیحی، عدم ثبات لازم در سیاست‌های اقتصادی و اداری بخش، نبود برنامه‌ریزی مناسب و فراگیر به منظور افزایش ضریب نفوذ دانش و عدم اهتمام به احیای مرغ‌لاین سویه آری، از جمله مهم‌ترین ایرادهای عملکردی این دوره است. با وجود این، فرصت‌های استفاده نشده فراوانی در بخش کشاورزی وجود دارد که در صورت بهره‌برداری از آنها می‌توان شاهد تحولات شگرف و جهش دانش بنیان در این بخش بود.

گزارش حاضر، در خاتمه، الزامات تحقق امنیت غذایی دانش بنیان در کشور با اتکا به

نمودار ۱. شاخص قیمت واقعی جهانی غذا در گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد



Source :FAO, 2022 .



ماخذ: مرکز آمار ایران.

می دهد؛ به ویژه وابستگی در تامین مواد غذایی که به طور مستقیم بر امنیت غذایی و غیر مستقیم بر امنیت ملی اثر گذار است. در ادامه به ارائه تصویری از چالش های تحقق امنیت غذایی در کشور بر اساس اطلاعات و آمار موجود از عملکرد متولیان در اجرای تکالیف مرتبط پرداخته می شود.

تاثیر پذیری از افزایش قیمت های جهانی

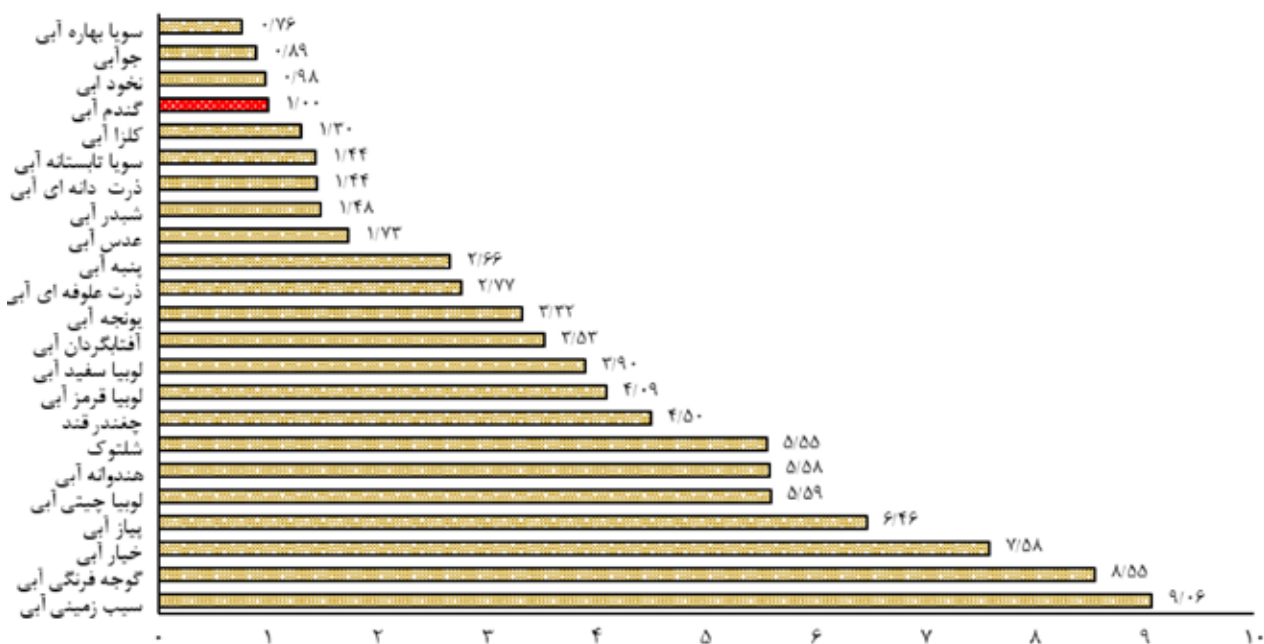
یکی از چالش های امنیت غذایی در ایران، وابستگی قابل توجه کالاهای اساسی به واردات است، چراکه افزایش قیمت غذا در جهان، منجر به افزایش قیمت این کالاها در ایران خواهد شد. همان طور که نمودار ۱ نشان می دهد، شاخص قیمت کالاهای اساسی در مارس

سال ۲۰۲۲ میلادی در جهان به رقم بی سابقه ۱۶۰ رسیده است که افزایش ۳۵ واحدی نسبت به سال ۲۰۲۱ نشان می دهد. در نتیجه، قیمت های کنونی محصولات غذایی، در واقع به بیشترین مقدار خود در ۶۰ سال اخیر رسیده اند. اگرچه در ماه های اخیر مقدار این شاخص کاهش یافته است، اما کماکان مقدار آن از سال ۲۰۲۱ بیشتر بوده و بالاتر از مسیر واقع شده است. یکی از دلایل افزایش قیمت کالاهای خطی مورد انتظار اساسی کشاورزی، افزایش قیمت نفت خام (انرژی) در بازارهای جهانی است، زیرا رابطه مثبت و معناداری بین قیمت غذا و انرژی وجود دارد.

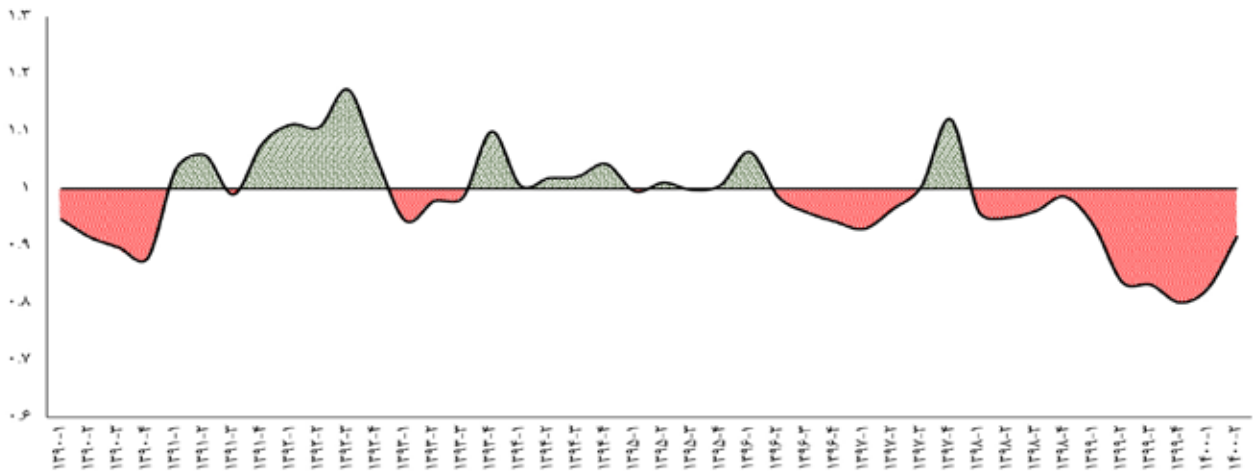
در نمودار ۲ روند افزایشی مستمر شاخص قیمت مصرف کننده گروه خوراکی ها و آشامیدنی ها برای کشور در دوره

۱۴۰۲-۱۳۹۰ مشهود است؛ به طوری که از خط روند نمایی هم فراتر رفته است. سه نقطه نشان داده شده در این نمودار، به ترتیب مربوط به از سرگیری تحریم های جهانی (اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷)، شیوع ویروس کرونا (آذرماه سال ۱۳۹۸) و حذف ارز ترجیحی (اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱) هستند که هر کدام به نوعی آغازگر رشد جهشی قیمت مواد غذایی در سبد مصرفی خانوارهای کشور بوده اند (اعداد شاخص در این ماه ها به ترتیب ۲۶، ۴۸ و ۱۲۷ بوده

نمودار ۴. نسبت سود ناخالص در هکتار محصولات منتخب به محصول گندم (متوسط دوره ۹۸-۱۳۹۱)



نمودار ۱۲. نسبت شاخص قیمت تولید کننده در بخش کشاورزی به بخش صنعت



مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱.

نشانگر تاثیر نوسانات ارزی بر قیمت مواد غذایی داخلی هستند و به نوعی آسیب پذیری کشور در نتیجه وابستگی به واردات اقلام غذایی را نشان می دهند.

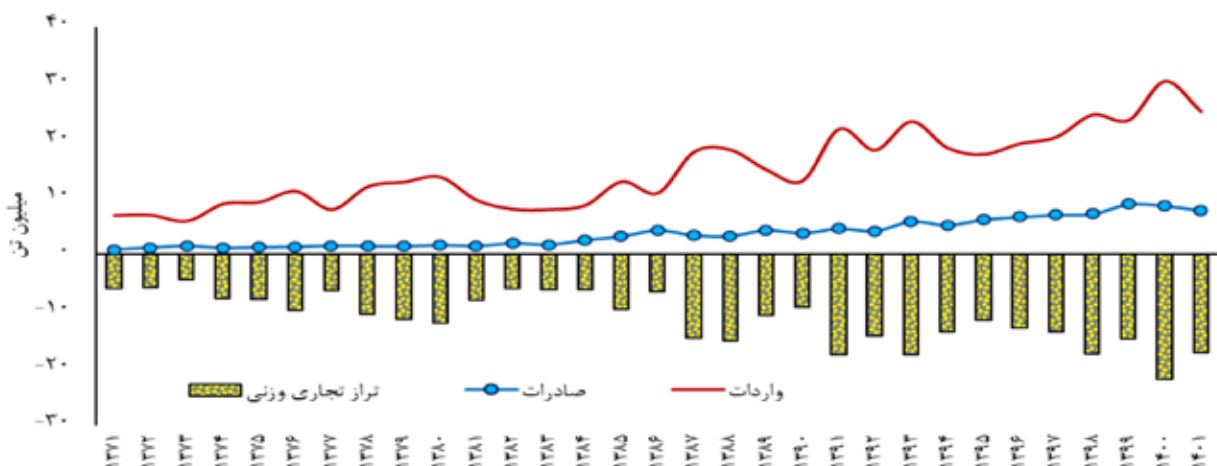
کاهش سهم محصولات راهبردی در ترکیب کشت

در ترکیب کشت محصولات زراعی آبی، گندم بالاترین سهم را از سطح زیر کشت در سال های مختلف داشته است. پس از این محصول نیز جو، شلتوک، یونجه، ذرت دانه ای و سایر محصولات قرار دارند. سهم محصول گندم آبی از ترکیب کشت محصولات زراعی آبی در کل کشور در سال های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ نزدیک به ۴۵ درصد بوده، ولی در سال های اخیر به حدود ۳۰ درصد رسیده است. از این رو محصول راهبردی گندم، زمین در اختیار خود را به سایر کالاهای رقیب واگذار کرده است. این نکته می تواند اهمیت توجه به محصولات اساسی را بیش از پیش نمایان کند.

بررسی روندهای آماری نشان می دهد که سهم محصول گندم از کشت افزایش یافته است، ولی در مجموع آبی کاهش و در کشت دیم تقریباً سهم این محصول راهبردی، از سطح زیر کشت کل کالاهای زراعی کاهش یافته است. از این رو، سهم محصول گندم، علاوه بر کاهش در کمیت سطح زیر کشت، با کاهش در کیفیت سطح زیر کشت نیز مواجه شده است، چراکه زمین های نامرغوب تر به این محصول اختصاص یافته است، اما باید به این نکته توجه کرد که محصولات جالیزی و سبزیجات در طی ۲۰ سال اخیر (۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹)، حداقل ۱۱/۳ درصد و حداکثر ۱۳/۸ درصد از سهم زراعت آبی را به خود اختصاص داده است، از این رو

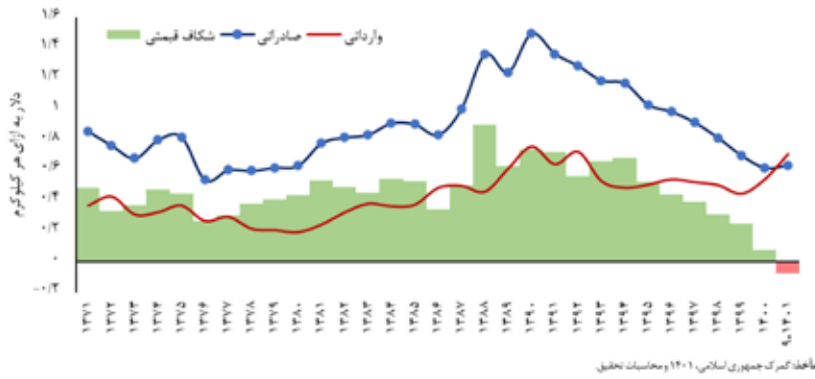
است). در بین این سه نقطه زمانی، اوج گیری همزمان قیمت های مواد غذایی در داخل و خارج در نقطه «شیوع ویروس کرونا» نشانگر تاثیر پذیری قیمت های داخلی مواد غذایی از قیمت های جهانی است. این نقطه در نمودار ۱ برای سال ۲۰۱۹ به عنوان آغاز اوج گیری قیمت های جهانی مواد غذایی مشهود است؛ به طوری که عدد شاخص قیمت جهانی غذا که در آن سال ۱۳۹۶ بوده است، در مارس سال ۲۰۲۲ با ۶۱ درصد افزایش به عدد ۱۶۰ رسیده است. در ایران نیز این شاخص از عدد ۴۸ در آذر ماه سال ۱۳۹۸ با ۷۳ درصد افزایش به عدد ۸۳ در اسفند ماه سال ۱۳۹۹ رسید. گفتنی است دو مورد دیگر، یعنی «از سرگیری تحریم های جهانی» و «حذف ارز ترجیحی»، به ترتیب مربوط به اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ و اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ نیز

نمودار ۱۳. مقدار وزنی واردات، صادرات و تراز تجاری بخش کشاورزی



مأخذ: مرکز جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲ [۵۷]

نمودار ۱۶. قیمت وارداتی و صادراتی محصولات کشاورزی تجاری در ایران



برابر بوده است.

با توجه به موارد فوق باید به این نکته توجه داشت که طرح اصلاح الگوی کشت که اخیراً توسط وزارت جهاد کشاورزی ابلاغ شده است، نخواهد توانست تغییرات قابل توجه در سطح زیر کشت محصولات اساسی ایفا کند، زیرا سوابق آماری سطح زیر کشت محصولات کشاورزی در ایران نشان دهنده این است که این تغییرات بادشواری فراوان روبرو خواهد شد؛

تلاش برای تغییر این سهم، با تداوم ساختار موجود بخش کشاورزی، بسیار دشوار خواهد بود. در واقع این امر نیازمند اجرای برنامه مناسب برای یکپارچه سازی اراضی زراعی است تا تولید محصولات راهبردی در مقایسه با صیفی جات از سودآوری بالایی برای کشاورزان برخوردار شود. یکی از مهم ترین دلایل تمایل به کشت سبزیجات و محصولات جالیزی، شکاف قابل توجه سود در هر هکتار هر یک از این محصولات است.

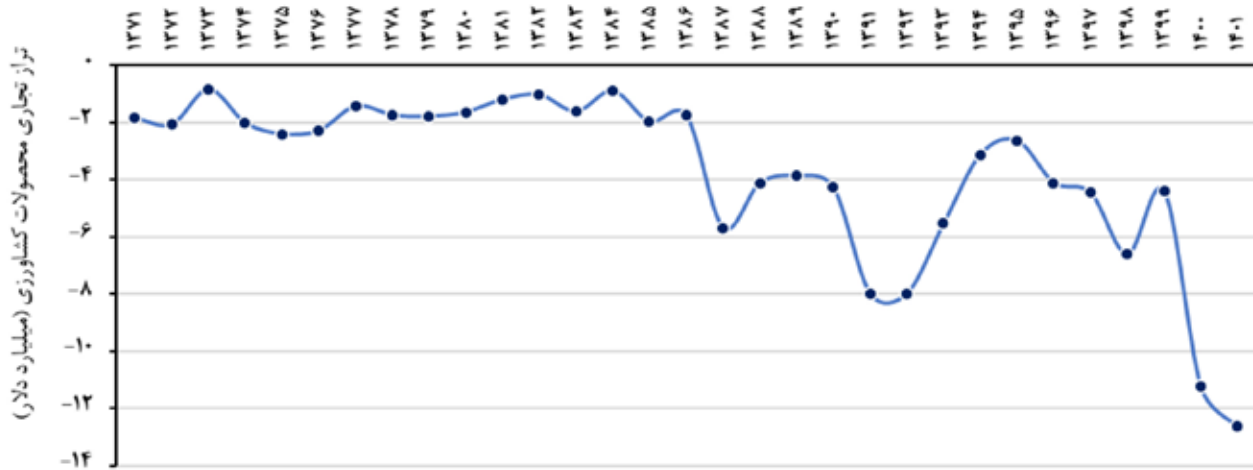
به طور متوسط در سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ هر هکتار محصول سیب زمینی بیش از ۹ برابر هر هکتار گندم برای کشاورز سودآوری داشته است. این نسبت برای محصولات گوجه فرنگی و خیار به ترتیب ۸/۵ و ۷/۶

جدول ۱. برآورد شکاف عملکرد و نرخ رشد محصولات منتخب در ایران و جهان

متغیر		میانگین		نرخ رشد عملکرد		میانگین		نرخ رشد عملکرد	
دوره زمانی		۱۹۶۱-۲۰۲۰		۱۹۹۱-۲۰۲۰		۲۰۰۶-۲۰۲۰		۲۰۰۶-۲۰۲۰	
گندم	ایران	۱۳۶۴	۲,۳۸	۱۷۹۷	۲,۶۲	۱۸۳۳	۱,۶	۲۳۴۴	۲,۱۲
	جهان	۲۳۴۴	۲,۱۲	۲۹۳۹	۱,۰۹	۳۲۲۱	۱,۴۴		
چغندر قند	ایران	۳۰۷۸۸	۲,۹۳	۳۸۲۳۱	۳,۶۹	۴۷۷۸۲	۵,۱۷	۳۸۴۸۵	۱,۷۳
	جهان	۳۸۴۸۵	۱,۷۳	۴۶۹۷۷	۱,۷۷	۵۵۵۰۸	۱,۵		
سویا	ایران	۱۷۲۸	۲,۶	۲۰۷۹	۲,۹۱	۲۲۵۴	۰,۵۷	۱۹۶۰	۱,۷۵
	جهان	۱۹۶۰	۱,۷۵	۲۳۶۳	۱,۴۳	۲۵۶۷	۱,۳۹		
پنبه	ایران	۱۸۹۵	۲,۴۹	۲۲۳۳	۱,۶۸	۲۳۷۴	۲,۲۴	۱۵۸۶	۲,۰۴
	جهان	۱۵۸۶	۲,۰۴	۱۹۵۹	۱,۶۹	۲۲۱۵	۱,۹۲		
جو	ایران	۱۲۹۹	۲,۴۱	۱۶۹۴	۱,۷۱	۱۷۳۶	۱,۳۷	۲۲۵۴	۱,۶۸
	جهان	۲۲۵۴	۱,۶۸	۲۶۰۷	۰,۹۸	۲۸۲۸	۱,۶		
عدس	ایران	۵۹۲	۰,۵۶	۴۹۹	۱,۲۷	۵۰۸	۱,۵۴	۸۰۴	۱,۸۷
	جهان	۸۰۴	۱,۸۷	۹۷۴	۱,۹۸	۱۱۱۰	۲,۲۸		
ذرت دانه‌ای	ایران	۴۳۵۳	۵,۴۷	۶۷۱۹	۲,۳۲	۶۸۴۲	-۰/۰۱	۳۸۲۹	۲,۰۸
	جهان	۳۸۲۹	۲,۰۸	۴۸۰۸	۱,۶۱	۵۳۶۲	۱,۲۵		
کنزا	ایران	۱۸۴۰	۱,۶	۱۸۴۰	۱,۶	۱۹۳۱	۰,۹۴	۱۳۳۰	۲,۴۶
	جهان	۱۳۳۰	۲,۴۶	۱۷۲۶	۱,۴۸	۱۹۵۷	۱		

مأخذ: داده‌های FAO، ۲۰۲۲.

نمودار ۱۴. تراز تجاری بخش کشاورزی از لحاظ ارزش دلاری



مأخذ: همان.

برآوردها، براساس آنچه در قوانین موجود نام برده شده‌اند عبارتند از:

- غلات (گندم، جو، برنج و ذرت دانه‌ای)؛
- حبوبات (نخود، لوبیا و عدس)
- دانه‌های روغنی (سویا، کنجد، گلرنگ، آفتابگردان روغنی و کلزا)
- نباتات علوفه‌ای (یونجه، شبدر و ذرت علوفه‌ای)
- محصولات اساسی صنعتی (پنبه، چغندر قند و نیشکر)
- محصولات اساسی جالیزی (سیب زمینی و پیاز).

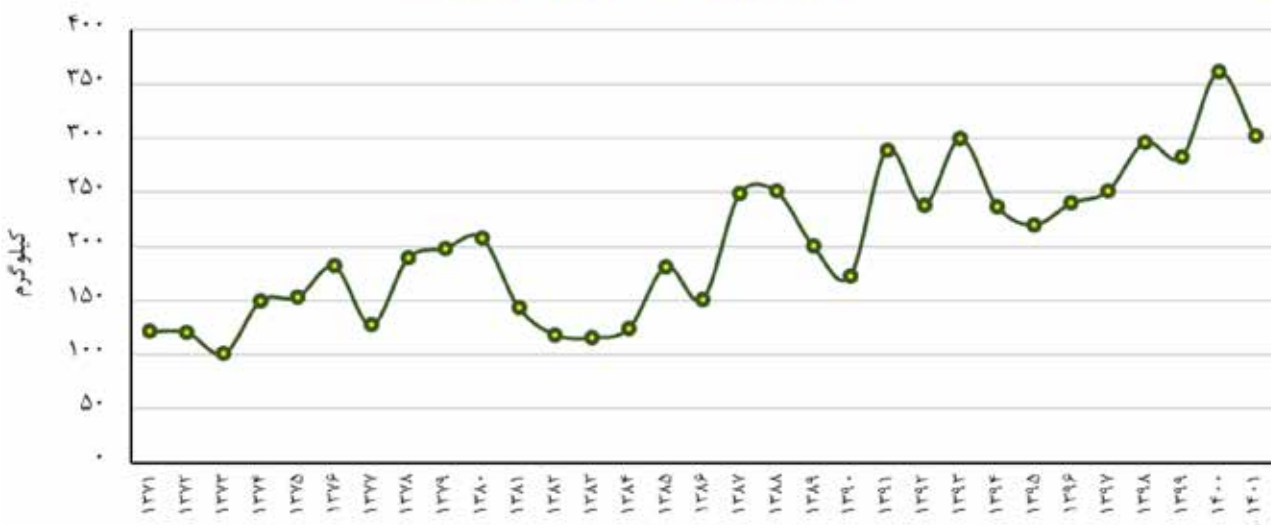
بررسی کلان روند سطح زیرکشت کل محصولات زراعی، حاکی از کاهش سهم سطح زیرکشت محصولات اساسی و در مقابل، افزایش سهم سطح زیرکشت محصولات زراعی غیر اساسی (مانند محصولات جالیزی) است. گفتنی است در این بخش به منظور اجتناب از پیچیدگی نمودارها، اعدادی که برای سال استفاده شده، نشان دهنده سال زراعی منتهی به همان سال است.

برای مثال برای سال زراعی ۱۴۲۲-۱۴۲۱ از عدد ۱۴۲۲ استفاده شده است. براساس اطلاعات موجود، در بازه سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۶۲ سهم محصولات زراعی اساسی از کل سطح زیرکشت محصولات زراعی از ۹۴/۸ به ۹۳/۹ درصد کاهش یافته است. با برون‌یابی این روند کاهشی برای چهل سال آینده، می‌توان گفت سهم سطح زیرکشت محصولات

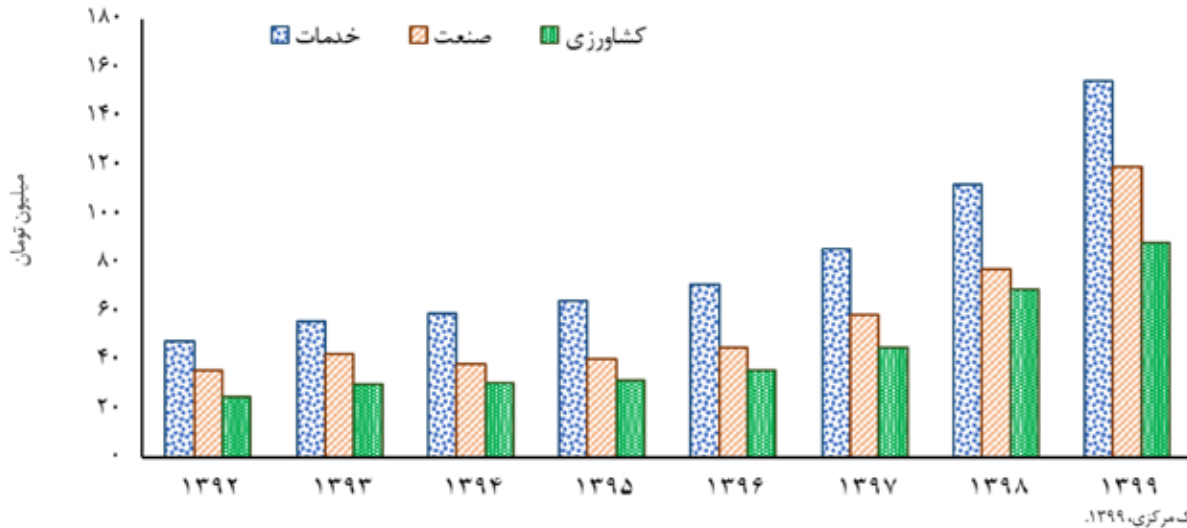
مگر اینکه راهبردهای مناسبی برای اصلاح ساختار تولید محصولات اساسی و کاهش هزینه‌های تولید و افزایش میزان تولید به ازای هر بهره‌بردار اتخاذ شود. نتایج برآورد مقادیر آینده کلان روندهای مرتبط با سطح زیرکشت محصولات زراعی در کشور در ادامه این بخش ارائه شده است.

برآوردها نیز نشان می‌دهد تداوم شیوه‌های سابق مدیریتی بخش کشاورزی و منابع طبیعی، بدون اتخاذ سیاست کارآمد در راستای ارتقای بهره‌وری در این بخش، چشم‌انداز روشنی از تولید محصولات راهبردی در کشور را دربر نخواهد داشت و این موضوع باعث تشدید اختلالات فعلی در امنیت غذایی خواهد شد. محصولات اساسی زراعی در نظر گرفته شده در این

نمودار ۱۵. واردات سرانه کالاهای کشاورزی و غذا



مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی، مرکز آمار ایران ۱۴۰۱ و محاسبات تحقیق.



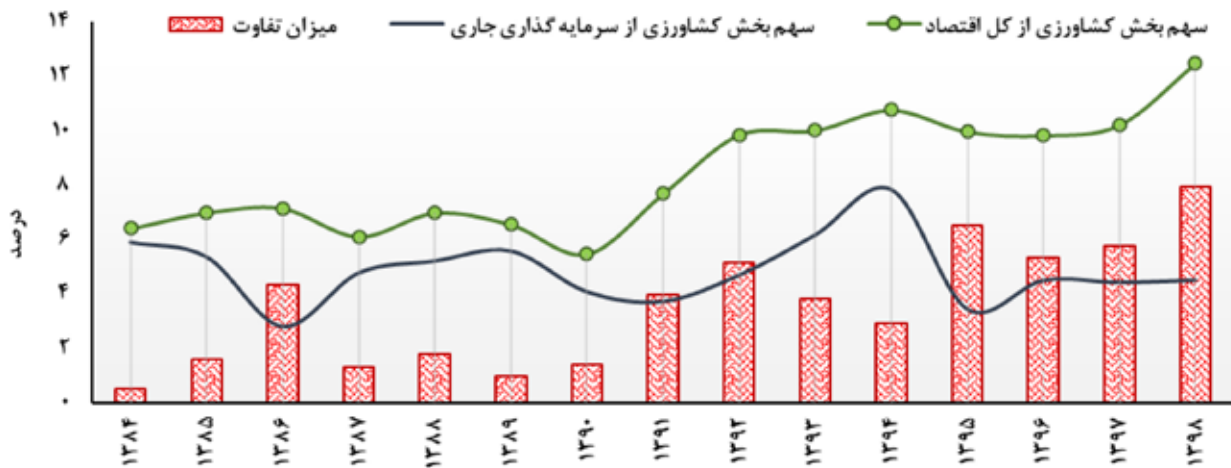
استفاده بی‌رویه از سموم شیمیایی، ضعف در کنترل کودها و سم‌های تقلبی، استفاده از آب‌های آلوده در برخی اراضی کشاورزی مجاور شهرها، کشت در برخی اراضی آلوده، ورود و توزیع نهاده‌های بی‌کیفیت و فاقد استاندارد از مبادی غیر رسمی و قاچاق، شرایط نامطلوب حمل و نقل و انبارداری، ضعف در آگاهی بخشی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مواد غذایی، عدم حمایت کافی از تولیدکنندگان محصولات سالم، ضعف در نظارت بر فرآیند تولید تا عرضه، عدم بازدارندگی کافی مجازات‌های موجود؛ نبود سیستم پایش مستمر و جامع کیفیت غذا و تغذیه و کنترل سلامت محصولات تولیدی در مبادی تولید و واردات، ضعف برنامه‌اجرایی و عملیاتی اثربخش و فراگیر برای توسعه کشت محصولات سالم و ارگانیک برخلاف تکلیف بند «ج» از ماده (۳۱) «قانون برنامه ششم توسعه» و عدم تدوین برنامه جامع ارتقای سلامت و ایمنی غذایی کشور برخلاف تکلیف ماده (۷) «آیین‌نامه اجرایی شورای عالی سلامت و امنیت غذایی» مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی، باعث بروز ایرادهای متعددی در تحقق ایمنی غذایی کشور شده است.

در سال ۲۰۲۱ اندکی بیش از هفت هزار هکتار (۰/۰۱۵ درصد) از اراضی کشاورزی ایران دارای گواهی ارگانیک و در حال گذار بوده که از لحاظ سطح زیرکشت رتبه ۹۹ و از لحاظ سهم از کل اراضی کشاورزی رتبه ۱۵۱ را در بین کشورهای جهان دارد. نکته قابل تأمل در این زمینه، کاهش ۸۴ درصدی سطح زیرکشت اراضی کشاورزی دارای گواهی ارگانیک و در حال گذار ظرف یک دهه گذشته است.

اساسی زراعی از کل سطح زیرکشت محصولات اساسی ظرف ۲۰، ۱۰ و ۴۰ سال آینده (سال‌های ۱۴۱۲، ۱۴۲۲ و ۱۴۴۲) به ترتیب ۰/۵۸، ۱/۱۶ و ۲/۳۲ درصد کاهش خواهد یافت و این موضوع زنگ خطری برای سیاستگذاران به دلیل بروز تهدید برای خودکفایی در محصولات راهبردی است.

وضعیت ایمنی غذایی و انطباق با سبب غذایی ایرانی-اسلامی

عدم آگاهی مناسب بسیاری از کشاورزان نسبت به میزان و زمان صحیح مصرف سموم و برداشت محصولات، موجب ایجاد باقیمانده سموم در برخی محصولات کشاورزی شده است. عوامل و دلایل دیگری همچون نبود یکپارچگی سازمانی در نظارت بر سلامت در بخش کشاورزی؛



مأخذ: بانک مرکزی، ۱۳۹۹.

چالش‌های سرمایه‌گذاری در ایران از منظر اقتصاد کلان

منصور عسگری

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

نظر گرفتن نقش سازمان جهانی تجارت در تحولات اقتصاد بین‌الملل تغییر داده‌اند تا در صورت عضویت و فعالیت در این محیط، آمادگی برخورد با تبعات منفی و استفاده از موقعیت‌های به دست آمده را داشته باشند.

۲) سیاست‌ارزی

پیشینه تاریخی بخش خارجی اقتصاد حاکی از این واقعیت است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نظام حاکم بر بخش ارزی کشور، نظام نرخ ارز ثابت بوده که بر اساس مقتضیات زمان و با توجه به توانمندی‌های مالی خارجی، نرخ اسعار از سوی دولتمردان تنظیم و تعیین شده است. در میان عواملی چون محرک و ماندن واحدهای تولیدی از نقدینگی مورد نیاز، بالا بودن نرخ سود تسهیلات، فشارهای مالیاتی و قوانین و مقررات مزاحم تولید که قیمت تمام‌شده کالاهای تولیدی را در مقایسه با اقلام مشابه خارجی بالا می‌برند و قدرت رقابت تولیدکنندگان ما را نه تنها در بازارهای جهانی بلکه در بازار داخلی نیز از بین می‌برند، سیاست تثبیت نرخ ارز اثرات مهلکی بر تولید ملی و موازنه پرداخت‌های بازرگانی خارجی کشور داشته است. البته ذکر این نکته لازم است که تاکید صرف بر سیاست افزایش نرخ اسمی ارز، به تنهایی نمی‌تواند مشکل سرمایه‌گذاری را حل کند و به افزایش این متغیر بینجامد؛ چه بسا ممکن است جواب عکس دهد، زیرا موضوع نرخ ارز، مقوله‌ای چندبعدی است و باید در قالب یک بسته سیاستی و همراه با دیگر سیاست‌های حمایتی مورد توجه قرار گیرد.

۳) سیاست مالی

سیاست مالی یکی از نقاط تلاقی سیاست و اقتصاد است، زیرا سیاست نقش بسیار مهمی در تعیین هدف یا هدف‌های سیاست مالی دارد. زمانی که دولت درگیر مسائل اجتماعی و پیامدهای سیاسی ناشی از آن مسائل باشد راهی را انتخاب می‌کند که به حل یا تخفیف آنها منتهی شود. با توجه به ساختار بودجه ایران و دو مشخصه آسیب‌پذیر بودن درآمدها و چسبندگی هزینه‌ها، باطیف گسترده‌ای از وظایف دولت طی سال‌های گذشته رویه‌رو بوده و وجود کسری بودجه و نحوه تامین مالی آن (به طور عمده با روش انتشار پول) یکی از مشکلات اصلی بودجه دولت به شمار می‌آید. افزایش مخارج حقیقی دولت و تامین منابع مالی مورد نیاز به روش انتشار پول، با آثار تورمی و کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی همراه بوده است. تجربه اقتصادهای صنعتی و آسیای شرقی نیز نشان می‌دهد هزینه‌های مصرفی دولت تاثیر منفی در رشد داشته است. در حالی که هزینه‌های سرمایه‌گذاری دولت، به ویژه سرمایه‌گذاری

امروزه توسعه و رشد اقتصادی، دغدغه همه کشورها بوده و تمام کشورها به دنبال راهی هستند تا بتوانند به رشد اقتصادی دست یابند که این موضوع و با توجه به محدودیت منابع و رقابت برای به دست آوردن آنها هر روز سخت‌تر می‌شود. تقریباً در طول تاریخ علم اقتصاد، سرمایه‌گذاری به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی جایگاه ویژه‌ای داشته که شناسایی عوامل موثر بر آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. می‌توان ادعا کرد که در تمام بخش‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری نقشی حیاتی در رشد و توسعه آنها دارد که در این رابطه تجزیه و تحلیل چالش‌های مهم سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران از منظر اقتصاد کلان دارای اهمیت است.

۱) سیاست‌های تجاری

سیاست تجاری بیان‌کننده راهبرد اساسی دولت در مورد بازرگانی خارجی است. این سیاست در تنظیم جریان تجارت و تخصیص منابع در اقتصاد نقش مهمی دارد. در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، طی نیم قرن اخیر، در تدوین برنامه‌های عمرانی و برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی، راهبرد توسعه صنعتی با رویکردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات مورد توجه قرار گرفته است. در حال حاضر بسیاری از کشورها، جهت‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود را با در

در امر آموزش و ارتباطات، با اثر مثبت همراه بوده است.

۴) سیاست‌های پولی

سیاست‌های پولی نوعاً مشتمل بر سیاست‌های مربوط به تغییر و کنترل حجم پول، تغییر در ساختار و نرخ سود (بهره)، تغییر در شرایط اعطای اعتبار و تسهیلات داخلی، تغییر در شرایط اخذ وام و تسهیلات خارجی و تغییر در رفتار بانک مرکزی و بانک‌های تجاری (سپرده‌ها، اوراق) است. این سیاست‌ها در کنار سیاست مالی و سیاست‌های ارزی، وضع پیچیده‌ای را برای تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و دولت‌ها و سازمان‌های جهانی ایجاد کرده است. در سال‌های اخیر موضوع تثبیت قیمت‌ها (یک نرخ تورم پایین و باثبات) به عنوان اصلی‌ترین هدف سیاست پولی مورد توجه قرار گرفته است. صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند ثبات قیمت‌ها از رشد بی‌رویه فعالیت‌های واسطه‌گری مالی می‌کاهد، با کاهش نااطمینانی درباره آینده قیمت‌ها، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را تقویت و از طریق افزایش کارایی منابع موجبات رشد اقتصادی بالاتر را فراهم می‌کند.

۵) دولتی‌سازی یا دولتی بودن صنایع

در نیمه نخست قرن بیستم میلادی، گرایش بسیار شدیدی در میان کشورهای توسعه‌یافته آن زمان برای دولتی کردن یا تحت مقررات درآوردن صنایع زیرساختی پدیدار شد. فعالیت‌هایی که شکل‌گیری و گسترش آنها مرهون ابتکار، ریسک‌پذیری و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این صنایع بود، به یکباره شکل انحصارات دولتی یا غیردولتی تنظیم شده توسط مقامات دولتی را به خود گرفتند. دولتی کردن یا تحت مقررات درآوردن صنایع زیرساختی در شرایطی است که بنگاه‌های زیادی در این صنایع مشغول فعالیت بوده‌اند.

۶) نامساعد بودن فضای کسب و کار

بررسی شاخص‌های ده‌گانه محیط کسب و کار در ایران گویای این مطلب است که در سال‌های اخیر محیط کسب و کار برای

رشد و توسعه اقتصادی به شدت بازدارنده بوده است. مشکلات نهادی و قانونی، نهادهای بازار کار، بازار سرمایه، سیاست‌های پولی و مالی و غیره از جمله مصادیق بازدارندگی فضای کسب و کار کشور محسوب می‌شوند. اشکالات موجود در سیاست‌گذاری اقتصاد کلان از جمله نظام بانکی، مالی، پولی، ارزی و اعتباری همراه با محیط نامناسب حقوقی از قبیل روابط کار (قانون کار و بیمه)، مالیات‌ها، سیاست‌ها در قبال سرمایه‌گذاری خارجی، مالکیت معنوی، عدم ثبات در قوانین و مقررات، بی‌ثباتی در نظام تعرفه‌ها و... موجبات نامساعدی فضای کسب و کار را بیش از پیش فراهم کرده‌اند و سرمایه‌گذاری را تحت تاثیر قرار داده‌اند.

۷) قاچاق و نقش آن در سرمایه‌گذاری

قاچاق کالا، بازرگانی غیرقانونی است که وقتی در مقیاس وسیع انجام می‌شود، اثرات اختلالی زیادی بر متغیرهای اقتصادی کشور دارند. این معاملات از یک سو درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت را کاهش می‌دهند و از سوی دیگر، امکان کنترل استانداردهای تولید کالا را از بین می‌برند. به طور کلی، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های واردات و صادرات کالا و تفاوت قیمت کالا در بازار داخلی و سایر کشورها، زمینه اصلی بروز قاچاق کالا را فراهم می‌کند.

۸) دامپینگ در سرمایه‌گذاری

قیمت‌شکنی زمانی رخ می‌دهد که محصولات مشابه توسط یک بنگاه در بازار صادراتی به قیمتی کمتر از قیمت داخلی به فروش برسد. در واقع، قیمت‌شکنی ممکن است زمانی رخ دهد که قیمت صادراتی محصول کمتر از کل هزینه‌های متوسط یا هزینه‌های نهایی باشد. در زمینه آثار زیان‌بار دامپینگ بر اقتصاد بین‌المللی باید گفت که اولاً موجب می‌شود منابع تولید از رشته‌های مطلوب یادارای مزیت نسبی منحرف شود و تخصیص بهینه منابع انجام نشود، ثانیاً به تدریج سیاست گمرکی و انحصار، جانشین تجارت آزاد می‌شود.

۹) سرمایه‌گذاری خارجی

امروزه جذب سرمایه‌های خارجی برای ایجاد شتاب در روند صنعتی شدن از موضوع‌های مهم در استراتژی صنعتی است. همچنین ارتباطات مالی و تجاری میان کشورها به یکی از واقعیت‌های اقتصاد جهانی تبدیل شده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از ابزارهای موثر در زمینه تأمین سرمایه بلندمدت و باثبات، عرضه فناوری‌های مدرن در قالب تحقیق و توسعه، زمینه‌ساز ابداعات و نوآوری‌های جدید، تغییر در الگوی مصرف، تولید یا توزیع و غیره، امکان فراهم شدن دسترسی به بازارهای صادراتی برای کالاها و خدمات برای تمرکز از بازارهای داخلی به بازارهای بین‌المللی و بهنگام شدن فنون مدیریتی و سرریز شدن نیروهای انسانی با مهارت‌های پیشرفته و دانش دسترسی به بازارهای جهانی است که می‌تواند بقای صنایع و ادامه روند تولید آنها را در قالب رقابت شدید بین‌المللی تضمین کند.

۱۰) تحریم و سرمایه‌گذاری

آثار تحریم در این بخش عمدتاً در قالب خودداری از فروش مواد اولیه، تجهیزات و ماشین‌آلات خارجی مورد نیاز، عدم خرید کالاها و صادراتی، ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی ساخت داخل و جلوگیری از فعالیت شرکت‌های ایرانی یا وابسته به ایران در خارج از کشور نمایان می‌شود. عدم فروش مواد اولیه، تجهیزات و ماشین‌آلات به ایجاد بازار سیاه و افزایش قیمت این مواد و قیمت تمام‌شده محصولات تولیدی وابسته به آنها دامن زده و در بدترین حالت به کاهش (غیرفعال شدن) یا عدم تولید محصولات وابسته به آنها (تعطیلی صنایع مصرف‌کننده این مواد) می‌انجامد. کاملاً محتمل است که عمده‌ترین آثار تحریم بر صنایع ایران از طریق بخش حقیقی اقتصاد طی سال‌های اخیر به عدم دسترسی صنایع به مواد اولیه، تجهیزات و ماشین‌آلات یا دسترسی با قیمتی چند برابر قیمت اصلی آنهاست که در نهایت به افزایش قیمت تمام‌شده و کاهش سرمایه‌گذاری منجر شده است.

۱۱) بازده بازارهای دارایی

یکی از علل کاهش سرمایه‌گذاری در بخش مولد اقتصاد مربوط به ساختار بازدهی بازارهای موازی بخش‌های تولیدی در اقتصاد کشور است، به این صورت که به طور معمول فعالیت‌های مولد اقتصادی دارای ریسک بالا و بازدهی پایین است و قادر به رقابت با بازارهای موازی مانند بازارهای مسکن، طلا، ارز و سهام در جذب سرمایه نیستند. به همین دلیل در کشور در سال‌های اخیر سرمایه از بخش مولد خارج شد و به بازارهای مذکور انتقال یافت.

۱۲) وضعیت نامطلوب رقابت پذیری

صنعتی صنایع کشور

رقابت‌پذیری بخش صنعت متکی بر سه رکن اصلی عوامل تولید، استانداردها و هزینه‌هاست. از منظر مجمع جهانی اقتصاد این سه رکن تعیین‌کننده توان رقابت‌پذیری صنعتی اقتصاد است. با این حال، در بسیاری موارد مشاهده می‌شود که رکن سوم یعنی «هزینه‌ها» بیشتر مورد تاکید قرار می‌گیرند و کشورها زمانی به لحاظ صنعتی رقابت‌پذیرتر در نظر گرفته می‌شوند که با هزینه‌های تولیدی پایین‌تر عمل کنند. لذا هر زمان که کشورها نسبت به تلاش مستمر در پایین نگه داشتن هزینه‌های تولیدات صنعتی خود غفلت ورزیده‌اند، نقشه هزینه‌های تولید صنعتی دچار تغییر شده است. این امر نشان می‌دهد صنایع ایران عمدتاً به علت بهره‌وری پایین نیروی کار، هزینه‌های بالای انرژی و جهش‌های نرخ‌های ارز قادر به رقابت با هم‌تایان خارجی خود نیستند.

۱۳) ریسک سرمایه‌گذاری

ریسک سرمایه‌گذاری منعکس‌کننده افزایش خطرات اقتصادی و سیاسی کشور برای سرمایه‌گذاران بخش‌های مولد به ویژه سرمایه‌گذاران خارجی طی دوره مشخص است. در واقع میزان سرمایه‌گذاری خارجی یکی از موضوعاتی است که تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر شاخص ریسک‌پذیری کشورها دارد. در دهه‌های گذشته، به رغم اینکه جریان «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» در جهان رشد چشمگیری را



تجربه کرده است، سهم اندکی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی به ایران اختصاص یافته بود. علاوه بر این دقت در آمارهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان می‌دهد همین سهم اندک نیز به طور نامتعادل در سطوح بخش‌های استانی توزیع و این امر توسعه‌نیافتگی بعضی از مناطق مختلف کشور را موجب شده است.

۱۴) رکود و کمبود فقدان تقاضای موثر

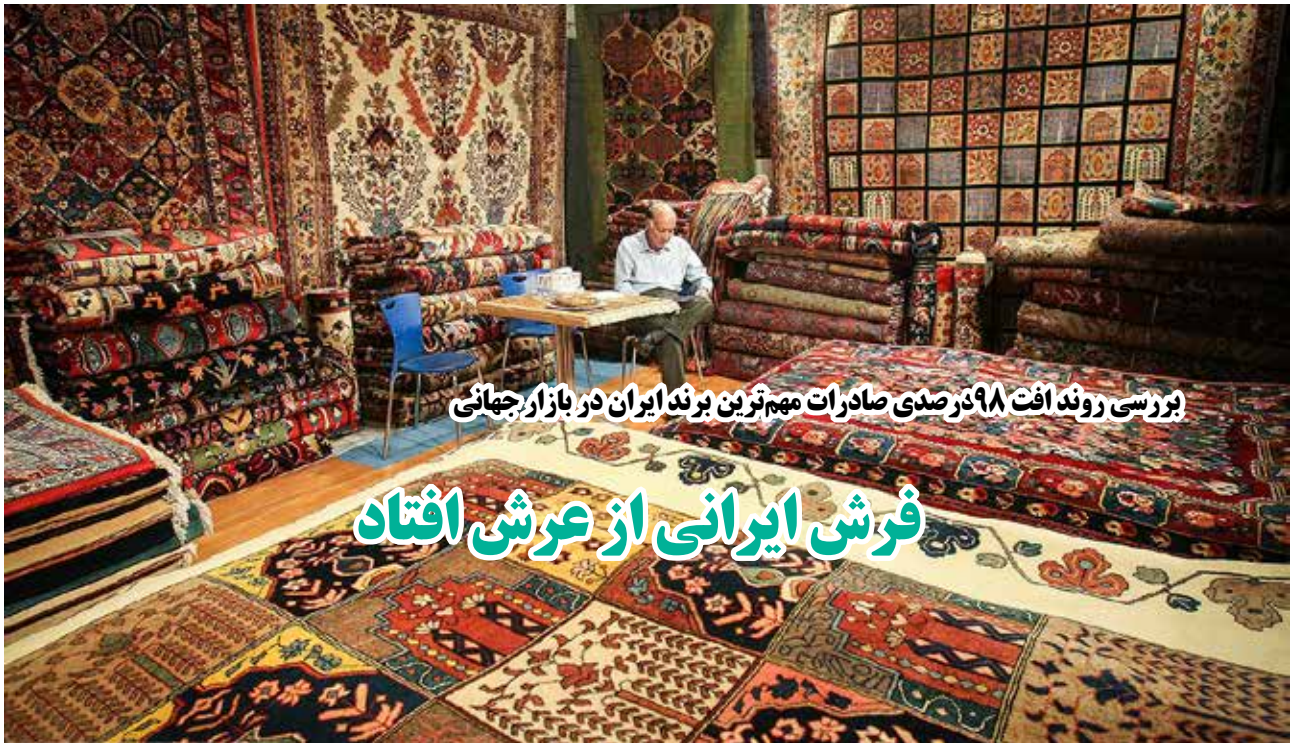
محدودیت‌های بازار فروش کالا و وضعیت رکودی ناشی از کاهش تقاضا و نیز افزایش هزینه‌های تولید ناشی از شوک‌های ارزی از عمده‌ترین علل کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در کشور بوده است. در واقع امکان بازگشت سرمایه‌گذاری از محل فروش کالا با توجه به شرایط ذکر شده محدود می‌شود و در نتیجه تقاضا برای سرمایه‌گذاری نیز کاهش می‌یابد. روند افزایشی نسبت موجودی انبار ناشی از عدم فروش کالا برای فعالیت‌های صنعتی در بورس خود گواه این موضوع است.

۱۵) بالا بودن هزینه تامین مالی سرمایه‌گذاری

متوسط نرخ سود تسهیلات عقود مبادله‌ای و عقود مشارکتی به قیمت‌های اسمی در دوره ۹۸-۱۳۸۴ روندی افزایشی داشته است، به طوری که از ۱۶ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۲۲/۵ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. این امر به معنای افزایش هزینه‌های مالی بخش تولیدی است. نرخ سود حقیقی تسهیلات بانکی نوسانات شدیدی در دوره مذکور تجربه کرده و در اغلب سال‌ها مقدار آن بسیار پایین و منفی بوده است. پایین بودن نرخ سود حقیقی، تقاضای سرمایه‌گذاری صنعتی و بالطبع انحراف بهینه تسهیلات بانکی را افزایش داده است.

۱۶) ساختار دو قطبی بخش صنعتی و حاکمیت انحصارات

به طور کلی صنایع موجود در کشور شامل صنایع بزرگ و کوچک هستند و تعداد صنایع متوسط محدود است، به طوری که بنگاه‌های کوچک نمی‌توانند برای توسعه خود از طریق سرمایه‌گذاری وارد مشارکت با آنها شوند. در کشورهایی توسعه یافته سهم بنگاه‌های متوسط برابر یا بیش از بنگاه‌های کوچک بوده و بنگاه‌های کوچک نیز از سهم قابل توجهی برخوردار هستند. این وضعیت بیانگر حاکمیت شرایط انحصاری و شبه انحصاری در بسیاری از صنایع ایران است، با توجه به اینکه این تعداد از بنگاه‌ها مربوط به صنایع مختلف هستند.



بررسی روند افت ۹۸ درصدی صادرات مهم‌ترین برند ایران در بازار جهانی

فرش ایرانی از عرش افتاد

فرش قرن‌هاست که در جهان به عنوان نماد تولید با کیفیت ایرانی شناخته می‌شود. با این وجود، این بخش حال و روز خوبی ندارد. در سال ۷۳ صادرات فرش ایرانی ۲ میلیارد و ۱۱۲ میلیون دلار، معادل ۴۵ درصد صادرات غیر نفتی ایران بوده، اما در سال ۱۴۰۱، تنها ۵۰۷ میلیون دلار فرش ایرانی به دیگر کشورها صادر شده است. فعالان بخش خصوصی در همایش توسعه تجارت فرش دستباف و صنایع دستی در اتاق ایران به بررسی چالش‌های این صنعت پرداخته‌اند. اعمال تحریم‌های سازمان ملل، اولین شوک جدی به صادرات فرش ایران را وارد کرد، پس از سال ۹۱، صادرات فرش ایرانی پیوسته کاهش یافته است.

جسم این صنعت کهن روز به روز در حال نحیف‌تر شدن است. در سال ۱۴۰۱، صادرات فرش ایران به ۵۰۷ میلیون دلار رسید؛ رقمی که ۷۸ درصد کاهش نسبت به سال ۹۷ و نزدیک به ۹۸ درصد کاهش (به قیمت جاری) نسبت به سال ۷۳ را نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن اینکه اکثر خانوارهای ایرانی، توان مالی لازم جهت خرید فرش دستباف را ندارند، این افت شدید در صادرات می‌تواند پایانی تلخ بر یک صنعت چند صدساله باشد.

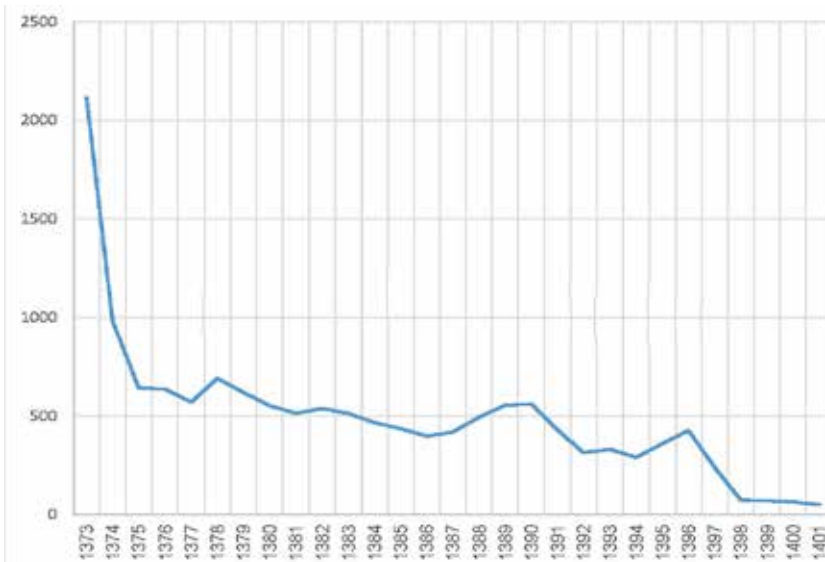
روایت زوال

برای اینکه تصویر دقیق‌تری از ضربه سهمگینی که به صنعت فرش ایرانی وارد شده داشته باشیم، باید ۱۹ سال به عقب برگردیم؛ به سال ۱۳۷۳ زمانی که ایران مجموعاً کمتر از ۵ میلیارد دلار کالای غیر نفتی به دیگر کشورها صادر کرد. در این سال صادرات فرش ایرانی، ۲ میلیارد و ۱۱۲ میلیون دلار محاسبه شد. سهم ۴۴ درصدی فرش از صادرات غیر نفتی در این سال، به روشنی اهمیت این کالا در ارزیابی برای کشور را نشان می‌دهد.

با در نظر گرفتن تورم آمریکا صادرات فرش در سال ۷۳ تقریباً معادل ۴۰۵ میلیارد دلار در زمان فعلی بوده است. اگر فرض کنیم در سال گذشته همین میزان ۴۰۵ میلیارد دلاری فرش صادر می‌شد، صادرات فرش رقمی معادل ۶۷ درصد کل صادرات صنعتی و ۱۳۰ درصد صادرات کشاورزی در سال ۱۴۰۱ بود. تراژدی اینجاست که این اتفاق محقق نشده و از ۱۹ سال قبل تاکنون صادرات فرش پیوسته در حال کاهش بوده است. در سال ۷۴ میزان صادرات فرش ایرانی ۹۸۱ میلیون دلار محاسبه شده که با توجه به ارزش صادرات غیر نفتی ایران همچنان رقم قابل توجهی محسوب می‌شود. پس از سال ۷۴، صادرات فرش ایران به مدت ۱۰ سال همواره رقمی بالاتر از ۵۰۰ میلیون دلار را ثبت کرده است. به عنوان مثال در سال ۸۲،

سال‌هاست که حضور ایران در رسانه‌های خارجی مرتبط با مسائل سیاسی و امنیتی است و احتمالاً افکار عمومی جهان ایران را با تصاویر منتشر شده در این رسانه‌ها به یاد خواهند آورد. در گذشته‌ای نه چندان دور اما، نام ایران مترادف بود با یک محصول صادراتی که هم هنر و هم کیفیت تولید ایرانی را در جهان به نمایش می‌گذاشت؛ فرش ایرانی یا پرشین کارپت. آوازه چند صدساله فرش ایرانی باعث شده بود که نمونه کار بافندگان ایرانی نه تنها در خانه‌های شهروندان بسیاری از کشورهای دیده شود، بلکه بسیاری از مراکز سیاسی و فرهنگی در سرتاسر جهان به این هنر ایرانی آراسته باشند.

حضور فرش ایرانی در جهان دو مزیت عمده دارد. اول اینکه فرش دستباف به عنوان نماد کیفیت تولید ایران در جهان شناخته می‌شود و دوم اینکه هنر و فرهنگ ایران را به شهروندان جهانی معرفی می‌کند. با وجود تمام مزیت‌های صادرات فرش دستباف،



خواهد شد که در نتیجه بافندگان آسیب جدی خواهند دید. طبق آمارهای وزارت صمت بخش عمده‌ای از زنجیره اشتغال ۲ میلیون نفری فرش دستباف در سراسر کشور را بافندگان تشکیل می‌دهند که در دوران رکود بخش کوچک‌تری جذب این بازار می‌شوند و هرچه از میزان اشتغال در این حوزه و فعالیت بافندگان در این عرصه کاسته شود، میزان مهاجرت به حاشیه شهرها و آسیب‌های اجتماعی، تغییر بافت و فساد افزایش می‌یابد و تبعات این رخداد، سبب ایجاد چالش‌های جدی در حوزه امنیت کشور خواهد شد.

با توجه به جمعیت ۲۴٫۶ میلیون نفری افراد شاغل در کشور زنجیره اشتغال ۲ میلیون نفری در صنعت فرش، می‌تواند رقمی در حدود ۸ درصد مشاغل را در کشور شامل شود، اما این تنها مزیت این صنعت نیست. با توجه به کاربرد بودن صنعت فرش هزینه اشتغال‌زایی در این بخش در مقایسه با صنایع دیگر بسیار پایین است. بر اساس مطالعات انجام شده، ایجاد یک شغل در صنعت فرش نزدیک به ۶ درصد ایجاد شغل در صنعت اتومبیل هزینه ایجاد می‌کند. همچنین برای اشتغال‌زایی در صنعت فرش نیاز به سرمایه‌گذاری گسترده دولتی نیست؛ در واقع اشتغال‌زایی در صنعت فرش کاملاً مردم‌بنیان است. همان‌طور که مشخص است هزینه اندک در صنعت فرش بازدهی بالایی دارد، اما آنچه نشان‌دهنده موقعیت خاص این صنعت در ارزآوری برای کشور است؛ پایین‌ترین عملکرد صادرات فرش قبل از تحریم‌ها از بسیاری از صنایع، ارزآوری بیشتری برای کشور داشته است.

علاوه بر این مشتریان فرش ایرانی عمدتاً کشورهای ثروتمند هستند. در سال‌های قبل از تحریم، آلمان، ایالات متحده، ژاپن و امارات از مشتریان اصلی فرش ایرانی بودند، در نتیجه کشتش لازم برای تقاضای فرش ایرانی در این کشورها وجود دارد. همه این آمارها لزوم بازنگری در سیاست‌های مرتبط با فرش دستباف و اهمیت تحریک تولید در این بخش را نشان می‌دهد، با این وجود تحریم‌ها علیه ایران و برخی از مقررات داخلی دو محوری است که صادرات فرش ایرانی را با بحران مواجه کرده است. لازم است مسوولان اهمیت توسعه صنعت فرش در ارزآوری، اشتغال و حتی رشد صنعت توریسم را درک کرده و تلاش کنند تا با رفع موانع تولید و صادرات کمک کنند فرش ایرانی به جایگاه تاریخی خود بازگردد.

روح ایرانی در تار و پود فرش

وقتی فرش ایرانی از مرز کشور خارج می‌شود، هم سفیر ایران است و هم تبدیل به کالایی تجملی می‌شود. راهی که سال‌ها بخشی مهم از درآمد مردم ایران بود اما به ظاهر دیگر نیست. بازرگانان ایرانی، این بار به دعوت کمیسیون فرش و صنایع دستی اتاق ایران گردهم آمدند تا این مشکلات فلج‌کننده برای صادرات فرش ایرانی را بررسی کنند؛ بازاری صادراتی که زمانی نه‌چندان دور نزدیک به نیمی از صادرات غیرنفتی ایران را تشکیل می‌داد اما اکنون کم‌کم به صفر

ایران ۵۳۹ میلیون دلار صادرات فرش داشته که رقمی معادل ۹ درصد صادرات غیرنفتی ۵ میلیارد و ۹۷۲ میلیون دلاری در این سال است، بنابراین در دهه ۸۰ شمسی، صادرات فرش همچنان یکی از ارکان مهم تامین ارز کشور محسوب می‌شده است. اعمال تحریم‌های سازمان ملل، اولین شوک جدی به صادرات فرش ایران را وارد کرد، پس از سال ۹۱، صادرات فرش ایرانی پیوسته کاهش یافت و در سال ۹۴ به پایین‌ترین میزان خود به قیمت جاری رسید. در این سال ایران تنها ۲۹۰ میلیون دلار فرش صادر کرده است. گرچه برجام کورسوی امیدی را برای صادرکنندگان ایرانی روشن کرد، اما این وضعیت دوام نداشت و پس از خارج شدن رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده از برجام، زنگ هشدار برای صادرات فرش به صدا درآمد. در حالی که در بازه سال‌های ۸۶ تا ۹۶، میانگین صادرات فرش در حدود ۴۱۶ میلیون دلار بود، از سال ۹۸، میزان صادرات فرش همواره کمتر از ۷۳ میلیون دلار بوده و در سال گذشته به پایین‌ترین رقم خود یعنی ۵۰٫۷ میلیون دلار رسیده است. رقمی که به هیچ‌وجه با سابقه تاریخی این صنعت در ایران و پتانسیل‌های بافندگان هنرمند ایرانی تناسب ندارد.

چرا صادرات فرش مهم است؟

اهمیت صنعت فرش تنها مربوط به محافظت از هنری به قدمت چند ده قرن نیست، بلکه توسعه این صنعت می‌تواند بر رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری اثرگذار باشد.

بر اساس داده‌های کمیسیون فرش، هنر و صنایع دستی اتاق بازرگانی ایران، اشتغال‌زایی بی‌بدیلی که صنعت فرش برای روستاییان و عشایر ایجاد می‌کند (به‌عنوان شغل مکمل) موجب ایجاد ارزش افزوده در خانواده‌های آنها می‌شود و هیچ اشتغال‌زایی پایدار دیگری در کشور نمی‌تواند با آن رقابت کند. کم‌توجهی دولت‌ها به حمایت از این محصول استراتژیک در دهه‌های اخیر موجب از دست رفتن بخش قابل توجه بازارهای جهانی شده و طبیعتاً در فروش جهانی، موجب رکود در سفارش و تولید

میل می‌کند.

در این همایش سیدمرتضی حاجی آقامیری، رئیس کمیسیون فرش و صنایع دستی اتاق ایران گفت: این کمیسیون تازه تاسیس است و این درحالی است که اقتصاد هنر ظرفیت بسیار زیادی دارد، اشتغال گسترده ایجاد می‌کند و زمانی ۴۴ درصد ارزآوری کشور را از آن خود داشته‌است، از همین رو در ابتدای دوره دهم ایده تشکیل این کمیسیون مطرح و این کمیسیون تاسیس شد.

آقامیری ادامه داد: در مدت ۷ ماهی که از عمر کمیسیون گذشته سعی کردیم با شبکه‌سازی در کشور در این بخش، مسائل آن را در راس مسائل این زیست‌بوم و اتاق‌های بازرگانی کشور قرار دهیم. او هدف فعالیت این کمیسیون را رسیدن به قله‌های صادراتی تشریح کرد و دستاورد پیگیری‌های این کمیسیون را از جمله به نتیجه رسیدن فشار برای حذف بندی در برنامه توسعه هفتم رانسانه‌ای از پویایی این کمیسیون خواند.

در بخش دیگری از این مراسم پیام باقری، عضو هیات رئیسه اتاق ایران و ناظر راهبردی امور کمیسیون‌های اتاق ایران با بیان اینکه روح ایرانی در تمام تاروپود این هنر تنیده شده‌است ادامه داد: صنعت و تجارت فرش و صنایع دستی تلاشی آمیخته با ذوق است، هر کشوری به نمادی شهره است و فرش؛ شناسنامه ایران و ایرانی است. او در ادامه به ذکر آماري پرداخت و تصریح کرد: از میان ۴۰۰ رشته صنایع دستی ثبت شده در دنیا ۲۹۹ تادر ایران وجود دارد؛ همچنین نرخ اشتغال این بخش بسیار بالا است و صادرات آن امسال ۲۲۴ میلیون دلار بوده که در نوع خود قابل توجه است.

او اهمیت اقتصادی این بخش را در خلق ارزش افزوده خواند و تولید ثروت و ایجاد اشتغال برای مردم در جای جای ایران را از مزایای آن دانست. نایب رئیس اتاق ایران با اعلام اینکه در سال ۷۴، صادرات غیرنفتی ایران بیش از ۲ میلیارد دلار در سال بوده‌است به ۲ شاخص مهم اشاره کرد و آن را یکی مهارت‌گرایی و دیگری نگاه دوجانبه این صنعت و هنر به داخل و خارج به شکل هم‌زمان توصیف کرد. باقری اولین



قدم را برای کار پیشرفت صادراتی شناساندن فرهنگی این هنر خواند؛ سپس با اشاره به وضعیت اقتصادی کنونی کشور لزوم تغییر مسیر به سوی زنجیره‌های ارزش آفرین را پیشنهاد و تاکید کرد: موانع صادراتی، از جمله نقل و انتقال مالی و دیگر، رفع تعهد ارزی دو مانع بزرگ صادرات این بخش است.

به گفته باقری در مقابل باید برای فعالان این بخش مشوق در نظر گرفته شود. او با اعلام درک اهمیت این مساله در دوره دهم گفت: حرکت بسیار خوب شبکه‌سازی که از سوی اتاق در حال توسعه است، جای تقدیر دارد، همچنین باید به بحث آموزش و بازاریابی در این حوزه نیز دقت کنیم. علانور توکلی، رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش ایران در سخنان خود در ددل‌های موجود فعالان را زیاد دانست، اما گفت اکنون باید از لزوم نوآوری در این بخش سخن گفته شود. او با تعریف مختصر نوآوری عنوان کرد: پیش‌زمینه نوآوری، نخست ورود به کار و مواجهه با رقبا است.

توکلی نمونه موفقیت نوآوری در طرح‌های فرش تبریز و قم رانسانه‌درستی این سخن خود دانست و ادامه داد: پس از نوآوری، بحث بازاریابی و سپس تولید انبوه گام‌های بعدی است. به گفته او تغییرات باید چشمگیر باشد تا بتواند ضامن موفقیت باشد. توکلی اهمیت دادن به بسته‌بندی را مهم ارزیابی کرد و از باقی ماندن در شکل عدل‌بندی سنتی انتقاد و به لزوم تغییر و نوآوری در ساختار مدیریتی این صنعت تاکید کرد. اما حسین سلاح‌ورزی، رئیس اتاق ایران در سخنان خود تقارن این همایش با ایام منتهی به روز زن را به فال نیک گرفت و گفت: چند نکته از سخنان دوستان یاد گرفتیم؛ در همین چند دقیقه با یک جست‌وجوی کوتاه می‌شود فهمید ما آمار قابل‌اتکایی در این زمینه نداریم، در حالی که در ۵۰ سال اخیر و از جمله در دوران جنگ این بخش‌ها ارزش‌ترین بخش‌های کشور بودند و نقش آنها از حیث اشتغال به ویژه در روستاها اهمیت دارد.

او اضافه کرد: برخلاف ارزآوری فراوان گذشته در بخش صنایع دستی و هنر امروز، در سیر نزولی به حضيض صادرات این بخش رسیده‌ایم. سلاح‌ورزی وجود برخی مسائل مانند تحریم‌ها را قابل قبول دانست، اما وقتی به فرائن نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که تراز ۱۲ میلیارد دلاری منفی که به ۱۷ میلیارد دلار خواهد رسید بر اثر مسیر نادرست سیاست‌گذاری است و مهم‌تر از هر سیاستی، سیاست تعهد ارزی است. /دنیای اقتصاد

<p>۴</p> <p>نام خانواده مارس</p> <p>میزان ثروت ۱۴۱/۹ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت MARS</p>	 <p>حوزه فعالیت شکلات سازی و مراقبت از حیوانات خانگی</p> <p>محل زندگی آمریکا</p>	<p>۳</p> <p>نام خانواده هرمس</p> <p>میزان ثروت ۱۵۰/۹ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت HERMÈS</p>	 <p>حوزه فعالیت کالاهای لوکس</p> <p>محل زندگی فرانسه</p>	<p>۲</p> <p>نام خانواده والتون</p> <p>میزان ثروت ۲۵۹/۷ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت Walmart</p>	 <p>حوزه فعالیت صنعت خرده فروشی</p> <p>محل زندگی آمریکا</p>	<p>۱</p> <p>نام خانواده آل نهیان</p> <p>میزان ثروت ۳۰۵ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت -</p>	 <p>حوزه فعالیت صنعت نفت و صنایع مختلف</p> <p>محل زندگی امارات</p>
--	--	--	--	---	--	--	--

<p>۸</p> <p>نام خانواده آمبیانی</p> <p>میزان ثروت ۸۹/۹ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت Reliance Industries</p>	 <p>حوزه فعالیت پتروشیمی، مخابرات و خرده فروشی</p> <p>محل زندگی هند</p>	<p>۷</p> <p>نام خانواده آل سعود</p> <p>میزان ثروت ۱۱۲ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت -</p>	 <p>حوزه فعالیت صنعت نفت و صنایع مختلف</p> <p>محل زندگی عربستان</p>	<p>۶</p> <p>نام خانواده کوخ</p> <p>میزان ثروت ۱۲۷/۳ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت Koch</p>	 <p>حوزه فعالیت صنایع مختلف</p> <p>محل زندگی آمریکا</p>	<p>۵</p> <p>نام خانواده آل ثانی</p> <p>میزان ثروت ۱۳۳ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت -</p>	 <p>حوزه فعالیت صنعت نفت و صنایع مختلف</p> <p>محل زندگی قطر</p>
---	--	---	--	---	---	---	--

ثروتمندترین خانواده‌های جهان

<p>۱۲</p> <p>نام خانواده جانسون</p> <p>میزان ثروت ۵۵/۷ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت Fidelity Investments</p>	 <p>حوزه فعالیت سرمایه گذاری</p> <p>محل زندگی آمریکا</p>	<p>۱۱</p> <p>نام خانواده کارگیل</p> <p>میزان ثروت ۶۳/۳ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت Cargill Inc</p>	 <p>حوزه فعالیت صنایع مختلف</p> <p>محل زندگی آمریکا</p>	<p>۱۰</p> <p>نام خانواده تامسون</p> <p>میزان ثروت ۷۱/۱ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت THOMSON REUTERS</p>	 <p>حوزه فعالیت رسانه، خدمات مالی و حقوقی</p> <p>محل زندگی کانادا</p>	<p>۹</p> <p>نام خانواده ورتهايمر</p> <p>میزان ثروت ۸۹/۶ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت CHANEL</p>	 <p>حوزه فعالیت کالاهای لوکس</p> <p>محل زندگی فرانسه</p>
--	---	---	--	---	---	---	---

<p>۱۶</p> <p>نام خانواده پریزگر</p> <p>میزان ثروت ۴۶/۵ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت HYATT HOTELS</p>	 <p>حوزه فعالیت صنعت هتل داری</p> <p>محل زندگی آمریکا</p>	<p>۱۵</p> <p>نام خانواده آلبرشت</p> <p>میزان ثروت ۴۸/۴ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت ALDI</p>	 <p>حوزه فعالیت صنعت خرده فروشی</p> <p>محل زندگی آلمان</p>	<p>۱۴</p> <p>نام خانواده کواندت</p> <p>میزان ثروت ۴۹/۴ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت BMW</p>	 <p>حوزه فعالیت صنعت خودرو</p> <p>محل زندگی آلمان</p>	<p>۱۳</p> <p>نام خانواده بوهرینگر</p> <p>میزان ثروت ۵۱/۳ میلیارد دلار</p> <p>نام شرکت BOEHRINGER INGELHEIM</p>	 <p>حوزه فعالیت صنعت دارو</p> <p>محل زندگی آلمان</p>
--	--	--	---	---	---	--	---

MARS Walmart

KOCH HERMÈS PARIS

Reliance Industries Limited

CHANEL

THOMSON REUTERS

Cargill

Fidelity INVESTMENTS

Boehringer Ingelheim



HYATT

Anheuser-Busch



DJARUM

۱۷

نام خانواده
هافمن



میزان ثروت
۴۴/۸
میلیارد دلار

حوزه فعالیت
صنعت دارو

نام شرکت
Roche

محل زندگی
سوئیس

۱۹

نام خانواده
هارتوونو



میزان ثروت
۴۲/۱
میلیارد دلار

حوزه فعالیت
سرمایه گذاری

نام شرکت
DJARUM

محل زندگی
اندونزی

۱۸

نام خانواده
ون دام



میزان ثروت
۴۳/۵
میلیارد دلار

حوزه فعالیت
صنعت نوشیدنی

نام شرکت
ANHEUSER
BUSCH

محل زندگی
بلژیک

۲۲

نام خانواده
مالیز



میزان ثروت
۳۴/۳
میلیارد دلار

حوزه فعالیت
صنعت
خرده فروشی

نام شرکت
Auchan

محل زندگی
فرانسه

۲۱

نام خانواده
کاکس



میزان ثروت
۳۶
میلیارد دلار

حوزه فعالیت
ارتباطات
صنعت خودرو

نام شرکت
Cox
Enterprises

محل زندگی
آمریکا

۲۰

نام خانواده
داسو



میزان ثروت
۳۹/۲
میلیارد دلار

حوزه فعالیت
نرم افزار
حمل و نقل هوایی

نام شرکت
DASSAULT
SYSTEMES

محل زندگی
فرانسه

۲۵

نام خانواده
دانکن



میزان ثروت
۳۲
میلیارد دلار

حوزه فعالیت
صنایع مختلف

نام شرکت
Enterprise
Products

محل زندگی
آمریکا

۲۴

نام خانواده
ووک



میزان ثروت
۳۲/۵
میلیارد دلار

حوزه فعالیت
املاک

نام شرکت
Sun Hung Kai
Properties

محل زندگی
هنگ کنگ

۲۳

نام خانواده
فرو



میزان ثروت
۳۳/۵
میلیارد دلار

حوزه فعالیت
صنعت شکلات و
شیرینی

نام شرکت
Ferrero

محل زندگی
ایتالیا

فهرست ۲۰ ثروتمند جهان در پایان سال ۲۰۲۳

روز شنبه ۳۰ دسامبر، «برنارد آرنو» مدیرعامل شرکت فرانسوی «لویی ویتون» با ۱۷۹ میلیارد دلار در آنجا جا خوش کرده است. مدیرعامل لویی ویتون که ایلان ماسک را در سال ۲۰۲۲ از جایگاه اول کنار زده بود، با وجود اینکه شرکت لوکس فروشی اش دیگر با ارزش ترین شرکت اروپا نیست، اما باز هم شاهد افزایش ۱۴/۵ میلیارد دلاری دارایی خالص خود بود. عنوان ارزشمندترین شرکت اروپایی اکنون به شرکت داروسازی دانمارکی «نوو نوردیسک» تعلق دارد که داروهای ضد چاقی تولید می کند.

صعود از رتبه ششم به رتبه سوم

جف بزوس مدیرعامل شرکت آمازون با ثروت خالص ۱۷۷ میلیارد دلاری در رتبه سوم قرار دارد. دارایی او در سال پایان سال ۲۰۲۲ معادل ۱۰۷ میلیارد دلار بود و هم اکنون از رتبه ششم به رتبه سوم صعود کرده است. بزوس یکی از میلیاردرهایی است که از عملکرد عالی شرکت های فناوری بهره برده است. شرکت آمازون در ۹ ماهه اول سال جاری میلادی ۱۹/۸ میلیارد دلار درآمد خالص به دست آورد.

همچنان چهارم باقی می ماند

بیل گیتس، بنیانگذار شرکت مایکروسافت، همچنان در جایگاه چهارم قرار دارد؛ جایگاهی که او در دو سال گذشته همچنان حفظ کرده است. دارایی خالص او از ۱۰۹/۵ میلیارد دلار در سال گذشته به ۱۴۱ میلیارد دلار افزایش یافته است؛ ثروتی که او بارها گفته قصد دارد از به بنیادی که با همسر سابقش ملیندا گیتس ایجاد کرده است، وقف کند.

از مدیرعاملی مایکروسافت تا مالکیت تیم ورزشی

در جایگاه پنجم، استیو بالمر مدیرعامل سابق مایکروسافت قرار دارد که نسبت به سال گذشته چهار پله جهش پیدا کرده است. دارایی خالص او از ۸۶/۲ میلیارد دلار به ۱۳۱ میلیارد دلار افزایش یافته است.

بیشترین جهش در بین ۲۰ ثروتمند جهان

اما این مارک زاکربرگ بود که بیشترین جهش در بین ۲۰ نفر از ثروتمندترین افراد جهان را داشت. در سال ۲۰۲۲، او به دلیل سقوط شرکت «متا پلتفرم» در بازار سهام به رتبه بیست و پنجم سقوط کرد و شاهد کاهش ثروت خود تا مرز ۴۴/۸ میلیارد دلار بود. بعد از اینکه «متا پلتفرم» به عنوان شرکت مادر فیس بوک، اینستاگرام و واتس اپ توانست این بحران را پشت سر بگذارد، اکنون مارک زاکربرگ با ۱۲۸ میلیارد دلار در جایگاه ششم قرار دارد. در واقع علت این موضوع پاسخ مثبت بازار به تصمیم زاکربرگ برای سرمایه گذاری در متاورس بود.

سال ۲۰۲۳ سالی سود آور در حوزه هوش مصنوعی

اکثر ثروتمندترین انسان های جهان در سال ۲۰۲۲ شاهد سقوط ثروت خود بودند، اما سال ۲۰۲۳ سال خوبی برای میلیاردرها بود. ثروت این افراد عمدتاً به لطف عملکرد خوب بازار سهام شرکت های فناوری صدها میلیون دلار افزایش یافته است.

به گزارش یورونیوز براساس داده های به روزرسانی شده بلومبرگ تا تاریخ ۳۰ دسامبر، در جمع ۲۰ نفر اول ثروتمندترین جهان در سال جاری همگی به جز یک نفر بارشد ثروت مواجه بودند. در این فهرست ثروتمندترین زن جهان و یک خواهر و دو برادر نیز دیده می شود.

ایلان ماسک به جایگاه خود بازگشت

بزرگ ترین تغییر امسال نسبت به سال گذشته این است که ایلان ماسک عنوان خود را به عنوان ثروتمندترین فرد جهان پس گرفته است. بنیانگذار شرکت خودروسازی «تسلا» و شرکت فضایی «اسپیس ایکس» در سال ۲۰۲۲ شاهد جنجال های فراوان و سودآوری ضعیف تسلا بود به طوری که جایگاه او در فهرست ثروتمندان جهان به رتبه دوم سقوط کرده بود. ماسک در سال ۲۰۲۳ نیز همچنان درگیر جنجال بود، اما قیمت سهام شرکت خودروهای الکتریکی تسلا ۱۰۷ درصد افزایش یافت. در نتیجه، دارایی خالص ماسک از ۱۳۸/۳ میلیارد دلار به ۲۲۹ میلیارد دلار افزایش یافت. البته فراموش نکنید که ثروت او همچنان با رقمی در سال ۲۰۲۱ ثبت کرد فاصله زیادی دارد. ثروت ایلان ماسک در سال ۲۰۲۱ میلادی معادل ۲۷۷/۳ میلیارد دلار بود.

مالک شرکت لوکس فرانسوی در جایگاه

دوم

جایگاه دوم به شدت رقابتی است، اما تا



در جایگاه هفتم «لاری پیج» قرار دارد که در سال گذشته میلادی در جایگاه دهم قرار داشت. او که یکی از موسسان گوگل بوده، دارای ثروت ۱۲۶ میلیارد دلاری است، در حالی که در سال ۲۰۲۲ تنها ۸۳ میلیارد دلار ثروت داشت.

او نیز از دستاوردهای بخش فناوری و پیشرفت حوزه هوش مصنوعی در سال ۲۰۲۳ سود برده است. همین امر در مورد سرگئی برین، یکی دیگر از بنیانگذاران گوگل نیز صادق است که با ۱۲۰ میلیارد دلار در جایگاه نهم قرار دارد. سرگئی برین در سال ۲۰۲۲، با ۷۹/۵ میلیارد دلار که در جایگاه یازدهم قرار داشت.

در رده هشتم به لری ایسون، بنیانگذار غول نرم‌افزاری اوراکل، تعلق دارد که با افزایش دارایی خود از ۹۱ میلیارد دلار به ۱۲۳ میلیارد دلار، امسال یک پله بالاتر آمده است.

وارن بافت ۹۳ ساله که سال‌های سال است در فهرست ۲۰ ثروتمند جهان قرار دارد، با وجود اینکه ثروتش از ۱۰۷ میلیارد دلار به ۱۲۰ میلیارد دلار افزایش یافت، اما امسال با پنج رتبه سقوط در جایگاه دهم قرار گرفت. پایان سال خبر غم‌انگیزی برای این میلیاردی به همراه داشت، چرا که او در ۲۸ نوامبر، دست‌راست خود یعنی چارلی مانگر

۹۹ ساله را از دست داد.

در همین رابطه رتبه‌های یازدهم تا بیستم فهرست ثروتمندان جهان به ترتیب افراد زیر قرار دارند:

۱۱- کارلوس اسلیم، مدیر عامل شرکت مخابراتی آمریکامویل از مکزیکی؛ (اولین ثروتمند لاتین تبار در این فهرست) با ۱۰۵ میلیارد دلار.

۱۲- فرانسوا بتانکور می‌یر، وارث شرکت آرایشی لورئال از فرانسه (ثروتمندترین زن جهان) با ۹۹/۷ میلیارد دلار.

۱۳- مکیش امبانی، کارآفرین هندی و مدیر اجرایی شرکت صنایع ریلاینس با ۹۶ میلیارد دلار.

۱۴- آمانسیو اورتگا، ثروتمندترین مرد اسپانیا و مالک شرکت مد و لباس «ایندیتکس» که برنده معروف زارا متعلق به آن است با ۸۷/۵ میلیارد دلار.

۱۵- بیشترین افت رتبه‌بندی را «گوتام آدانی» ثبت کرد که از جایگاه سوم به رتبه ۱۵ سقوط کرده و دارایی او از ۱۲۱ میلیارد دلار به ۸۳ میلیارد دلار کاهش یافت.

موسس گروه آدانی - که شامل همه چیز از معادن گرفته تا بنادر و گروه‌های غذایی است - تنها در یک هفته در ماه فوریه امسال تقریباً نیمی از ثروت خود را به خاطر ادعاهای تقلب حسابداری از دست داد. تحقیقاتی که توسط دادگاه عالی هند در ماه نوامبر انجام شد به این نتیجه رسید که این اتهامات معتبر نیستند. در نتیجه، ثروت شرکت و همراه با آن ارزش خالص آدانی افزایش یافت.

۱۶- مایکل دل، موسس شرکت فناوری Dell، در رتبه ۱۶ قرار دارد. مجموع دارایی خالص او از ۴/۷۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ به ۷/۷۵ میلیارد دلار رسید.

خواهر و برادران والتون

۱۷ تا ۱۹- سه نام بعدی در فهرست پولدارترین مردم جهان متعلق به خانواده والتون است که صاحب فروشگاه زنجیره‌ای «والمارت» است. به ترتیب جیم والتون با ۷۲ میلیارد دلار در جایگاه هفدهم قرار دارد.

پس از اوراب والتون با ۷۱/۲ میلیارد دلار و آلیس والتون با ۷۰ میلیارد دلار قرار دارند.

۲۰- در نهایت نیز ژونگ شان‌شان، تاجر چینی قرار دارد که با فاصله اندکی از «جولیا فلشر کخ» و خانواده‌اش جلو افتاده است.

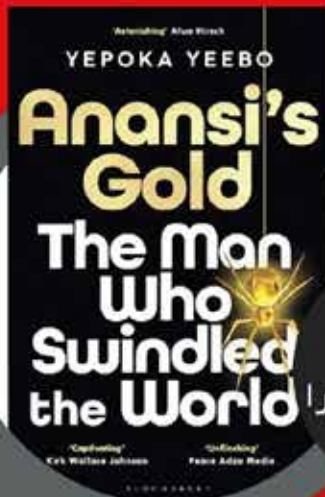
نویسنده: اندرو

یک استاد فناوری و در MIT توضیح می‌دهد چگونه طرز فکری که سلیکون ولی است به طور مفید در زمینه‌های دیگر با تمرکز بر کار تولید سریع نمونه و اجتناب از بوروکراسی و طریق مسوولیت‌پذیر



مسیر
گیگ

۲



طلای
آنانسی

مردی که غرب را غارت کرد

نویسنده: یپوکا ییبو

این کتاب داستان یکی از بزرگ‌ترین تردها در تاریخ کمتر شناخته شده جهان است. جان آگاه بلی میزبان غنایی که سرمایه‌گذاران قاره‌های مختلف را با این وعده که می‌داند طلاهای گمشده کجا پنهان شده‌اند، دور هم جمع کرد. گزارش جامع توسط نویسنده باعث می‌شود که این کتاب یک افزوده جذاب به قانون در مورد کلاهبرداران بزرگ باشد.

بهترین کتاب‌های

اقتصادی و کسب و کار

سال ۲۰۲۳ از نگاه آکونومیست



اول بهترین
چیزها

۳

نویسنده: بیورن لامبورگ

این کتاب استدلالی قوی است برای جایگزینی اهداف توسعه پایدار گسترده و مبهم سازمان ملل با ۱۲ سیاست مقرون به صرفه برای کمک به فقر در جهان. نویسنده در این کتاب می‌نویسد: «تعمیر برخی چیزها دشوار است، هزینه زیادی دارد و کمک کمی می‌کند. برخی دیگر با هزینه کم، با نتایج قابل توجه حل می‌شوند.»

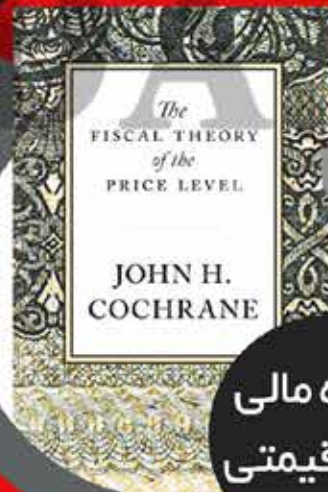


جهان مادی

۵

نویسنده: اد کانوی

سر دبیر اقتصادی اسکای نیوز بریتانیا در این کتاب به این می‌پردازد که چطور ۶ ماده حیاتی (مس، آهن، لیتیوم، نفت، نمک و ماسه) تاریخ بشر را دگرگون ساخته و اقتصاد مدرن را پایه‌ریزی کردند. در حالی که کشورها به دنبال کربن زدایی هستند، رقابتی نیز برای کنترل عرضه این مواد وجود دارد.



نظریه مالی
سطح قیمتی

۴

نویسنده: جان کوکران

پروفسور اقتصاد دانشگاه استنفورد یک نظریه جدید ساخته که چگونه بدهی دولت و نه نرخ بهره در نهایت قیمت‌ها را تعیین می‌کند. نه برای افراد ضعیف، این کتاب برای اقتصاددانان تحریک آمیز است و برای عصر کسری بودجه و تورم بالا مناسب است.

کسب و کار
می‌دهد که
الهام‌بخش
ت می‌تواند
بدگی و در
کسب و کار
گروهی،
های اولیه
کراسی از
یری فردی
به کار رود.

نویسنده: جیمز استیوارت
و راشل آبرامز

گزارشی عمیق و بی‌درد از سال‌های پایانی
سامنر رداستون، غول رسانه‌ای آمریکایی که در
سال ۲۰۲۰ درگذشت. «Unscripted» مانند
بسیاری از مستندهای تلویزیونی، جذاب است
زیرا بازیگران آن بسیار اقتضاح هستند. این
کتاب به جزئیات (گاهی آزاردهنده) شخصیت
سلطه‌جو و شیطنت‌های خارق‌العاده او می‌پردازد.



۶

فیلم‌نامه
نشده

۷



چیزهای بزرگ
چگونه انجام
می‌شود

نویسنده: برنت فالپیبرگ و دن گاردنر

نحوه انجام پروژه‌های بزرگ اغلب به
پرسشی بزرگ برای مردم تبدیل می‌شوند.
این کتاب سرگرم‌کننده، که توسط یک استاد
دانشگاه آکسفورد و یک روزنامه‌نگار نوشته
شده است، به این موضوع می‌پردازد
که چرا طرح‌های جاه‌طلبانه به طور مداوم
ضرب‌الاجل‌ها و بودجه‌ها را از دست
می‌دهند و چه کاری می‌توان در مورد آن
انجام داد. مدیریت پروژه هرگز این‌قدر
سرگرم‌کننده نبوده است.

نویسنده: کلیور هیوز جانسون

کتاب‌های خوب در مورد پیچ و مهره‌های مدیریت بسیار نادر
هستند. یکی از مدیران سابق گوگل و استریپ‌یک، راهنمای
عملی برای همه چیز از ارائه بازخورد و تفویض اختیار تا
برگزاری جلسه و ایجاد تیم ارائه می‌دهد.

۸



پیمان‌کردن
مردم

۹



میلیاردرهای
گمشده

نویسنده: ویکتور حقانی و جیمز وایت

کتابی متقاعد کننده که به یک سوال
مهم و نادیده گرفته شده در امور مالی
می‌پردازد: اینکه چه چیزی بخیریم یا
بفروشیم مهم نیست، مهم مقدار آن
است. حتی متخصصان حرفه‌ای نیز تمایل
دارند به این سوال پاسخ بدهی بدهند که
منجر به از دست دادن ثروت می‌شود. اما
نظریه مالی پاسخ را ارائه می‌دهد. ریاضی،
برای هر کسی که به بازار علاقه دارد
جذاب خواهد بود.

اهمیت سرمایه‌گذاری در



پرهام پهلوان

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران

در عین حال مستقل تشکیل شده است. اصطلاح زنجیره تامین نشان‌دهنده یک حلقه تامین محصول است که از تامین‌کننده به تولیدکننده، توزیع‌کننده، خرده‌فروش و در نهایت مشتری در طول زنجیره تامین حرکت می‌کند.

یکی از مشکلات مهمی که در صنعت ICT به خصوص برای کسب و کارهای ایرانی که با بی‌ثباتی‌های متعدد و تحریم‌های غیرقابل پیش‌بینی مواجه هستند وجود دارد جذب سرمایه است. هرچند با مقایسه وضعیت کنونی و وضعیت مطلوب می‌توان به خیلی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در این حوزه در ایران پی برد. تولید محتوا یکی از منابع مهم کسب درآمد در دنیاست. اگر فرض کنیم که ۸۰۰ میلیون ویدئو روی یوتیوب وجود دارد و به طور متوسط هر ویدئو نزدیک به ۱۲ دقیقه باشد، بیش از ۱۷ هزار و ۸۰۰ سال طول می‌کشد که یک نفر بتواند شبانه‌روز تمام محتوای یوتیوب را مشاهده کند. این قدرت تولید محتوا، به بستر مناسب، سرورهای ایمن و اینترنت پرسرعت و پایدار نیاز دارد تا بتواند نیاز کسب و کارها را تامین کند و به افزایش ارزش افزوده منجر شود.

خدمات آنلاین اعم از آموزش، بانکداری الکترونیک، دولت دیجیتال و دسترسی به دولت دیجیتال یا خدمات بخش خصوصی مثل خرید آنلاین، تامین سرمایه انسانی دور کار و... جزء جدانشدنی زندگی‌های امروزی است که بر پایه نرم‌افزارها و اینترنت بنامی شود. سرمایه‌گذاری در خدمات ناملموس تر و کالای واسطه این حوزه مثل پشتیبانی، صورت حساب، پرداخت آنلاین و تبلیغات نیز از مهم‌ترین نیازمندی‌های این حوزه است. در این خدمات علاوه بر اهمیت اینترنت و سرعت، باید امنیت نیز برقرار شود. به عنوان مثال، در هک اخیر اسنپ‌فود، اطلاعات بیش از ۲۰ میلیون کاربر و ۸۰ میلیون سفارش استخراج شد که یک مثال مناسب برای نیازمندی شدید به دانش حفاظت از اطلاعات است. نرم‌افزارها به هر دو شکل آفلاین و آنلاین از مهم‌ترین منابع کسب درآمد در زندگی دیجیتال هستند.

نرم‌افزارهای آنلاین که بر پایه اینترنت هستند می‌توانند منبع بسیار مناسب افزایش ارزش افزوده، کاهش هزینه‌ها و جذب سرمایه خارجی و ارزش باشند. تنها صنعت نرم‌افزارهای موبایل در پایان سال ۲۰۲۲، بیش از ۲۰۶۸۵ میلیارد دلار ارزش داشت که برخی منابع، این عدد را تا بیش از دو برابر در پایان ۲۰۳۰ پیش‌بینی کرده‌اند. به طور کلی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباط نیاز روزافزون کشور و کسب و کارهاست و می‌تواند برای خیلی از مشکلات کشور، از جمله بحران ارز، ضعف در جذب سرمایه، ریسک‌های سرمایه، بی‌ثباتی اقتصادی و... راهگشا باشد.

دیجیتال‌سازی کسب و کارها و توسعه اقتصاد دیجیتال روزبه‌روز پراهمیت‌تر می‌شود. از طرف دیگر دستیابی به دانش روز در فناوری‌های ICT به شناخت شرایط کنونی کشورها بستگی دارد. در کشورهایی که کمتر توسعه یافته هستند باید ابتدا این خدمات را ایجاد و ارائه کرد؛ اما در کشورهای توسعه یافته‌تر می‌توان در مورد سرعت و کیفیت ارائه خدمات صحبت کرد. در اقتصاد امروز، زنجیره تامین یک شبکه در جهت دستیابی به بالاترین سود برای تولیدکنندگان و کسب و کارها بسیار مهم است. بنابراین جریان کالا به بزرگ‌ترین دغدغه شرکت‌ها و سازمان‌های تجاری تبدیل می‌شود.

اهمیت سرمایه‌گذاری در ICT

هیچ وقت به اندازه امروز به فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) اتکا نشده بود. فناوری‌های دیجیتال بخش مهمی از پشتوانه ساخت اقتصاد جهانی پایدارتر و امن‌تر هستند. ارتقای این دست فناوری‌ها نیازمند همکاری چندجانبه دولت‌ها، دانشگاه‌ها، کسب و کارها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. از طرفی بررسی نقش زنجیره تامین جهانی، پیامدهای حاکمیتی ارائه کرده و راه‌حل‌هایی را برای محدود کردن ریسک‌ها توسط توسعه اقتصاد دیجیتال پیشنهاد می‌کند. زنجیره تامین از بسیاری از موجودیت‌های به هم پیوسته و

DASANI

Trademark Regd.

آب آشامیدنی حاوی مواد معدنی
برای طعمی تازه و گوارا



شرکت تولیدی و صنعتی سامد



تولید کننده:

فرمالین

رزین اوره فرمآلدئید (UF)

رزین ملامین فرمآلدئید (MF)

فرم اوره (UFC)

چسب های پایه حلالی

چسب های پایه آبی

مشهد: کیلومتر ۲۷ بزرگراه فوجان
صندوق پستی: ۹۱۳۷۵-۴۵۶۶
تلفن: (۰۵۱)۳۱۶۶۹ (خط ۴۰)
فکس: (۰۵۱)۳۲۴۶۳۳۱۴
دفتر تهران: تلفن: (۰۲۱)۸۸۷۷۴۲۵۵
۸۸۷۹۰۶۶۹، ۸۸۷۹۰۶۸۰
فاکس: (۰۲۱)۸۸۷۹۵۲۹۵



www.samed.ir samed@samed.ir

چسب در شهید
اتصال ناگسستنی در صنایع ایران